

سبک زندگی سرخانواد کسر حضرت فاطمه

محمد جواد برهانفر

الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	۵
پیشگفتار.....	۱۵
فصل اول:.....	۲۱
مباحث مقدماتی سبک زندگی حضرت.....	۲۱
حضرت زهرا.....	۲۱
مقدمه.....	۲۳
تعریف سبک زندگی.....	۲۳
تعریف سازمان بهداشت جهانی از سبک زندگی.....	۲۴
شاخص های تاثیرگذار بر سبک زندگی.....	۲۴
سبک زندگی مدرن.....	۲۶
اصول سبک زندگی حضرت فاطمه.....	۲۷
اصل اول: دیانت و معنویت.....	۲۷
اصل دوم: عدالت و انصاف.....	۲۷
اصل سوم: محبت و مهربانی.....	۲۸
اصل چهارم: تبعیت از همسر.....	۲۸
اصل پنجم: مشورت.....	۲۸
اصل ششم: آرامش در خانواده.....	۲۸
اهمیت سبک زندگی یا سیره اجتماعی حضرت زهرا.....	۲۹
ضرورت بررسی سبک زندگی خانوادگی حضرت فاطمه.....	۳۰



فصل دوم..... ۳۱

سبک زندگی حضرت زهرا در خانواده پدر..... ۳۱

۳۳..... مقدمه

۳۶..... نهاد خانواده

۳۶..... نگاهی به خانواده پیامبر محل تربیت حضرت فاطمه

۳۹..... اخلاق خانوادگی حضرت زهرا

۴۰..... جایگاه دختر در نهاد خانواده

۴۱..... خیر مقدم گفتن پیامبر به دخترش فاطمه

۴۱..... به احترام فاطمه به پاخواستن

۴۲..... بوسیدن دست فاطمه توسط پدر

۴۲..... پیامبر حضرت فاطمه را در جای خود می‌نشاند

فصل سوم..... ۴۵

سبک و شیوه خواستگاری و عروسی حضرت زهرا..... ۴۵

۴۷..... مقدمه

۴۷..... خواستگاری

۴۸..... شیوه خواستگاری حضرت علی از فاطمه

۵۰..... مشورت پیامبر با فاطمه در امر خواستگاری

۵۲..... صحبت در مورد هزینه ازدواج

۵۳..... خواندن عقد ازدواج علی و فاطمه در آسمان

۵۴..... عقد ازدواج علی و فاطمه در زمین

۵۶..... پانصد درهم مهریه حضرت فاطمه

۵۶..... اعلان مراسم ازدواج

۵۸..... سخنرانی حضرت امیر در مسجد به مناسبت خواستگاری حضرت فاطمه

۵۸..... تبریک گفتن مسلمانان به ازدواج علی و فاطمه

۵۹..... خوشنودی فاطمه از ازدواج با علی

۵۹..... دف زدن زنان در مراسم عروسی فاطمه

۵۹..... خرید جهاز عروسی

۶۰	اقلام جهاز حضرت زهرا
۶۲	خرید خوشبوکننده و لوازم آرایشی
۶۲	مدت زمان نامزدی
۶۴	نقش زنان در تدارک ازدواج
۶۴	جلسه زنان پیامبر با حضرت پیامبر در مورد مراسم عروسی فاطمه
۶۶	آرایش عروس
۶۷	تدارک ولیمه عروسی
۶۹	غذای باقیمانده ولیمه
۷۰	دعای خیر پدر زن برای عروس و داماد
۷۲	لباس عروس
۷۲	پوشیده بودن صورت عروس
۷۳	عروس سوار بر اسب شهباء
۷۳	شادی و شعر خوانی در عروسی
۷۴	زندگی در خانه اجاره‌ی
۷۶	شب عروسی حضرت فاطمه
۷۶	شادمانی و شعرخوانی حضرت فاطمه در شب عروسی
۷۷	حضور پیامبر در خانه علی بعد از چهار روز
۷۸	مراسم آب نوشی و آب پاشی و دعا
۷۹	دعای پیامبر برای فاطمه و علی بعد از عروسی
۷۹	پرسیدن از دختر در مورد همسرش
۸۱	فصل چهارم
۸۱	سبک زندگی حضرت زهرا با شوهر
۸۳	مقدمه
۸۳	رابطه بین زن و شوهر
۱۴	ستودن همسر نزد پدر (بهترین شوهر)
۱۴	تفاهم در زندگی مشترک
۱۵	دفاع از شوهر
۱۵	تهدید به نفرین برای دفاع از شوهر



- ۱۷..... نمونه از فرمانبرداری حضرت فاطمه از شوهر
- ۱۷..... فرمان برداری از شوهر
- ۱۸..... امرت مطاع یابن عم
- ۱۸..... فاطمه همسر فرمان بردار
- ۱۸..... فاطمه شفیع زن فرمانبردار از شوهر
- ۱۹..... ناراحت نکردن شوهر
- ۱۹..... هماهنگی با شوهر
- ۹۰..... ابراز عشق و علاقه به شوهر
- ۹۱..... وفادار به شوهر
- ۹۱..... اعلان وفاداری در وصیت نامه
- ۹۱..... تقسیم کار در خانواده
- ۹۲..... کار طاقت فرسای فاطمه در خانه
- ۹۴..... کارهای حضرت زهرا
- ۹۵..... با یک دست آرد کردن و با دست دیگر فرزندش را شیردادن
- ۹۵..... تهیه لباس برای همسر و حسنین
- ۹۵..... بافتن لباس خاص برای شوهر
- ۹۶..... نخ ریسی (سنگ ریسی)
- ۹۷..... بافتن و وصله زدن لباس و کفش برای فرزندان
- ۹۷..... آسیاب کردن، خمیر کردن، نان پختن
- ۹۷..... دیگ کردن
- ۱۰۰..... چیزی از همسر نخواستن
- ۱۰۰..... سازش زهرا با مشکلات مالی علی
- ۱۰۱..... رخسار زرد زهرا به خاطر گرسنگی
- ۱۰۱..... سزای آزار دان شوهر
- ۱۰۲..... کمک به همسر (پاک کردن عدس)
- ۱۰۳..... پاداش کسی که به همسرش کمک کند
- ۱۰۳..... کمک به همسر عبادت جامع
- ۱۰۳..... کمک به همسر پاداش صابران و پیامبران

- ۱۰۴..... کمک به همسر ثواب هزار شهید
- ۱۰۴..... کمک به همسر پاداش حج و عمره
- ۱۰۵..... کمک به همسر تضمین بهشت
- ۱۰۵..... کمک به همسر بهتر از هزار هزار عبادت ...
- ۱۰۶..... خدمت به همسر بهتر از خواندن کتاب های مقدس
- ۱۰۶..... ثواب کمک به همسر بیشتر از ثواب آزادی هزار اسیر
- ۱۰۶..... کمک به همسر تضمین ورود بدون حساب به بهشت
- ۱۰۶..... خدمت به همسر کفار گناهان و فرونشاندن خشم پروردگار
- ۱۰۷..... کمک گاران به همسر خواستاران بهترین در دنیا و آخرت
- ۱۰۷..... اعتراض و استغفار حضرت فاطمه
- ۱۰۸..... اعتراف همیشگی به فضائل همسرش علی
- ۱۰۹..... نگران شوهر حتی در دم مرگ
- ۱۰۹..... تک همسری
- ۱۱۱..... توجه به همسر
- ۱۱۱..... خرید هدیه برای همسر
- ۱۱۲..... عشق علی به زهرا
- ۱۱۳..... شعر علی گواه روشن بر عشق علی به زهرا
- ۱۱۴..... رضایت کامل علی از زهرا
- ۱۱۴..... اوج رضایت علی از فاطمه
- ۱۱۵..... علی و فاطمه بهترین زن و شوهر
- ۱۱۶..... عذر خواهی فاطمه از علی
- ۱۱۷..... رفتار حضرت زهرا با امیرالمومنین
- ۱۱۷..... صداقت
- ۱۱۸..... اجتناب از هر گونه خیانت
- ۱۱۸..... زهرا روایتگر صفات شایسته همسرش
- ۱۱۸..... علی یاور و فرمانبردار پدرم
- ۱۱۹..... علی شیر بیشه ها و فاتح نبردها
- ۱۱۹..... علی پر تلاش و مقاوم

- ۱۱۹..... علی نسخه دوم پدرم رسول الله.....
 ۱۲۰..... علی سرور اولیاء الله.....
 ۱۲۰..... علی دارای همت والا و خیرخواهی.....
 ۱۲۰..... علی انسان پرتلاش.....
 ۱۲۰..... سلام پیامبر به زهرا و هدیه علی به همسر.....
 ۱۲۳..... سفارش به ازدواج با امامه به خاطر مهربانی اش با فرزندان.....

فصل پنجم:..... ۱۲۵

سبک و تهیه خوراک حضرت زهرا..... ۱۲۵

- ۱۲۷..... مقدمه.....
 ۱۲۷..... غذایی خانواده حضرت علی و فاطمه.....
 ۱۲۷..... سبزیجات.....
 ۱۲۸..... خرما.....
 ۱۲۸..... گوشت.....
 ۱۳۰..... آبگوشت(شوربا).....
 ۱۳۰..... حبوبات.....
 ۱۳۰..... جو.....
 ۱۳۱..... ذرت (جواری).....
 ۱۳۱..... گندم.....
 ۱۳۱..... عدس.....
 ۱۳۲..... حریره.....
 ۱۳۳..... لبنیات.....
 ۱۳۳..... میوه جات.....
 ۱۳۴..... انار.....
 ۱۳۴..... سیب.....
 ۱۳۴..... انگور و کشمش.....
 ۱۳۵..... آداب غذا خوردن.....

فصل ششم:..... ۱۳۷

۱۳۷..... سبک پوشش

۱۳۷..... حضرت زهرا

۱۳۹..... مقدمه

۱۴۰..... پاکدامنی یکی از ویژگی‌های مومن

۱۴۱..... عفت در گفتار

۱۴۲..... عفت در نگاه

۱۴۳..... نیکویی برای زنان از نظر حضرت زهرا

۱۴۴..... عفت در پوشش

۱۴۵..... اهمیت حضرت فاطمه به حجاب

۱۴۶..... حجاب حضرت زهرا حتی برای ناینبان

۱۴۷..... رعایت عفت و حجاب

۱۴۸..... حجاب در بیرون از خانه

۱۴۸..... نزدیکترین لحظه ی زن به خدا وقتی است که زن در خانه باشد

۱۴۹..... حجاب حضرت فاطمه در نماز

۱۵۰..... حجاب و حیای حضرت فاطمه

۱۵۱..... حجاب ساده اما کامل

۱۵۱..... اجتناب از جلب توجه

۱۵۳..... آرایش برای نامحرمان

۱۵۳..... بد حجابها

۱۵۷..... فصل هفتم:

۱۵۷..... برنامه زندگی و تفریح در سیره حضرت زهرا

۱۵۹..... مقدمه

۱۵۹..... برنامه زندگی حضرت فاطمه

۱۶۰..... آموزش و پاسخ به سوالات زنان

۱۶۰..... شادی و تفریح

۱۶۲..... خندیدن حضرت فاطمه و علی



- کنار چشمه رفتن ۱۶۳
- تفریح در صحرا..... ۱۶۴
- شریک شادیهای دیگران..... ۱۶۴
- هر هفته به زیارت قبور شهدا رفتن ۱۶۴
- رفتن برای مشاهده قربانی ۱۶۵
- مشاهده کشتی گیری فرزندان ۱۶۶
- بازی با کودکان ۱۶۶
- نکاتی در مورد شادی و تفریح..... ۱۶۶

فصل هشتم..... ۱۶۹

سبک زندگی و رفتار با والدین در خانواده حضرت زهرا ۱۶۹

- مقدمه..... ۱۷۱
- اصول حاکم بر روابط بین فرزندان و والدین..... ۱۷۱
- شاخص‌های نیکی به والدین..... ۱۷۱
- احسان ۱۷۲
- سخن نیکو و نرم گفتن..... ۱۷۲
- تواضع ۱۷۳
- دعا در حق پدر و مادر..... ۱۷۳
- سیاس‌گذاری از والدین ۱۷۴
- فلسفه نیکی به والدین..... ۱۷۴
- شهادت به رسالت پدر..... ۱۷۵
- درد و سلام فرستادن بر پدر ۱۷۵
- تمجید از پدر..... ۱۷۵
- افتخار به تبار رسالت (هویت شخصی)..... ۱۷۶
- بیان فضائل پدر(مردمی، دلسوز، مهربان)..... ۱۷۶
- احترام حضرت زهرا به پدر ۱۷۷
- خوش آمدگویی فاطمه به پدر ۱۷۷
- به استقبال پدر ایستاده شدن..... ۱۷۸

۱۷۸.....	دست پدر را بوسیدن.....
۱۷۸.....	احترام به قبر پدر.....
۱۷۹.....	حمایت از پدر.....
۱۸۰.....	تشویق دیگران به حمایت پدر.....
۱۸۱.....	حس بی پدری حس تنهایی.....
۱۸۱.....	از دست دادن پدر یعنی از دست دادن پشتیبان زندگی.....
۱۸۱.....	دنیا بی بی تو دنیا بی بی وفایی.....
۱۸۲.....	عظمت در کنار پدر.....
۱۸۲.....	گریه زهرا در فراق پدر.....
۱۸۳.....	در فراق پدر.....
۱۸۴.....	سرودن و خواندن شعر در سوگ پدر.....
۱۸۴.....	مخته و عزاداری برای پدر.....
۱۸۵.....	دلداری به مادر.....
۱۸۶.....	بیان مقام مادر.....
۱۸۶.....	بی تابی در سوگ مادر.....
۱۸۹.....	فصل نهم
۱۸۹.....	سبک تعامل با فرزند
۱۹۱.....	مقدمه.....
۱۹۱.....	رفتار و رابطه والدین با فرزندان.....
۱۹۲.....	خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد.....
۱۹۲.....	روغن مالی کردن سر نوزاد با روغن بنفشه.....
۱۹۲.....	شیرین کردن دهان نوزاد (تحنیک یا کام برداشتن).....
۱۹۳.....	شیرین کردن دهن نوزاد با خرما.....
۱۹۳.....	نام نیکو.....
۱۹۴.....	نام گذاری امام حسن <small>علیه السلام</small>
۱۹۵.....	نام گذاری حضرت زینب.....



- تراشیدن سر نوزاد و صدقه دادن ۱۹۶
- ختنه کردن پسران ۱۹۶
- مراقبت از کودکان ۱۹۸
- مراقبت فاطمه از حسین علیه السلام ۱۹۸
- تعلیم و تربیت نیکو ۱۹۸
- بازی مادر با حسن و حسین علیه السلام ۲۰۱
- احترام به کودکان و فرزندان ۲۰۱
- شاخص‌های احترام به فرزند و کودکان ۲۰۲
- تبعیض نگذاشتن بین کودکان ۲۰۲
- نکوهش تبعیض بین فرزندان ۲۰۲
- آفات و کارکردهای منفی تبعیض ۲۰۳
- ایجاد کینه ۲۰۳
- حسادت ۲۰۳
- ایجاد بدبینی به والدین ۲۰۳
- برتری ندادن یکی از فرزندان بر دیگری ۲۰۴
- درس‌هایی از این داستان ۲۰۵
- نکته مهم ۲۰۶
- فصل دهم ۲۰۹**
- سبک رفتار حضرت زهرا با خویشاوندان و ارحام ۲۰۹**
- مقدمه ۲۱۱
- شبکه خویشاوندی؛ صله رحم یا پیوند با خویشاوندان ۲۱۱
- تعریف و مصادیق خویشاوندان ۲۱۱
- سلسله مراتبی بودن خویشاوندان (ارحام) ۲۱۲
- صله رحم حضرت زهرا ۲۱۲
- کارکردهای صله رحم ۲۱۵
- فهرست منابع ۲۱۶**

پیشگفتار

1. از آنجا که انسان موجود اجتماعی است در یک کنش اجتماعی مداوم قرار دارد. انسان در فرایند کنش اجتماعی خود نیازهای خود را برآورده می‌سازند.
2. شخصیت انسان در جامعه و در محیط خانواده، گروه همسالان، مدرسه، مسجد، در تعامل با همسایه گان و از طریق رسانه ها، بازی های رایانه ی و... شکل می‌گیرد. انسان از محیط اجتماعی خود هنجارهای پذیرفته و قاعده های شایسته رفتار اجتماعی را یاد می‌گیرد. آن گاه با توجه به هنجارهای که یادگرفته است در موقعیت های مناسب نقش‌ها و کنش های مناسب را انجام می‌دهد.
3. با توجه به بند یک و دو، می‌توان چنین نتیجه گرفت که استعدادها و توانایی‌های انسان می‌تواند در جامعه، شکوفا شود. شکوفایی استعدادها در جامعه مرهون روابط سالم و همکاری درست، میان اعضای جامعه است.



4. تردیدی نیست که روزانه با افراد گوناگونی در موقعیت‌ها و منزلت‌های متفاوت ارتباط داریم و از ما انتظار می‌رود در هر جا متناسب با موقعیت و منزلت خود و فرد مقابل، نقش مناسبی ایفا کنیم، در خانه، در مقام یکی از اعضای خانواده، در اتوبوس به عنوان یک مسافر و در کلاس درس در جایگاه شاگرد یا استاد، و ... باید رفتار مناسب با شرایط و موقعیت داشته باشیم. روشن است که رفتار و گفتار انسان در مجلس عزا کاملاً متفاوت از مجلس شادی و خوشی است و این کنش‌های متفاوت را انسان از جامعه یاد می‌گیرند و در همانجا تمرین می‌کنند و به نسل بعد خود منتقل می‌سازند.
5. از سوی دیگر حقوق ما در برابر همه افراد جامعه مساوی نیست؛ زیرا ارتباط افراد جامعه با هم دیگر و پیوند زندگی آنان در یک سطح نیست. کسانی هستند که زندگی‌شان در تمام شبانه روز با یکدیگر پیوند خورده است؛ مانند: زن و شوهر، و کسانی در جامعه هستند که ارتباطشان در این حد نیست؛ مثلاً گاهی با هم ارتباط دارند؛ مثل: دوستان و همسایگان. این تفاوت ارتباطات و دوری و نزدیکی افراد، زمینه دیگری برای شکل‌گیری حقوق و تکالیف اجتماعی است.
6. بنابراین یکی از معیارهای اختلاف حقوق و تکالیف، همین اختلاف ارتباطات اجتماعی است که به صورت یک اصل در اخلاق اسلامی و روابط اجتماعی مطرح است که حتی خویشان و بستگان ما هم یکسان نیستند و بعضی از آنها بر بعضی دیگر مقدم‌اند و ارتباط انسان با برخی از خویشان و بستگان بسیار خودمانی‌تر و صمیمی‌تر از برخی دیگر آنها است. به این واقعیت در قرآن کریم نیز اشاره شده است که می‌فرماید:

«صراحت خویشاوندان در کتاب خدا بعضی بر بعضی دیگر مقدم شده و

اولویت بیشتر دارد.»^۱

اسلام حتی برای همسایگان نزدیک حقوق خاصی قرار داده است. پس «هرچه پیوند نزدیک تر باشد روابط متقابل، قوی تر و حقوق و تکالیف دو طرف نسبت به هم بیشتر است».^۲ اینجا است که نیاز داریم شیوه‌های ارتباطی متناسب را در جامعه فرا بگیریم.

۱. این امر نیز واقعیت دارد که هر جامعه، متناسب با جهان بینی خود و هنجارها و ارزش‌های حاکم در آن جامعه و در کل، متناسب با فرهنگ حاکم، یک نوع رفتار خاص را ممکن است ترویج و به نمایش بگذارد؛ در میان جوامع گوناگون، جوامع اسلامی و بخصوص پیروان مکتب اهل بیت ع با توجه به جهان بینی توحیدی و آموزه های دینی و مذهبی خود فرهنگ سازی می کند و از مسلمانان می خواهد سبک زندگی خویش را طبق آموزه های دین تنظیم کنند.

دین اسلام یک دین اجتماعی است. ضمن اینکه دستورهای فردی زیادی دارد دستورهای اجتماعی فراوانی نیز در آن وجود دارد؛ مانند: آداب معاشرت، اخلاق پسندیده، نماز جماعت، نماز جمعه، تعاون و دیگریاری، حج، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ... که از جمله دستورهای اجتماعی اسلام شمرده می شوند.

۱. ﴿... فَيُؤْتِي نَفْسًا بِرَبِّهَا يُرِيهَا أَجْرَهَا...﴾، سوره انفال، آیه ۷۵.

۲. اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۴۸.



خداوند پیامبر اسلام ﷺ را الگوی بشر معرفی کرده است؛^۱ پس شایسته است همه مردم، به ویژه مسلمانان در گفتار و رفتارشان از این الگوی نیکو پیروی کنند، تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابند؛ از این رو لازم است در گام نخست به سبک زندگی حضرت، توجه شود؛ آن گاه آن را معیار قرار دهند و رفتار خود را با آن تنظیم کنند.

از آنجا که سیره معصومان و امامان معصوم برگرفته از سیره نبوی است؛ لذا مطرح کردن سیره معصومان در طول سیره نبوی و در واقع الگوها و نمونه های عملی سیره نبوی است. کتاب پیش رو که در مورد سبک زندگی خانوادگی حضرت زهرا نوشته شده است از این جهت منحصر به فرد است که حضرت زهرا تنها معصومی زن است که سیره و سبک زندگی و رفتارش در دسترس است.

در همین ابتدا لازم می بینم چند نکته دیگر را نیز خدمت خوانندگان گرامی تقدیم دارم.

۱. انگیزه نوشتن این اثر توجه دادن به جنبه های سبک خانوادگی حضرت فاطمه است. در مورد سبک خانوادگی حضرت فاطمه اثری مستقل نوشته نشده است، لذا این بزرگوار مانند قبرش، غریب مانده است.

۲. در مورد حضرت فاطمه کارهای مثبت زیادی انجام شده است. در منابع روایی و حدیثی ما گزارش های زیادی از زندگی حضرت فاطمه، پندها، سخنرانی ها و روایات آن حضرت آمده است که کار بسیار ماندگاری در این عرصه است. کتاب های روایی چون نهج الحیات، موسوعه کلمات سیدتنا

۱. به آیه ۲۱ سوره احزاب اشاره دارد: ﴿لَوْ تَوَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ أَن تَأْتِيَهُمْ سُلَيْمَانٌ أَوْ جِبْرَائِيلُ فَذَلِكُمْ أَشَدُّ مُبْتَلَاً لَهُمْ بِاللَّهِ مِنَ الْإِسْلَامِ الَّذِي كَفَرُوا بِهِ﴾؛ «البته شما را در اقتدای به رسول خدا ﷺ (چه در صبر و مقاومت و چه در دیگر اوصاف و افعال نیکو) خیر و سعادت بسیار نزد خدا است.»

فاطمه، مسند فاطمه، مجموعه های ارزشمندی است که سخنان حضرت فاطمه زهرا را یک جا گردآوری کرده است.

۳. نگارنده از نرم افزارها، به ویژه برنامه «جامع الاحادیث سه و نیم» فراوان استفاده کرده است و احادیث را از کتاب های دست اول، همراه اعراب گذاری آن در متن آورده است که برای مبلغان، بسیار سودمند است. در این اثر تلاش شده است تا صرفاً از منابع دست اول استفاده شود و به همین خاطر به منابع دست دوم بسیار کم مراجعه شده است.

۵. ممکن است خواننده گرامی روایتی را از حضرت فاطمه بخواند که عین آن از معصوم دیگر و یا از پیامبر ﷺ نقل شده باشد. این امر نیز از باب اشتباه نیست؛ بلکه عین روایت از چندین معصوم نقل شده است که چون در منابع، این روایت از حضرت فاطمه نیز نقل شده است، در اینجا آمده است.

۶. نگارنده توجه دارد که سبک و سیره به معنای منطق عملی و رفتار خارجی است؛ اما در این اثر صرفاً به منطق عملی توجه نشده است؛ بلکه سخنان حضرت فاطمه نیز آورده شده است؛ زیرا سخنان آن بزرگوار مبنای عملشان نیز بوده است.

۷. خوانندگان گرامی اگر پیشنهاد و انتقادی به ذهنشان می رسد از ما دریغ نورزند و با ما درمیان بگذارند تا در چاپ های بعدی مورد توجه قرار گیرد.

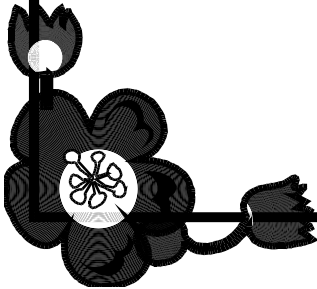
و من الله التوفیق

محمد جواد برهانی بابه

فصل اول:

مباحث مقدماتی زندگی حضرت

حضرت زهرا





مقدمه

سبک زندگی، بحث نسبتاً جدید است که در غرب مطرح گردید و بیشتر این بحث در جامعه فردگرا مطرح است. بصورت کلی اصطلاح «سبک زندگی» برای انواع سبک‌های مختلفی از زندگی با رویکردهای متفاوت، مانند سبک زندگی اسلامی، غربی، شرقی و یا سبک زندگی در روانشناسی، جامعه‌شناسی و... به کار رفته است. در مجموع آنچه از مفهوم سبک زندگی به تصویر کشیده می‌شود، بیشتر ناظر به همان جلوه‌های بیرونی و خارجی حیات و تمدن غربی از قبیل مد، دکوراسیون، الگوی مصرف و مفاهیمی از این قبیل می‌باشد.

تعریف سبک زندگی

معادل اصطلاح «سبک» در زبان عربی «اسلوب» و در زبان انگلیسی «style» است. عبارت «سبک زندگی» در شکل نوین آن اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی به کار رفت. این عبارت به منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

«سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه و همه، تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند.»

«روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ را سبک زندگی گویند.»



تعریف سازمان بهداشت جهانی از سبک زندگی

«سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را این گونه تعریف می‌کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری به وجود آمده است.»

شاخص‌های تاثیرگذار بر سبک زندگی

در مجموع می‌توان برخی از مهم‌ترین شاخص‌های سبک زندگی را در موارد زیر برشمرد:

روابط و رفتارهای اجتماعی؛ تعامل همسران؛ تعامل والدین با فرزندان؛ تعامل افراد با یکدیگر در جامعه؛ میزان ازدواج و طلاق؛ روابط نامحرم در جامعه.

الگوهای معماری شهرسازی؛ فضای خانه؛ فضای محله؛ فضای شهری؛ فضای روستایی.

مدگرایی و پوشش؛ میزان گرایش به مد، اهمیت مد در زندگی، معیار اصلی در انتخاب پوشش؛ اهمیت و نوع آرایش مورد نظر (خانم‌ها و آقایان از حیث آرایش صورت و...)

مصارف فرهنگی؛ میزان استفاده و مراجعه به سینما، اماکن تئاتر؛ میزان استفاده از ماهواره، اینترنت؛ محتوای موسیقی‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ محتوای فیلم‌های سینمایی.

تغذیه؛ میزان مراجعه به رستوران (رستوران‌های مدرن با غذاهای فرنگی، واحدهای صرف غذا و نوشیدنی در سینماها، اماکن تفریحی و ورزشی و...) نوع رستورانهای مورد استفاده، نوع غذاهای مورد استفاده در منزل.

کالاهای مصرفی: میزان استفاده از کالاهای لوکس؛ اولویت های مورد نظر در انتخاب کالاهای مصرفی

رسانه ها: نوع و شیوه تبلیغ گسترده کالاها و خدمات در رسانه ها و نوع کالاهای مورد تبلیغ، رسانه های مورد اعتماد.

ارزش ها: میزان توجه به ارزشها؛ الگوی (شخصیت) مورد نظر و مورد تایید دینی - علمی - فرهنگی - سیاسی - ورزشی - هنری؛ میزان توجه به فرآیند دینی؛ میزان اعتقاد به حرام و حلال؛ میزان توجه به ارزشهای دینی به عنوان مبنای اخلاق و سلوک اجتماعی؛ میزان اهمیت عبادت خالق و خدمت به خلق؛ میزان توجه به روحیه گذشت و صداقت

اوقات فراغت: اماکن و وسائل تفریحی مورد استفاده

نام گذاری: نام های مورد علاقه، بیشترین نام های مورد استفاده، میزان رضایت از نام و علت نامگذاری

نوع و محل سکونت: محل فعلی: ویلایی - آپارتمانی و...؛ محل مورد نظر و انتظار؛ معیار انتخاب محل سکونت

شغل و تحصیلات و میزان درآمد: سطح تحصیلات، تناسب تحصیلات و شغل، میزان تاثیر تاثیرات بر انتخاب الگوهای رفتاری و میزان درآمد.

قدرت، ثروت و سبک های زندگی: برای تمایز و تفکیک طبقه اجتماعی نمی توان تنها به درآمد و مصرف توجه کرد. این که سبک زندگی محل بروز فردیت است و شخص می تواند با تکیه بر این، سبک زندگی خودش را انتخاب کند. در جامعه قدرت با سبک زندگی ارتباط دارد، زیرا که در عرصه قدرت و ثروت، جامعه پرانشعاب است و در چنین جامعه ای سبک های زندگی، فرصت های برابر برای همه قرار نمی دهد. به همین دلیل این سبک های زندگی غیرقانونی شده واز بازنمایی آنها هم جلوگیری می شود و تا زمانی که

قدرت از طریق هنجارها جلوی شکل‌گیری سبک‌های زندگی را می‌گیرد طبیعی است که در سبک‌های زندگی جوانان دوگانگی ایجاد شده و لازمه زندگی در این محیط این است که افراد حوزه‌های زندگی خود را جدا می‌کنند.

سبک زندگی مدرن

"سبک زندگی مدرن"، به ویژه آن گونه‌ای که از نیمه قرن بیستم به خصوص از دهه ۸۰ حاکم شده چند مؤلفه اساسی دارد:

۱- عالم مدرن، اساساً فرد انگارانه است. عالم فردانگار عالمی است که تعلقات اجتماعی و خانوادگی را نمی‌تواند بپذیرد پس سبک زندگی مدرن، سبکی است که اقتصاد و پول، مسئله اصلی انسان می‌شود. در عالم مدرن، انسان در ذیل پول تعریف می‌شود.

۲- فرد انگاری موجب می‌شود که انسان تدریجاً یا خانواده‌گریز و یا خانواده ستیز شود لذا در ابتدای امر، فرد از خانواده گسترده و فامیلی دور شده و به سوی خانواده هسته‌ای سپس به سمت تجرد تمام عیار سیر می‌کند و این چیزی است که مطابق با آمار در عالم غرب مدرن مشاهده شده و متأسفانه جامعه‌های اسلامی بخصوص جامعه‌های در حال توسعه نیز به همین سو در حال حرکت است.

۳- سومین ویژگی انسان مدرن و این سبک زندگی، مصرف‌گرایی شدید است فرهنگ مصرف، جانشین فرهنگ امساک انباشت شده است و این به جزئی از سبک زندگی در زندگی مدرن شده است.

۴- چهارمین ویژگی، حضور سرعت شتاب زده‌ای است که یک اضطراب زمان را ایجاد می‌کند و اضطراب ساعت یک حالت مکانیکی در روابط انسان‌ها ایجاد می‌کند. همچنین تغییر مدل‌های غذایی از

دیگر ویژگی سبک زندگی مدرن است عناصری مانند پول، اشتغال، اضطراب زمان، خانواده‌گریزی مدل غذایی انسان را نیز تغییر داده و به سوی مدل‌های فست‌فودی و غذاهای بیرونی سوق می‌دهد از این رو کمپانی‌های غذا دخالت کرده و الگوهای غذایی را ارائه می‌دهند.

۵- ویژگی بعدی سبک زندگی مدرن، تنوع طلبی شدید است. این مدل زندگی براساس فرد تنها تعریف می‌شود و نه براساس فرد در خانواده و اجتماع به صورت پیوسته. بنابراین انسان مدرن فقط براساس نیازهای خود، به سمت یک انسان دیگر می‌رود و سپس به همان غار تنهایی خویش باز می‌گردد که این موضوع به تعطیلی روابط اجتماعی می‌انجامد.

اصول سبک زندگی حضرت فاطمه

سبک زندگی حضرت فاطمه دارای اصول و قواعدی بوده است که با توجه به آن اصول حضرت زهرا زندگی خانوادگی خود را سامان بخشیده است. اصول مذکور را نمی‌توان در یک جای مشخص یافت اما با مطالعه زندگی خانوادگی حضرت فاطمه و با توجه به فرهنگ دینی حاکم بر خانواده حضرت فاطمه می‌توان آن اصول را استنباط و استخراج کرد.

اصل اول: دیانت و معنویت

حضرت فاطمه زهرا نه تنها زندگی فردی، بلکه زندگی خانوادگی شان نیز همراه با دیانت و معنویت است. اصل دیانت و معنویت به عنوان چارچوب کلی در زندگی حضرت زهرا مطرح است. حضرت معصوم است و نمی‌توان زندگی وی را جز آن تصور کرد.

اصل دوم: عدالت و انصاف



یکی از اصول برجسته در سبک زندگی حضرت زهرا عدالت و انصاف است. حضرت حتی با خادم خود منصفانه رفتار می‌کرد و تلاش داشت با هیچ کسی ستم نگردد. این اصل که یکی از اصول مهم دینی است در زندگی خانوادگی حضرت زهرا جایگاه ویژه داشت.

اصل سوم: محبت و مهربانی

آرامش بدون محبت و علاقه امکان پذیر نیست و خداوند در میان زن و شوهر محبت قرار داده است که به مدد آن می‌تواند به آرامش برسد. عشق و علاقه به همسر، فرزندان و زندگی اصل دیگری است که در خانواده حضرت فاطمه حضور دارد.

اصل چهارم: تبعیت از همسر

حضرت فاطمه زهرا هم از جهت اینکه شوهرش، امام او است و هم از جهت اینکه اطاعت از شوهر واجب است، در همه امور از همسرش پیروی می‌کند. در زندگی خانوادگی حضرت زهرا نمونه‌های زیادی دیده می‌شود که حضرت فاطمه از همسرش پیروی کرده است.

اصل پنجم: مشورت

هر چند در زندگی خانوادگی حضرت فاطمه، زن از شوهرش اطاعت می‌کند اما در عین حال اصل مشورت به حکم قرآن کریم بسیار برجسته است و در موارد زیاد حضرت علی با حضرت فاطمه و بر عکس مشورت داشته‌اند.

اصل ششم: آرامش در خانواده

اصل ششم زندگی خانوادگی حضرت فاطمه زهرا رسیدن به آرامش و خوشبختی است. این اصل نتیجه مورد انتظار از یک خانواده مطلوب و حاصل

رعایت کردن پنج اصل قبل است. اصل آرامش برگرفته شده از آیه ۲۱ سوره روم است که خداوند آرامش را به عنوان فلسفه برای ازدواج بیان داشته است. این شش اصل از اصول مهم در زندگی خانوادگی حضرت فاطمه بوده است.

اهمیت سبک زندگی یا سیره اجتماعی حضرت زهرا

بحث سیره و سبک زندگی یک بحث بسیار مهم است که در زندگی انسان سود مند است. خداوند بزرگ در قرآن کریم پیامبر را به عنوان «سوه حسنه» معرفی نموده است. یکی از راه های رسیدن به موفقیت، پیروی از الگوها است. حضرت زهرا از آن جهت که یک زن است در عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی می تواند به عنوان الگوی شایسته مطرح گردد. سبک زندگی حضرت زهرا در برخی موارد حتی جزییات آن گزارش شده است و این امر به ما کمک می کند تا با فهم دقیق از سبک زندگی حضرت فاطمه بخصوص در بعد خانوادگی آن تلاش کنیم سبک زندگی حضرت را به عنوان الگو برای خود انتخاب کنیم. پیروی از سبک زندگی حضرت فاطمه تضمین کننده خوشبختی دنیوی و اخروی هر دو است.

حضرت مهدی عج درباره حضرت فاطمه فرمود: در زندگی دختر پیامبر خدا برای من الگوی زیبا است.

حضرت مهدی: وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ^۱

این امر می تواند اهمیت سیره و سبک زندگی حضرت فاطمه را برای ما نشان دهد که شخصیت مانند حضرت مهدی آن سبک را تمجید و برای خود به عنوان الگوی زندگی معرفی می کند.

^۱ . الغیبه للحجه ص ۲۸۶.



ضرورت بررسی سبک زندگی خانوادگی حضرت فاطمه

شتاب گسترش فرهنگ غربی و از جمله سبک زندگی غربی بسیار گسترده، فزاینده و با سرعت در حال فراگیری است. این امر باعث شده است تا زندگی روح انسانی خود را از دست داده و خانواده‌ها بیش از هر زمانی دیگری آسیب ببینند. ناسازگاری خانوادگی، شاغل شدن زنان، ایجاد مهدکودک‌ها، افزایش آمار طلاق، بالا رفتن سن ازدواج، افزایش خانه سالمندان، گسترش خانواده‌های هسته‌ای همه در حال اتفاق افتادن است.

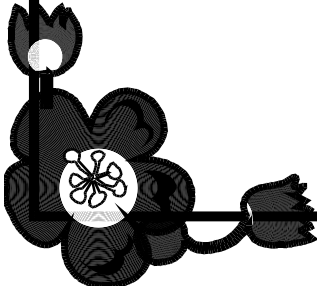
در چنین زمانه‌ی لازم است به خانواده ارزشگذار و خانواده قابل‌الگو گیری حضرت فاطمه نگاه گردد و سبک زندگی آنها بررسی شده در اختیار علاقه‌مندان به زندگی اسلامی قرار گیرد. انتخاب زندگی همراه با آرامش را می‌توان در خانواده حضرت فاطمه زهرا یافت.



فصل دوم

سبک زندگی حضرت زهرا

در خانواده پدر





مقدمه

خانواده از جمله نهادهای بسیار قدیمی، جهان شمول و تاثیرگذار در جامعه است که در پاسخ به نیازهای اساسی و طبیعی بشر به وجود آمده است. همپتون در یک محاسبه به این نتیجه رسیده است که شخص فقط تا سن بیست سالگی، بیش از صد و هفتاد هزار ساعت از عمر خود را در کنار والدین و دیگر اعضای خانواده، سپری می کند. این مدت زمانی، طولانی ترین دوره آموزشی و تربیتی است که انسان در مدت حیات خود با آن مواجه می گردد. اگر در هر ساعت تنها دو مطلب از سوی خانواده به فرد آموخته شود، در بیست سالگی حدود سیصد و چهل هزار موضوع به وی آموخته شده است. بدین ترتیب می توان ادعا کرد، انسان همان چیزی می شود که والدین و خانواده در یک فرصت هزاران ساعته به فرد تحمیل و تزریق می سازد. (همپتون، ۱۳۸۷: ۱۵) البته قابل یادآوری است که زندگی عصر جدید، آسیب های جدی را به خانواده و کارکردهای آن وارد کرده است و شکل های جدیدی از خانواده در حال شکل گیری است. رسانه ها و از جمله تلویزیون، اینترنت و تلفن همراه، مهد کودک، مدارس، بازی های کامپیوتری و... تغییرات زیادی در روابط بین اعضای خانواده به وجود آورده است و اوقات زیادی را از آن خود ساخته است که در کنار اعضای خانواده تاثیرات مهم در تکوین شخصیت کودک دارد. از تحمیل و تزریق که با خوشبینی آقای همپتون از آن سخن رانده و نقش والدین را در تکوین شخصیت کودک منحصر به فرد جلوه داده است در عصر کنونی زیاد خبری نیست، دورکیم معتقد است که فاصله میان نسلها از زمانی آغاز شد که کودک و نوجوان در محیط بیرون از خانه با آموزه ها و محیط مدرسه آشنا و جهان اجتماعی دیگری را کشف کرد، که برای عضویت در محیط و جهان



جدید کودک مجبور می شود تسلیم آن جامعه گردد. (دورکیم، ۱۳۸۱: ۳۲) اما در عین حال خانواده هنوز در اجتماعی کردن کودکان نقش بسیار برجسته دارد. برای خانواده مانند سایر مفاهیم اجتماعی تعاریف متعدد صورت گرفته است که برخی جامع افراد و برخی مانع اغیار نیست. یکی از تعاریف که در میان جامعه شناسان از مقبولیت بیشتری برخوردار است و در کتاب بیشتر جامعه شناسان دیده می شود تعریف زیر است:

خانواده مرکب از گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزند خواندگی به یکدیگر مربوط و منسوب بوده و برای مدتی طولانی و نامشخص با هم زندگی می کنند (کوئن، ۱۳۷۸: ۱۷۳) این تعریف خانواده از منظر جامعه شناسی است اما از منظر دینی خانواده عبارت است از زندگی کردن دو فرد ناهمجنس بالغ زیر یک سقف که قرار داد مشروع، آن دو را به هم پیوند داده و برقراری ارتباط جنسی را مجاز گردانیده است. (بستان، ۱۳۹۲: ۸)

خانواده از لحاظ ساخت انواع مختلف دارد که مهمترین آن عبارت است از: خانواده تک همسر، چند همسر، خانواده گسترده، هسته‌ای، پدرمکانی، مادر مکانی، مادر تبار یا دو تبار و یا پدر تبار و... (کوئن، همان: ۱۸۶)

خانواده حضرت فاطمه از لحاظ ساخت خانواده در قالب خانواده تک همسر، هسته‌ای، دو تبار و پدر مکانی قرار می گیرد. حضرت فاطمه با حضرت علی در زیر یک سقف زندگی می کردند که به آن خانواده هسته‌ای گفته می شود، در مقابل خانواده گسترده که در آن پدرکلان، مادرکلان، عمو، عمه، خاله و... ممکن است با هم زندگی کنند. از سوی دیگر تا زمانی که حضرت فاطمه در قید حیات بود حضرت علی هیچ همسری دیگری انتخاب نکرد از این منظر خانواده حضرت فاطمه، تک همسری بود. فرزندان حضرت فاطمه از جانب مادر منسوب به حضرت پیامبر بود و در روایاتی زیادی دیده شده است که حسنین

فرزندان پیامبر خوانده شده است و به همین ترتیب فرزندان این خانواده منسوب به حضرت علی نیز هست، در نتیجه خانواده حضرت فاطمه خانواده دو تبار نامیده می‌شود. الگوی غالب خانواده های اسلامی پدر تباری است. در خانواده پدرتباری نام کودک و توارث از طریق تبار پدری می‌رسد، بنابراین پسران به نام پدرانشان شناخته می‌شوند. در خانواده های پدر تباری معمولاً پدرسالاری نیز حاکم است که در خانواده حضرت فاطمه از این منظر نیز دوباره دیده می‌شود و مادر هم جایگاه بسیار برجسته دارد. در خانواده حضرت فاطمه مادر جایگاه رفیع دارد، مشورت با مادر در نظر گرفتن رضایت مادر، توجه به خاسته های وی خیلی مهم شمرده شده است اما در عین حال تصمیم نهایی بدست مرد است. به همین سبب وقتی خلیفه اول و دوم برای ملاقات حضرت فاطمه در خانه حضرت علی آمد، علی از همسرش اجازه خواست و حضرت فاطمه هم فرمود: علی خانه خانه توست و من هم همسر تو.

حضرت علی از لحاظ فامیلی با پیامبر خیلی نزدیک است و هر دو پسر عمو می‌شدند لذا نوع ازدواج حضرت علی با دختر پیامبر از نوع ازدواج درون گروهی و درون قومی است.

ادیان آسمانی و بخصوص دین اسلام به نهاد خانواده توجه جدی نموده و زنان و مردان را به تشکیل خانواده تشویق نموده است و گسستن پیوند زناشویی را ناپسند دانسته است. در آیات و روایات برای تشکیل خانواده تعبیرهای مختلف تشویقی بیان شده است از قبیل اینکه ازدواج باعث ازدیاد رزق و روزی می‌گردد. خانه محبوب تر از خانواده متاهل نیست. (الحر العاملی، ۱۴۱۴، وسائل ج ۲۰: ۱۴) ازدواج سنت رسول خدا است. (همان، ۱۵) با ازدواج می‌توان نصف دین را حفظ کرد. (همان، ۱۷)



از آن سوی تجرد و تشکیل خانواده ندادن در اسلام مذمت شده است تا جاییکه در روایات آمده است، اکثر جهنمی ها مجرداند (وسائل، همان: ۲۰)، کسی که خانواده تشکیل ندهد از امت پیامبر نیست (همان: ۲۱) و... هر فردی در درون خانواده پایگاه اجتماعی خاصی را اشغال کرده است که سایر اعضاء خانواده از شخص به خاطر پایگاه اجتماعی شان انتظاراتی دارند و آن شخص هم با توجه به منزلت خانوادگی خود نقش های را ایفاء می کند. شبکه خویشاوندی: در جامعه سنتی شبکه خویشاوندی بخش مهم از هویت افراد را تشکیل می دهد. شخص بعد از خانواده همیشه با شبکه خویشاوندی خود در ارتباط است. خویشاوندان گروهی خونی است که همیشه در غم و شادی در کنار انسان است و از جمله تاثیر گذارترین گروه های اجتماعی در زندگی به شمار می رود. در درون شبکه خویشاوند نیز جنسیت، سن، میزان تحصیلات، درآمد و دارایی و... باعث می شود تا پایگاه اجتماعی فرد مشخص گردد. آن گاه با توجه به منزلت اجتماعی، انتظارات، نقش اجتماعی و روابط اجتماعی شکل می گیرد.

نهاد خانواده

گروه یا نهاد خانواده از جمله گروه های نخستین اجتماعی محسوب می شود که اعضاء خانواده روابط شان باهم بسیار صمیمانه، خودمانی و غیر رسمی است.

نگاهی به خانواده پیامبر محل تربیت حضرت فاطمه

حضرت فاطمه در خانواده دیده به جهان گشود که در آن شخصیت چون پیامبر پدر و خدیجه مادر بود. وقتی حضرت فاطمه دیده به جهان گشود پیامبر در گوش راست وی اذان و در گوش چپش اقامه خواند و نام فاطمه را بر وی

نهاد که در جامعه سابقه داشت و در گذشته نام مادر حضرت امیر و همچنین نام مادر حضرت خدیجه نیز فاطمه بود.

شخصیت حضرت فاطمه با راهنمایی پیامبر و خدیجه شکل گرفت. پیامبر در دوران کودکی به حضرت فاطمه قرآن یاد داد و آن چه که مربوط به قرآن می‌گردید از قبیل علوم قرآن، آیات الاحکام و شان نزول آیات. به همین ترتیب پیامبر گرامی اسلام به دخترش فاطمه احکام شرعی، عبادی و تجاری را یاد داد و همچنین آداب اجتماعی و اخلاق دینی و عبادی را به دخترش فاطمه آموزش داد.^۱

حضرت خدیجه شخصیت بسیار برجسته داشت. قبل از بعثت پیامبر حضرت خدیجه از ورقه پسر عمویش که شخص فاضل و دانشمند بود تورات و انجیل را آموخت. حضرت خدیجه وقتی پیامبر اسلام را شنید و علایم وی را با آنچه که در گذشته از دانشمندان یهود و مسیحیت شنیده بود تطبیق کرد، مطمئن شد که پیامبر موعود در تورات و انجیل همین شخص است لذا وی اولین کسی بود که به دین اسلام گروید.

حضرت خدیجه هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ اقتصادی به حضرت پیامبر کمک های زیادی نمود. به خاطر خدمات که حضرت خدیجه به پیامبر نمود خداوند درود و تحیتش را توسط پیامبر به خدیجه رساند و به وی بشارت بهشت را داد.

پیامبر گرامی اسلام حضرت خدیجه را خیلی دوست می‌داشت و تا وی زنده بود با کسی دیگری ازدواج نکرد و به جز خدیجه هیچ یک از زنان پیامبر برای حضرت خدیجه فرزند نیاورد.

^۱ . موسوعه سیره اهل البیت (فاطمه الزهراء) ج ۹ ص ۵۲.



حضرت خدیجه زن مومنه و با هوش بود و با وجودیکه خواستگاران زیاد از سران عرب داشت و افراد زیادی به خاطر کمالات و ثروت حضرت خدیجه، علاقه به ازدواج با وی بود، اما خدیجه با حضرت پیامبر به خاطر کمالات و صفات برجسته انسانی و اخلاقی شان ازدواج کرد. هر روز که از این ازدواج مبارک می‌گذشت محبت آن دو تا با همدیگر بیشتر می‌شد و حاصل این ازدواج قاسم، زینب، ام کلثوم، فاطمه و عبدالله گردید که خانواده حضرت پیامبر را شاد گردانید. پیامبر فرزند دیگری به نام ابراهیم داشت که مادرش ماریه بود.^۱ همه پسران پیامبر در سنین کودکی از دنیا رفتند اما دختران حضرت پیامبر همه اش اسلام را درک کردند و اسلام آوردند و همه اش به جز حضرت فاطمه در زمان حیات پیامبر از دنیا رفتند. خانواده حضرت پیامبر و خدیجه یک خانواده بسیار موفق بودند زندگی بسیار زیبا، آرام و خوش بخت داشتند.^۲

پیامبر بعد از رحلت خدیجه وی را هرگز فراموش نکرد وقتی گوسفندی ذبح می‌کرد مقدار آن را برای دوستان حضرت خدیجه می‌فرستاد و برای حضرت خدیجه دعا می‌خواند و از خدا برایش استغفار می‌کرد و بارها عائشه به پیامبر اعتراض کرد که چرا اینقدر خدیجه که پیر زن بود را یاد می‌کنی در حالیکه خدا بهتر از او را برای شما داده است. عایشه می‌گوید از این سخنان پیامبر شنیدم ناراحت شد و فرمود: کسی برای من مانند خدیجه نمی‌شود به خدا قسم خدیجه در زمانی به من ایمان آورد که همه کافر بودند و زمانی به من پناه داد

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ: قَالَ: وَوُلِدَ لِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ خَدِيجَةَ ابْنَةَ حُوَيْلِدٍ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) الْقَاسِمُ، وَبِهِ يَكْنَى، وَعَبْدُ اللَّهِ، وَ الطَّاهِرُ، وَ زَيْنَبُ، وَ رُقَيْعَةُ، وَ أُمُّ كَلْثُومَ، وَ كَانَ اسْمُهَا أَيْمَةَ، وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، وَ إِبْرَاهِيمُ مِنْ مَارِيَةَ الْقَيْطِيَّةِ، وَ كَانَتْ أُمَّهُ أَهْدَاهَا الْمُقْوِقِشَ مَلِكُ الْإِسْكََنْدَرِيَّةِ. (الهدايه الكبرى، ص ۳۹)

۲. محمود المصرى، صحايات حول الرسول ص ۲۹.

که همه مرا ترک کرده بودند و زمانی مرا تصدیق کرد در حالیکه همه مردم مرا تکذیب کردند و برای من فرزند آورد که شما نتوانستید.

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ لَمْ يَسْأَمْ مِنْ ثَنَاءٍ عَلَيْهَا وَاسْتِغْفَارٍ لَهَا فَذَكَرَهَا ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمَلْتَنِي الْغَيْرَةَ فَقُلْتُ لَقَدْ عَوَّضَكَ اللَّهُ مِنْ كَبِيرَةِ السِّنِّ قَالَتْ فَرَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ ص غَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا فَسَقَطْتُ فِي يَدَيَّ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ أَذْهَبْتَ بَغْضَبِ رَسُولِكَ ص لَمْ أَعُدْ لِذِكْرِهَا بِسُوءٍ مَا بَقِيَتْ قَالَتْ فَلَمَّا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص مَا لَقِيْتُ قَالَ كَيْفَ قُلْتِ وَاللَّهِ لَقَدْ آمَنْتُ بِبِي إِذْ كَفَرَ النَّاسُ وَ أَوْثَنِي إِذْ رَفَضَنِي النَّاسُ وَ صَدَّقَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَ رَزَقْتُ مِنِّي الْوَلَدَ حَيْثُ حُرِّمْتُمُوهُ قَالَتْ فَغَدَا وَ رَاحَ عَلَيَّ بِهَا شَهْرًا.^۱

حضرت فاطمه در چنین خانواده بزرگواری بزرگ و تربیت شد که در آن خانواده هر صبح و شام فرشته وحی نازل می شد و شخصیت های چون پیامبر، خدیجه، علی و فاطمه در آن حضور داشت. حضرت فاطمه، زندگی همراه با محبت و ایمان را تجربه کرد و خود بزرگ شد و پایه گزار یک خانواده و زندگی نمونه و موفق در جهان گردید و فرزندان بسیار موفق و معصومی را تربیت کرد که در جهان بی مانند بود. بعد از اینکه حضرت خدیجه از دنیا رفت حضرت فاطمه تلاش کرد کارهای خانه را به عهده بگیرد و با پیامبر به گونه ی رفتار می کرد که اصحاب به وی ام النبی و ام ابیها می گفتند.^۲

اخلاق خانوادگی حضرت زهرا

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۵۱۲.

^۲ . محمود المصری، صحایبات حول النبی ص ۲۵۶.



طبق آموزه‌های دینی یکی از نشانه‌ها و آیات الهی این است که خداوند برای انسان از جنس خودش همسری آفرید. هدف از تشکیل خانواده این است که زن و شوهر در کنار همدیگر آرامش پیدا کند. خداوند میان آنها دوستی (مودت) و رحمت برقرار ساخت.^۱ روشن است که زن و شوهر وقتی به آرامش می‌رسد که بین آنها، صمیمیت وجود داشته باشد؛ اما اگر هر روز آنها با هم دعوا داشته باشند دیگر این غرض که در آیه آمده است (آرامش = لتسکنوا الیها) محقق نمی‌شود. پس باید بکوشیم کانون خانواده را با اخلاق و رفتار خود گرم نگاهداریم. شکی نیست که ازدواج به قول بسیاری از اندیشمندان «پپیچیده‌ترین نوع رابطه‌های انسانی بدون ارتباطات کارآمد به کامیابی نخواهد انجامید».^۲

جایگاه دختر در نهاد خانواده

روشن است که در جامعه صدر اسلام که هنوز از جامعه جاهلی زیاد فاصله نگرفته بود، دختر جایگاهی در درون خانه نداشته است. قرآن کریم از زنده به گور کردن دختران در جامعه جاهلی عرب گزارش داده است.

وَ إِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ^۳

و همچنین در قرآن کریم آمده است که هر گاه به کسی گفته می‌شد که در خانه اش دختر به دنیا آمده است وی از شدت ناراحتی چهره اش سیاه می‌گردید و به خاطر این خبر بد از قوم و قبیله اش در جای پنهان می‌گردید و ناراحت بود که آیا با خواری آن دختر را نگه دارد یا زنده به گورش کند. قرآن کریم در پایان می‌فرماید اینها نسبت به دختران چه بد داوری می‌کنند.

۱. ﴿ذُرِّيَّتُكَ ذُرِّيَّتُكَ كَلِمَاتُكَ كَلِمَاتُكَ﴾. سوره روم، آیه ۲۱، اشاره به آیه ۲۱ سوره روم با ترجمه آزاد.

۲. مهارت‌هایی ارتباطی، ص ۶.

۳. تکویر، آیه ۸ و ۹.

وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ - يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ^۱

در چنین جامعه ی دختر پیامبر از جایگاه بسیار ممتازی برخوردار بود که برای جامعه بشری آموزنده است.

خیر مقدم گفتن پیامبر به دخترش فاطمه

هرگاه فاطمه بر حضرت پیامبر وارد می شد، حضرت به وی خوش آمدید می گفت. عایشه گزارش می کند که کسی را شبیه تر به رسول خدا در سخن از فاطمه ندیدم و هر زمانی فاطمه بر پدرش وارد می شد به وی خوش آمدید می گفت.

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ بَرَسُولِ اللَّهِ صَ وَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَّبَ بِهَا^۲

به احترام فاطمه به پاخواستن

حضرت پیامبر به احترام دخترش از جایش بلند می شد و به استقبال وی می ایستاد.

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: ... وَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَّبَ بِهَا وَ قَامَ إِلَيْهَا^۳

^۱ . نحل ۵۸ و ۵۹.

^۲ . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى ج ۲ ص ۲۵۳.

^۳ . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى ج ۲ ص ۲۵۳.



بوسیدن دست فاطمه توسط پدر

معمولا دختر دست پدر را می‌بوسد، اما پیامبر دست دخترش فاطمه را می‌بوسید. این امر نشان دهنده اوج محبت پیامبر به دخترش فاطمه را می‌رساند. عایشه و کسانی دیگر بارها شاهد این ماجرا بوده است. در ذیل این روایت از عایشه نقل شده است که فرمود: هرگاه فاطمه بر پیامبر وارد می‌شد پیامبر به دخترش خوش آمدید می‌گفت و به احترام دخترش می‌ایستاد و دستش را می‌بوسید و وی را در جای خود می‌نشاند.

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَ وَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بِهَا وَ قَامَ إِلَيْهَا فَأَخَذَ بِيَدِهَا وَ قَبَّلَ يَدَهَا وَ أَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ^۱

پیامبر حضرت فاطمه را در جای خود می‌نشاند

پیامبر آن قدر به دخترش احترام داشت که وی را در جای خودش می‌نشاند.

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: ... وَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَيْهِ رَحَبَ بِهَا وَ قَامَ إِلَيْهَا فَأَخَذَ بِيَدِهَا وَ قَبَّلَ يَدَهَا وَ أَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ^۲

^۱ . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى ج ۲ ص ۲۵۳.

^۲ . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى ج ۲ ص ۲۵۳.

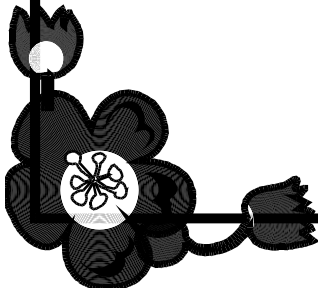




فصل سوم

سبک و شیوه خواستگاری و

عروسر حضرت زهرا





مقدمه

در فرهنگ‌های مختلف شیوه و سبک تشکیل خانواده، مناسب و نامناسب است. عروسی و نامزدی متفاوت است. حضرت فاطمه که خود، پدر و همسرش معصوم بود، سبک خواستگاری، عروسی، دادن ولیمه، دوران نامزدی و... بسیار با اهمیت است. در این فصل این بخش از زندگی حضرت فاطمه مورد توجه قرار می‌گیرد.

خواستگاری

فاطمه دوران بسیاری سخت را سپری کرد. چند سال از دوران کودکی خود را در شعب ابی طالب در محاصره اقتصادی به سختی گذراند. تمام دل خوشی اش این بود که در کنار پدر و مادر زندگی می‌کند. حضرت فاطمه در سن پنج سالگی مادر را از دست داد. از دست دادن مادر برای کودک پنج ساله خیلی گران تمام شد. بهر صورت حضور مادر و دلداری و مهربانی وی تکیه گاه مهم برای فاطمه بود.

حضرت فاطمه وقتی کمی بزرگ شد درحالی‌که به مقام بالای از کمال و پختگی رسیده بود، برایش خواستگاران زیادی آمد. خواستگاران همه از بزرگان و افراد سرشناس و ثروتمند عرب بودند. یکی از خواستگاران حضرت فاطمه حضرت امیرالمومنین علی ع بود که همراه با درس‌های آموزنده برای جامعه اسلامی است.



بدون تردید یکی از امور مهم در هر جامعه مناسک ازدواج و خواستگاری است. خواستگاری خود در هر جامعه متناسب با فرهنگ آن جامعه دارای تشریفات و آداب مخصوص خود می‌باشد. مراسم خواستگاری حضرت فاطمه بسیار ساده انجام شد.

شیوه خواستگاری حضرت علی از فاطمه

همانگونه که بیان شد خواستگاری خود شیوه و آداب دارد. در برخی از جوامع بزرگترها به خواستگاری می‌رود و در برخی از جوامع خود داماد به عنوان خواستگار می‌رود. در برخی جوامع داماد بصورت مستقیم از عروس خواستگاری می‌کند و در برخی از جوامع دیگر از پدر عروس خواستگاری می‌شود. در برخی از جوامع جهان مثل برخی از مناطق هند، عروس و یا یکی از بستگان وی است که به خواستگاری داماد می‌رود.

ام سلمه جریان خواستگاری حضرت فاطمه توسط حضرت امیرالمومنین را این گونه گزارش کرده است.

حضرت امیر با تشویق دوستان و بزرگان عرب به خواستگاری حضرت فاطمه رفت. حضرت امیر فاطمه را از پدرش رسول خدا خواستگاری کرد. حضرت روزی در خانه پیامبر رفت درحالیکه پیامبر در خانه ام سلمه بود. ام سلمه در را باز کرد و حضرت امیر خدمت رسول خدا مشرف شد و بر وی سلام کرد و حضرت پیامبر جواب سلامش را داد و فرمود: یا ابالحسن! بفرما بنشین. امام علی پیش روی پیامبر نشست و به زمین نگاه می‌کرد و انگار خواسته‌ی داشت که حیاء مانع می‌شد آن را به زبان بیاورد. پیامبر فهمیده بود که علی ع خواسته‌ی دارد لذا فرمود: ای ابالحسن! فکر کنم کاری داری، خواسته‌ات را مطرح کن که هر حاجت و خواسته‌ی داشته باشی برآورده می‌شود. حضرت علی عرض کرد: پدر و مادرم به قربانت ای رسول خدا! تو می‌دانی که مرا از

عمویم ابوطالب و از فاطمه دختر اسد گرفتی در حالیکه من کودک بیش نبودم، تو مرا مطابق خواسته ات تربیت کردی و پرورشم دادی و نسبت به من بهتر از ابوطالب و فاطمه بنت اسد نیکی و شفقت نمودی. خداوند مرا توسط شما هدایت کرد و از آنچه که نیاکان و عموهایم بر آن بود نجات داد. بدون شک شما ای رسول خدا! سرمایه من در دنیا و آخرت می‌باشی. ای رسول خدا حالا من بزرگ شده ام و دوست دارم که تشکیل زندگی بدهم و همسری داشته باشم که در کنار وی آرامش بیابم و به این خاطر برای خواستگاری دخترت فاطمه خدمت شما رسیده ام. ام سلمه می‌گوید: من خوشحالی را به صورت پیامبر دیدم که از مشاهده آن خوشحالی حضرت علی هم خوشحال گردید و هر دو از نتیجه کار رضایت قلبی داشتند. (پیامبر از علی مهلت خواست تا این امر را با دخترش در میان بگذارد و با وی مشورت کند).

قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ قَعَمْتُ مُبَادِرَةً... فَفَتَحْتُ الْبَابَ فَإِذَا أَنَا بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع... ثُمَّ إِنَّهُ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا الْحَسَنِ اجْلِسْ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَجَلَسَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى الْأَرْضِ كَأَنَّهُ قَصَدَ الْحَاجَةَ وَهُوَ يَسْتَحْيِي أَنْ يُبَدِّيَهَا فَهُوَ مُطَرِّقٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَكَانَ النَّبِيُّ ص عَلِمَ مَا فِي نَفْسِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي أَرَى أَنَّكَ أَتَيْتَ لِحَاجَةٍ فَقُلْ حَاجَتَكَ وَابْدِ مَا فِي نَفْسِكَ فَكُلُّ حَاجَةٍ لَكَ عِنْدِي مُقْضِيَةٌ قَالَ عَلِيُّ ع فَقُلْتُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّكَ أَخَذْتَنِي مِنْ عَمِّكَ أَبِي طَالِبٍ وَ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ وَ أَنَا صَبِيٌّ لَا عَقْلَ لِي فَعَدَّيْتَنِي بَعْدَئِكَ وَ أَدْبَيْتَنِي بِأَدْبِكَ فَكُنْتُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مِنْ أَبِي طَالِبٍ وَ مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فِي الْبِرِّ وَ الشَّفَقَةِ وَ إِنَّ اللَّهَ

تَعَالَى هَدَانِي بِكَ وَ عَلَى يَدَيْكَ وَ اسْتَنْفَذَنِي مِمَّا كَانَ عَلَيْهِ آبَائِي وَ
 أَعْمَامِي مِنَ الْحَيْرَةِ وَ الشَّكِّ وَ إِنَّكَ وَ اللَّهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ دُخْرِي وَ
 دَخِيرَتِي فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ أَحْبَبْتُ مَعَ مَا شَدَّ اللَّهُ
 مِنْ عَضْدِي بِكَ أَنْ يَكُونَ لِي بَيْتٌ وَ أَنْ يَكُونَ لِي زَوْجَةٌ أَسْكُنُ إِلَيْهَا وَ
 قَدْ أَتَيْتُكَ حَاطِبًا رَاغِبًا أَخْطُبُ إِلَيْكَ ابْنَتَكَ فَاطِمَةَ فَهَلْ أَنْتَ مُرْؤُوجِي يَا
 رَسُولَ اللَّهِ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَرَأَيْتُ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ ص يَتَهَلَّلُ فَرِحًا وَ
 سُورًا ثُمَّ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ عَلِيٍّ ع^۱

مشورت پیامبر با فاطمه در امر خواستگاری

در آن زمان در جامعه عرب، رسم نبود کسی با زنان و یا با دخترانش در امری و از جمله در مورد ازدواج مشورت کند زیرا جامعه آن روز برای زنان موقعیت اجتماعی قابل نبود و فرهنگ مرد سالاری باعث شده بود تا مردان خود تصمیم گرفته بدون مشورت با زنان در همه مسایل اجتماعی، سیاسی و خانوادگی عمل کنند. برخلاف فرهنگ حاکم بر جامعه آن روز، پیامبر این گونه نبود بلکه هرگاه کسی به خواستگاری حضرت فاطمه می آمد حضرت پیامبر با حضرت فاطمه مشورت می کرد.

راوی می گوید شنیدم علی بن ابی طالب می گفت: نزد پیامبر رفتم و مراتب خویشاوندی، یاری کردنم به او و جهادهایی که داشتم و تلاشهایی که برای پیشرفت اسلام کرده بودم برای آن حضرت گفتم. پس رسول خدا فرمود: ای علی! هر چه گفתי راست است و من آنها را تصدیق می کنم و شهادت می دهم که مقام تو بر تر از آن است که گفتم. گفتم یا رسول الله! حال که چنین است اجازه دهید تا فاطمه را به همسری خود برگزینم. پیامبر فرمود: ای علی قبل از

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

تو مردان دیگری نیز چنین خواسته ای داشتند ولی هرگاه تقاضای آنها را با فاطمه در میان می‌گذاشتم در چهره او علامت عدم رضایت را مشاهده می‌کردم حال نیز تو باید چند لحظه ی صبر کنی تا نزد او بروم و خواسته تو را با او در میان گذارم و برگردم. ... پیامبر رفت و کنار دخترش نشست و به فاطمه گفت: دخترم! علی بن ابی طالب که تو قرابت او را با ما، و فضل و برتری او را بر دیگران می‌دانی و چگونگی اسلام و ایمان او را دیده ای و نیز می‌دانی که من از خدای خود خواسته ام که تو را برای بهترین و محبوبترین بندگانش تزویج کند. همانا وی در باره ازدواج با تو گفتگویی با من داشته، نظر خودت در باره این امر چیست؟. فاطمه هنگامی که این سخن را شنید چیزی نگفته و سکوت کرد از خجالت چهره اش را برگردانید و پیامبر نشانی از نارضایتی در حضرت فاطمه مشاهده نکرد. رسول خدا برخاست در حالی که با خود می‌گفت: الله اکبر، همانا سکوت فاطمه نشان رضایت اوست.

سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: ... فَذَكَرْتُ لَهُ قَرَابَتِي وَ قَدَمِي فِي الْإِسْلَامِ وَ نُصْرَتِي لَهُ وَ جِهَادِي، فَقَالَ: يَا عَلِيُّهْ صَدَقْتَ، فَأَنْتَ أَفْضَلُ مِمَّا تَذْكُرُ. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَاطِمَةُ تَزَوَّجْنِيهَا فَقَالَ: يَا عَلِيُّهْ إِنَّهُ قَدْ ذَكَرَهَا قَبْلَكَ رِجَالٌ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهَا، فَرَأَيْتُ الْكِرَاهَةَ فِي وَجْهِهَا، وَ لَكِنْ عَلَى رَسَلِكَ حَتَّى أَخْرَجَ إِلَيْكَ، فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَقَامَتْ إِلَيْهِ، فَأَخَذَتْ رِدَاءَهُ وَ نَزَعَتْ نَعْلَيْهِ، وَ أَتَتْهُ بِالْوَضُوءِ، فَوَضَّأَتْهُ بِيَدِهَا وَ غَسَلَتْ رِجْلَيْهِ، ثُمَّ قَعَدَتْ، فَقَالَ لَهَا: يَا فَاطِمَةُ. فَقَالَتْ: لَبَّيْكَ، حَاجَتَكَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ مَنْ قَدْ عَرَفْتَ قَرَابَتَهُ وَ فَضْلَهُ وَ إِسْلَامَهُ، وَ إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يُزَوِّجَكَ خَيْرَ حَلِقِيهِ وَ أَحَبَّهُمْ إِلَيْهِ، وَ قَدْ ذَكَرَ مِنْ أَمْرِكَ شَيْعًا فَمَا تَرَيْنِ فَسَكَتَتْ وَ لَمْ



تَوَلَّ وَجْهَهَا وَ لَمْ يَرِ فِيهِ رَسُوْلُ اللّٰهِ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ كَرَاهَةً، فَقَامَ وَ هُوَ يَقُوْلُ: اللّٰهُ اَكْبَرُ، سَكُوْتَهَا اِفْرَازُهَا.^۱

در منبع دیگری جریان خواستگاری این گونه بیان شده است وقتی حضرت علی برای خواستگاری حضرت فاطمه خدمت حضرت پیامبر آمد. پیامبر همراه دخترش مشورت کرد و فرمود: دخترم! پسر عمویت علی از شما خواستگاری کرده است نظرت چیست؟ آنگاه پیامبر فرمود: قسم به خدا که مرا به حق به پیامبری مبعوث کرد که در این مورد تا خداوند در آسمان اجازه نداده بود سخن نگفتم. آنگاه حضرت فاطمه فرمود: به آنچه که خداوند راضی است من خوشنودم. بدین صورت بود که خواستگاری حضرت فاطمه انجام شد.

لَمَّا خَطَبَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ مِنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آٰلِهِ وَ سَلَّمَ فَقَالَ لَهَا: أَيُّ بَنِيَّةٍ، إِنَّ ابْنَ عَمِّكَ عَلِيًّا قَدْ خَطَبَكَ فَمَا تَقُولِينَ؟ - إِلَى أَنْ قَالَ - : فَقَالَ: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا تَكَلَّمْتُ فِي هَذَا حَتَّى أذِنَ اللّٰهُ فِيهِ مِنَ السَّمَاءِ. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: رَضِيْتُ بِمَا رَضِيَ اللّٰهُ لِي.^۲

صحبت در مورد هزینة ازدواج

وقتی حضرت فاطمه موافقت خود را برای ازدواج اعلام کرد آنگاه حضرت پیامبر با حضرت علی در مورد هزینة ازدواج، ولیمه، تهیه جهاز عروس، مراسم عقد، وقت عروسی و... با همدیگر صحبت کردند. از آنجا که هزینة‌های عروسی به عهده داماد می‌باشد^۳ لذا پیامبر رو کرد به علی و فرمود: ای ابالحسن! آیا چیزی داری که با آن هزینة و مصارف ازدواجت را تامین کنی.

^۱ . الامالی للشیخ الطوسی ص ۴۰.

^۲ . عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۴۰۸.

^۳ . در میان مسلمانان افغانستان تمام هزینة های ازدواج به عهده خانواده داماد می‌باشد.

علی ع فرمود: پدر و مادرم به قربانت از تو چه پنهان که تو در جریان زندگی من هستی که من به جز شمشیر، زره و شتر آبکش مالک چیزی دیگری نیستم. حضرت پیامبر سبک و سنگین کرد و چنین تشخیص داد که زره را می‌توان فروخت و با آن هزینه ازدواج را برآورده کرد لذا حضرت فرمود: من فاطمه را در مقابل زره به ازدواج تو در آوردم. آنگاه پیامبر این ازدواج را به علی تبریک گفت و علی هم پذیرفت و اظهار شادمانی و خوشحالی نمود. پیامبر بشارت این ازدواج و مراسم شادی آن را در آسمان با حضور فرشتگان به علی داد که علی خیلی خوشحال گردید.

فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَهَلْ مَعَكَ شَيْءٌ أَرْوُّجُكَ بِهِ فَقَالَ عَلِيٌّ ع فِدَاكَ أَبِي
وَأُمِّي وَاللَّهِ مَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَمْرِي شَيْءٌ أَمْلِكُ سَيْفِي وَ دُرْعِي وَ
نَاصِحِي وَ مَا أَمْلِكُ شَيْئًا غَيْرَ هَذَا فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَمَّا
سَيْفُكَ فَلَا غِنَى بِكَ عَنْهُ تُجَاهِدُ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ تُقَاتِلُ بِهِ أَعْدَاءَ
اللَّهِ وَ نَاصِحِكَ تَنْضَحُ بِهِ عَلَى نَخْلِكَ وَ أَهْلِكَ وَ تَحْمِلُ عَلَيْهِ رَحْلَكَ فِي
سَفَرِكَ وَ لِكِنِّي قَدْ رَوَّجْتُكَ بِالدَّرْعِ وَ رَضِيتُ بِهَا مِنْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ
أَبَشْرُكَ قَالَ عَلِيٌّ ع قُلْتُ نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي ...^۱

خواندن عقد ازدواج علی و فاطمه در آسمان

عقد حضرت علی و فاطمه هم در آسمان و هم در زمین خوانده شد. در آسمان خداوند خود این عقد عروسی را با فرشته وحی اش جبرئیل خواندند که در روایات آمده است: خداوند بر خود درود فرستاد و ایجاب را چنین خواند: سرور زنان عالم فاطمه را به ازدواج علی بن ابی طالب در آوردم. آن گاه جبرئیل

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.



را با وکالت از سوی علی دستور داد که قبول را بخواند. و جبرئیل چنین گفت:
من این پیوند زناشویی را از جانب علی پذیرفتم.

ثم نادى الجليل جلّ جلاله، و أثنى على نفسه، و قال: زوّجت سيّدة
نساء العالمين فاطمة من عليّ بن أبي طالب، و قال لي: يا جبرائيل!
كن أنت خليفة عليّ، و كنت أنا خليفة رسوليّ، فزوّجها الله تعالى و
قبلتها أنا لعليّ؛ فهذا عقد نكاح فاطمة في السماوات،^۱

عقد ازدواج علی و فاطمه در زمین

خداوند به پیامبرش دستور داد که شما عقد ازدواج علی و فاطمه را در زمین
بیندید. پیامبر این خبر را به علی و فاطمه داد و اصحابش را در مسجد جمع
کرد. جبرئیل نازل شد که خداوند دستور داده است تا علی خودش خطبه عقد را
بخواند. امام علی به دستور خدا و پیامبر خطبه عقد را خواند. بعد از خواندن
خطبه عقد حضرت پیامبر از جانب فاطمه ایجاب را خواند و حضرت علی قبول
را خواند و حضرت فاطمه علاوه بر چهارصد یا پانصد درهم که مهریه اش بود،
شفاعت گنهکاران امت پدرش را در روز قیامت جزء مهریه خود قرار داد.

فاعقد أنت يا محمّد في الأرض. فأخبر رسول الله صلى الله عليه و
آله و سلم عليّا بأمر فاطمة عليها السّلام و جمع أصحابه في
المسجد؛ فنزل جبرائيل عليه السّلام و قال: إنّ الله تعالى يأمر عليّا
بأن يقرأ الخطبة بنفسه؛ فأمره رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم
أن يقرأ الخطبة، فقال: الحمد لله المتوحّد بالجلال، المتفرد بالكمال،
خالق بريّته، و محسن صفات خليقته الذي ليس كمثل شيء، و لا

^۱ . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيّدة النساء إلى الإمام الجواد، ج ۱۱)-

يكون كمثلہ إلا هو، خالق العباد و البلاد، و ألہمہم بالثناء علیہ، فسبّحوہ بحمدہ و قدّسوه. و هو اللہ الذی لا إله إلا هو أمر عباده بالنکاح فأجابوه، و الحمد لله على نعمه و آياديه؛ و أشهد أن لا إله إلا اللہ، شهادة تبلغه و ترضيه و تميّز قائله و تقيه يوم يفرّ المرء من أخيه* و أمّه و أبيه* و صاحبته و بينه* ليكلّ امرئٍ منهم يومئذ شأن يُغنيه. و صلّى اللہ على النبي محمد و آلہ، الذی اجتباہ لوحیہ و يرتضیہ، صلاة تبلغه زلفی و تعطیہ، و رحمة اللہ على آلہ و أصحابه و محبّیہ، و النکاح ممّا قضاه اللہ تعالی و أذن فیہ، و إنّی عبد اللہ و ابن أمّته، الراغب إلى اللہ، الخاطب فاطمة خير نساء العالمين، و قد بذلت لها من الصداق أربعمئة درهم عاجلة غير آجلة؛ فهل تزوّجنيها يا أيها الرسول النبي الامّي على سنّتك، و سنّة من مضى من المرسلين؟ فقال النبي صلى اللہ عليه و آلہ و سلم: قد زوّجت فاطمة منك يا علي، و زوّجك اللہ تعالی و رضيك و اختارك فقال علي عليه السلام: قد قبلتها من اللہ و منك يا رسول اللہ. فلما سمعت فاطمة عليها السلام بأنّ أباه زوّجها و جعل الدراهم لها مهرا قالت: يا أبت! إنّ بنات سائر الناس يزوّجن على الدراهم و الدنانير، فما الفرق بينك و بين سائر الناس، فاسأل من اللہ تعالی أن يجعل مهري شفاعة عصاة أمّتك. فنزل جبرائيل عليه السلام من ساعته و بيده حريرة فيها مكتوب: جعل اللہ تعالی مهر فاطمة الزهراء ابنة محمد المصطفى صلى اللہ عليه و آلہ و سلم شفاعة أمّته العصاة. و أوصت فاطمة عليها السلام وقت خروجها من الدنيا أن يجعل ذلك الحرير في



كفنها؛ و قالت عليها السلام: إذا حشرت يوم القيامة أرفع هذا إلى يدي و أشفع في عصاة أمة أبي.^۱
پانصد درهم مهریه حضرت فاطمه^۲

حضرت پیامبر و فاطمه مهریه ازدواجش را پانصد درهم معین کرد. امام علی در ضمن خطبه عقدش فرمود: این رسول خدا است که دخترش فاطمه را به مهر پانصد درهم به ازدواج من در می آورد و من نیز راضی هستم و می پذیرم و از شما می خواهم که بر این امر شاهد و گواه باشید.

هَذَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) قَدْ زَوَّجَنِي ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَ صَدَّقَهَا عَلَيَّ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ^۳

اعلان مراسم ازدواج

داستان اجراء عقد در زمین و اعلان مراسم ازدواج با اندک تفاوت به گونه ی دیگر نیز آمده است که: پیامبر به علی دستور داد که ای ابالحسن! این مراسم خوشی در زمین هم باید برگزار گردد و شما قبل از من به مسجد برو و مراسم عروسی ات را برای مردم اعلان کن من هم به تعقیب شما در مسجد میایم و این شادی و سرور و فضیلت تو را برای مردم خواهم گفت که چشم تو و چشم دوستانت در دنیا و آخرت روشن گردد. علی شادمان و شتابان به سمت مسجد رفت در مسیر راه هرکسی را دید این خبر را با وی در میان گذاشت

^۱ . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد، ج ۱۱-

قسم ۱- فاطمة س، ص: ۴۵۰

^۲ . شش قول دیگر نیز در منابع مختلف در مورد مهریه حضرت فاطمه آمده است که عبارتند از: ۵۰۰درهم، زره، زره حطمیه ۳۰ درهمی، شتر، ۴۰۰ درهم، لباس و درع حطمیه، ۴۸۰ درهم که از فروش زره آهنی بدست آمد این نظریه طرفداران بیشتر دارد.

^۳ . الهدایه الکبری ص ۱۱۵.

وقتی به مسجد رسید پیامبر هم خوشحال به تعقیب علی به مسجد رسید و به بلال دستور داد که مردم مهاجر و انصار را در مسجد جمع کن، بلال همه را جمع کردند و پیامبر روی منبر رفت و این خبر خوش را به همه مردم داد که علی و فاطمه عقدش در آسمان بسته شد و اکنون می‌خواهیم مراسم عقد و خوشی را در زمین هم بگیریم. حال ای مردم شما را شاهد می‌گیرم که من دخترم فاطمه را به عقد و ازدواج علی در آوردم.

بعد از اعلان این خبر پیامبر نشست و آنگاه به علی دستور داد علی جان! حالا شما بایست و برای مردم در این مورد سخنرانی کن.

أَمْضِ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَمَامِي فَإِنِّي خَارِجٌ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ مَرْؤُوجُكَ عَلَيَّ
 رُءُوسِ النَّاسِ وَ ذَاكِرٌ مِنْ فَضْلِكَ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُكَ وَ أَعْيُنُ مُحِبِّيكَ فِي
 الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ قَالَ عَلِيٌّ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص مُسْرِعًا وَ أَنَا
 لَا أَعْقِلُ فَرَحًا وَ سُرُورًا فَاسْتَقْبَلَنِي أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ فَقَالَا مَا وَرَاءَكَ فَقُلْتُ
 زَوْجِنِي رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنَتُهُ فَاطِمَةُ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ
 زَوَّجَنِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ ص خَارِجٌ فِي أَثَرِي لِيُظْهَرَ ذَلِكَ
 بِحَضْرَةِ النَّاسِ فَفَرِحًا بِذَلِكَ فَرِحًا شَدِيدًا وَ رَجَعَا مَعِيَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَمَا
 تَوَسَّطْنَا حَتَّى لَحِقَ بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ إِنَّ وَجْهَهُ لَيَتَهَلَّلُ سُورًا وَ
 فَرَحًا فَقَالَ يَا بِلَالُ فَأَجَابَهُ فَقَالَ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَجْمَعُ إِلَيْهِ
 الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارَ فَجَمَعَهُمْ ثُمَّ رَفَعِي دَرَجَةً مِنَ الْمِنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ
 أَثْنَى عَلَيْهِ وَ قَالَ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّ جَبْرَيْلَ أَنَانِي أَنْفًا فَأَخْبَرَنِي عَنْ
 رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ جَمَعَ الْمَلَائِكَةَ عِنْدَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ أَنَّهُ أَشْهَدَهُمْ
 جَمِيعًا أَنَّهُ زَوْجَ أُمَّتِهِ فَاطِمَةَ ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ عَبْدِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي



طَالِبٍ وَ أَمَرَنِي أَنْ أُرَوِّجَهُ فِي الْأَرْضِ وَأُشْهِدَكُمْ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ جَلَسَ وَ
قَالَ لِعَلِيِّ ع قُمْ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَأَخْطُبْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ^۱

سخنرانی حضرت امیر در مسجد به مناسبت خواستگاری حضرت فاطمه

حضرت علی به دستور حضرت پیامبر برخواست و سخنرانی خود را این گونه انجام داد. حضرت علی ایستاد و خدا را سپاس گفت و بر پیامبرش درود فرستاد آن وقت ادامه داد: حمد مخصوص خدا است و لازم است از نعمت های الهی شکرگزاری نمود. حضرت علی جریان عروسی خود با فاطمه را در قبال مهریه که یک زره است اعلان کرد و از آنها خواست شاهد باشند.

قَالَ فَقَامَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ص وَ قَالَ الْحَمْدُ
لِلَّهِ شُكْرًا لِأَنْعَمِهِ وَ أَيَادِيهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شَهَادَةً تَبْلُغُهُ وَ تُرْضِيهِ وَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ تَحْطِئِهِ وَ النَّكَاحِ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ بِهِ وَ رَضِيَهُ وَ مَجْلِسُنَا هَذَا مِمَّا قَضَاهُ اللَّهُ وَ أَدِنَ فِيهِ وَ قَدْ رَوَّجَنِي
رَسُولُ اللَّهِ ص ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا دِرْعِي هَذَا وَ قَدْ رَضِيْتُ
بِذَلِكَ فَاسْأَلُوهُ وَ اشْهَدُوا^۲

تبریک گفتن مسلمانان به ازدواج علی و فاطمه

مسلمانان وقتی از جریان عروسی و مراسم عقد حضرت علی و فاطمه با خبر گشتند، این پیوند را برای آن دو تبرک گفتند و عرض کردند: خداوند این پیوند را برای آن دو مبارک گرداند و همیشه آن دو را در کنار هم نگهدارد.

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵ .

^۲ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵ .

فَقَالَ الْمُسْلِمُونَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص زَوَّجْتَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالُوا
بَارَكَ اللَّهُ لَهُمَا وَعَلَيْهِمَا وَجَمَعَ شَمْلَهُمَا^۱

خوشنودی فاطمه از ازدواج با علی

حضرت فاطمه بعد از ازدواج به پدرش فرمود: خوشحالم که خدا پروردگار من است و تو ای پدر پیامبر من و پسر عمویم علی شوهر و امام من است.

قَالَتْ فَاطِمَةُ عَرْضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِكَ يَا أَبَتَاهُ نَبِيًّا وَبِإِنِّ عَمِّي بَعْلًا وَ
وَلِيًّا.^۲

دف زدن زنان در مراسم عروسی فاطمه

پیامبر از مسجد به سمت خانه خود و به سمت همسران خود برگشتند و به آنها دستور دادند تا در مراسم فاطمه دف بزنند و شادی کنند آنها نیز دف زدند و شادی کردند.

وَ انْصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَىٰ أَرْوَاجِهِ فَأَمَرَهُنَّ أَنْ يُدَفَّنَ لِفَاطِمَةَ فَصَرَبْنَ
بِالدُّفُوفِ^۳

خرید جهاز عروسی

حضرت پیامبر با پول که از حضرت علی گرفته بود تصمیم گرفت جهاز حضرت فاطمه را تهیه کند. حضرت علی چنین گزارش می‌کند که پیامبر به من دستور داد و فرمود: ای ابالحسن! حالا برو و زرهت را بفروش و قیمت آن را برای من بیار تا برای شما و فاطمه آن چه که نیازتان است آماده نمایم.

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

^۲ . بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۵۱.

^۳ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

علی گفت: من رفتم در بازار و زرهه را به قیمت چهارصد درهم فروختم و مبلغ را خدمت پیامبر تقدیم کردم

قَالَ عَلِيٌّ فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ انْطَلِقِ الْآنَ فَبِعْ دِرْعَكَ وَ آتِنِي بِشَمْنِهِ حَتَّى أَهَيِّيَ لَكَ وَ لِابْنَتِي فَاطِمَةَ مَا يُصْلِحُ كُنَّا
قَالَ عَلِيٌّ فَأَنْطَلَقْتُ فَبِعْتُهُ بِأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ ... أَقْبَلْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ
ص فَطَرَحْتُ ... الدَّرَاهِمَ بَيْنَ يَدَيْهِ^۱

نکته قابل توجه در تهیه جهیزیه حضرت زهرا این است که این جهیزیه با مهریه خود حضرت زهرا تهیه شد. به عبارت دیگر جهاز به عهده داماد است که حضرت علی زرهه را فروخت و پول آن به عنوان مهریه قرار داده شد که تعلق به حضرت زهرا گرفت و با آن پول جهاز خریداری شد.

اقلام جهاز حضرت زهرا

پیامبر ابو بکر را احضار نمود و مقداری از آن پولها را (که ۳۶۰ درهم بوده است) به او داده و گفت: با این پولها، برای فاطمه [علیها السلام] لباس و اثاثیه منزل خریداری کن. و آنگاه عمار یاسر و گروه آنها(در کشف الغمه آمده است که پیامبر سلمان و بلال را همراه ابوبکر فرستاد) وارد بازار شدند و هر چیزی را که لازم می‌دانستند در نظر گرفتند و وسائل ذیل را خریداری کردند:

۱. یک پیراهن به قیمت هفت درهم ۲- روبنده‌ای به قیمت چهار درهم، شاید منظور از «خمار» روسری، مقنعه یا چادر باشد.
- ۳- یک قطیفه مشکی خیبری ۴- تختی که وسط آن را با لیف خرما بافته بودند.

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

- ۵- دو عدد تشک با روکشی از کتان مصری که یکی از آنها با لیف خرما و دیگری با پشم گوسفند پر شده بود.
- ۶- چهار بالش - یا متکا، یا پشتی - با رویه‌ای از پوست حیوانات طائف که درون آنها از علف اذخر (گیاه خشک و سبز رنگی شبیه گاه و نرمتر از آن است که دارای بوی خوش نیز می‌باشد) پر شده بود.
- ۷- پرده‌ای از جنس پشم ۸- حصیری بافت یمن ۹- یک آسیای دستی
- ۱۰- طشت مسی ۱۱- مشک آبی از جنس پوست ۱۲- ظرف مخصوص شیر - که از جنس چوب می‌تراشیدند.
- ۱۳- ظرفی برای آبخوری ۱۴- آفتابه‌ای قیراندود ۱۵- سبویی سبز رنگ - که در آن روغن، آرد یا چیزهای دیگر نگهداری می‌کردند.
- ۱۶- دو کوزه کوچک سفالی هنگامی که خرید آنها کامل شد، مقداری از اثاثیه را ابو بکر و باقی را سایر اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حمل کرده به خانه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بردند.
- هنگامی که لوازم خریداری شده به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نشان داده شد، پیامبر آنها را زیر و رو کرده و گفت: خدا اینها را برای اهل بیت مبارک کند.

وَ قَبَضَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَبْضَةً مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ دَعَا بِأَبِي بَكْرٍ فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ يَا أَبَا بَكْرٍ اشْتَرِ بِهَذِهِ الدَّرَاهِمِ لِابْنَتِي مَا يُصْلِحُ لَهَا فِي بَيْتِهَا وَ بَعَثَ مَعَهُ سَلْمَانَ وَ بِلَالًا لِيُعِينَاهُ عَلَى حَمْلِ مَا يَشْتَرِيهِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ وَ كَانَتِ الدَّرَاهِمُ الَّتِي أُعْطِيَهَا ثَلَاثَةً وَ سِتِّينَ دِرْهَمًا فَأَنْطَلَقْتُ، فَكَانَ مِمَّا اشْتَرَوْهُ قَمِيصٌ بِسَبْعَةِ دَرَاهِمٍ وَ خِمَارٌ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَ قَطِيفَةٌ سَوْدَاءُ حَيْبَرِيَّةٌ وَ سَرِيرٌ مُزْمَلٌ بِشَرِيطٍ وَ فَرَّاشِينَ مِنْ حَيْشِ مِصْرَ حَشُو أَحَدِهِمَا لَيْفٌ وَ حَشُو الْأَخْرِي مِنْ جِزِّ الْغَنَمِ وَ أَرْبَعُ مَرَافِقٍ مِنْ أَدَمِ الطَّائِفِ حَشُوهَا



إِذْخِرْ وَ سِئْرٌ مِنْ صُوفٍ وَ حَصِيْرٌ هَجْرِيٌّ وَ رَحَى لِيْدٍ وَ مِخْضَبٌ مِنْ
 نُحَاسٍ وَ سِقَاءٌ مِنْ أَدَمٍ وَ قَعْبٌ لِلْبَنِّ وَ شَنْ لِلْمَاءِ وَ مِطْهَرَةٌ مُرَقَّتَةٌ وَ جَرَّةٌ
 حَضْرَاءٌ وَ كَيْرَانٌ حَزْفٍ حَتَّى إِذَا اسْتَكْمَلَ الشَّرَاءَ حَمَلَ أَبُو بَكْرٍ بَعْضَ
 الْمَتَاعِ وَ حَمَلَ أَصْحَابُ رَسُوْلِ اللَّهِ ص الَّذِينَ كَانُوا مَعَهُ الْبَاقِي فَلَمَّا
 عَرَضَ الْمَتَاعَ عَلَى رَسُوْلِ اللَّهِ ص جَعَلَ يَقْلِبُهُ بِيْدِهِ وَ يَقُوْلُ بَارَكَ اللَّهُ
 لِأَهْلِ الْبَيْتِ^۱

... در کشف الغمه آمده است که پیامبر وقتی جهاز عروسی را نگاه کرد
 گریه کرد و فرمود: خدایا مبارک گردان به قومی که همه ظروف آنها از سفال
 است. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ أَيْتِهِمُ الْخَزَفُ^۲

خرید خوشبوکننده و لوازم آرایشی

سپس بلال را صدا کرد و مشتى از آن پولها را به وی داد و گفت: این پولها
 را بگیر و با آنها برای فاطمه [علیها السلام] عطر خریداری کن! (احتمالا لوازم
 آرایشی چون شانه، آینه و... نیز خریداری شده است چون یک مشت درهم پول
 خیلی زیاد است که دو مشت برای همه جهاز عروسی داد و یک مشت فقط
 برای خوشبو کننده و لوازم آرایشی)

ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَةً وَ دَعَا بِاللَّيْلِ فَأَعْطَاهُ فَقَالَ ابْتِعْ لِفَاطِمَةَ طِيْبًا^۳

مدت زمان نامزدی

^۱ . الامالی للطوسی ص ۴۳ .

^۲ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵ .

^۳ . الامالی للطوسی ص ۴۳ .

عقد ازدواج به صورت رسمی صورت گرفته بود و حضرت فاطمه بصورت قانونی و شرعی زن حضرت علی گردیده بود اما هنوز مراسم عروسی صورت نگرفته بود و فاطمه و علی تشکیل خانواده نداده و هر کدام جدا از هم زندگی می کردند. این دوره همان دوره نامزدی و دوره عقد بود.

علی علیه السّلام می گوید: من پس از خواستگاری و خرید جهاز، به مدّت یک ماه با رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم نماز می خواندم و خجالت می کشیدم در باره عروسی ام با فاطمه علیها السّلام چیزی به آن حضرت بگویم. اما هر زمان پیامبر تنها مرا می دید می فرمود: ای ابالحسن بشارت باد بر تو چقدر زنت زیبا و نیکو است و شما با سرور زنان جهان ازدواج کرده ای. اما بعد از اینکه یک ماه گذشت روزی برادرم عقیل کنارم آمد و گفت: ای برادر! از اینکه با فاطمه دختر پیامبر ازدواج کرده ای خیلی خوشحالم اما چرا در مورد عروسی ات با پیامبر صحبت نمی کنی تا چشمان ما با سر و سامان یافتن زندگی شما شاد گردد. علی فرمود: والله ای برادر! من هم دوست دارم که زندگی ام سر و سامان پیدا کند اما از پیامبر خجالت می کشم که امر عروسی ام را با وی در میان بگذارم.

وَ مَكَثْتُ بَعْدَ ذَلِكَ شَهْرًا لَا أُعَاوِدُ رَسُولَ اللَّهِ ص فِي أَمْرِ فَاطِمَةَ بَشِيءٍ
اسْتِحْيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص غَيْرِ أَنِّي كُنْتُ إِذَا خَلَوْتُ بِرَسُولِ اللَّهِ يَقُولُ
لِي يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَحْسَنَ زَوْجَتِكَ وَ أَجْمَلَهَا أَتَشْرِي يَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَدْ
زَوَّجْتُكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ قَالَ عَلِيٌّ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ شَهْرٍ دَخَلَ عَلِيٌّ
أَخِي عَقِيلُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ يَا أَخِي مَا فَرِحْتُ بِبَشِيءٍ كَفَرَجِي
بِتَزْوِيجِكَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ ص يَا أَخِي فَمَا بَالُكَ لَا تَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ



ص يُدْخِلَهَا عَلَيْكَ فَنَقَرَّ عَيْنًا بِاجْتِمَاعِ شَمْلِكُمَا قَالَ عَلِيٌّ «وَاللَّهِ يَا أَخِي
إِنِّي لِأَحِبُّ ذَلِكَ وَ مَا يَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِهِ إِلَّا الْحَيَاءُ مِنْهُ»^۱

نقش زنان در تدارک ازدواج

عقیل با علی تصمیم گرفتند خدمت پیامبر بروند و مساله عروسی فاطمه و علی را مطرح کنند. در مسیر راه آن دو ام ایمن را دیدند و تصمیم خود را با وی در میان گذاشتند. ام ایمن، گفت: شما این کار را با ما زنان بسپارید ما این مساله را با پیامبر مطرح می کنیم و این کار زنانه است و زنان هم بهتر می دانند چگونه مطرح کنند.

فَقَالَ أَفَسَمْتُ عَلَيْكَ إِلَّا قُتِمْتُ مَعِي فَمُنْمَنَا نُرِيدُ رَسُولَ اللَّهِ ص فَلَقِينَا
فِي طَرِيقِنَا أُمَّ أَيْمَنَ مَوْلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَذَكَرْنَا ذَلِكَ لَهَا فَقَالَتْ لَا
تَفْعَلْ وَ دَعْنَا نَحْنُ نُكَلِّمُهُ فَإِنَّ كَلَامَ النِّسَاءِ فِي هَذَا الْأَمْرِ أَحْسَنُ وَ أَوْقَعُ
بِقُلُوبِ الرِّجَالِ^۲

جلسه زنان پیامبر با حضرت پیامبر در مورد مراسم عروسی فاطمه

جلسه‌ی زنان همراه با علی و پیامبر گرامی اسلام تشکیل شد و ام ایمن گفت: ای رسول خدا! اگر خدیجه علیها السلام زنده بود چشمانش در اشتیاق دیدار ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام روشن می شد، همانا علی علیه السلام دوست دارد که فاطمه را به خانه اش ببرد، پس چشم آنها را به دیدار یک دیگر روشن نما تا چشمهای ما نیز روشن شود. رسول خدا فرمود: چرا علی همسر خود را از من مطالبه نمی کند و شما را واسطه کرده است، در حالی که ما از

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵ .

^۲ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵ .

خود او انتظار این کار را داشتیم. علی علیه السلام گفت: ای رسول خدا! من از شما خجالت کشیدم و حیا مانع از این امر شد.

پس پیامبر در این حال خطاب به همسران خود فرمود: کدام یک از شما حاضر هستید؟

امّ سلمه گفت: من امّ سلمه و این زینب و این فلان کس و فلان کس. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یکی از حجره‌های خانه را برای دخترم فاطمه و پسر عمویم علی آماده کنید. امّ سلمه گفت: ای رسول خدا! کدام حجره را؟ پیامبر فرمود: حجره خودت را.

ثُمَّ قُلْنَ أَرْوَاحَ رَسُولِ اللَّهِ صَ لَا تَطْلُبُ لَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَ دُخُولَ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ فَقُلْتُ أَفَعَلَنْ فَدَخَلَنْ عَلَيْهِ فَقَالَتْ أَمْ أَيْمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَنَّ خَدِيجَةَ بَاقِيَةَ لَفَرَّتْ عَيْنُهَا بِرِفَافِ فَاطِمَةَ وَإِنَّ عَلِيًّا يَرِيدُ أَهْلَهُ فَقَرَّ عَيْنَ فَاطِمَةَ بِبِعْلِهَا وَاجْمَعَ شَمْلَهَا وَقَرَّ عَيْونَنَا بِذَلِكَ فَقَالَ فَمَا بَالُ عَلِيٍّ لَا يَطْلُبُ مِنِّي زَوْجَتَهُ فَقَدْ كُنَّا نَتَوَقَّعُ ذَلِكَ مِنْهُ قَالَ عَلِيٌّ فَقُلْتُ الْحَيَاءُ يَمْنَعُنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَالْتَفَتَ إِلَى النِّسَاءِ فَقَالَ مَنْ هَاهُنَا فَقَالَتْ أَمْ سَلَمَةَ أَنَا أَمْ سَلَمَةَ وَهَذِهِ زَيْنَبُ وَهَذِهِ فُلَانَةٌ وَفُلَانَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَ هَيُّوْا لِابْنَتِي وَابْنِ عَمِّي فِي حُجْرِي بَيْتًا فَقَالَتْ أَمْ سَلَمَةَ فِي أَيِّ حُجْرَةٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِي حُجْرَتِكَ^۱

علی ع می‌فرماید من به خاطر حیاء در حالیکه به زمین نگاه می‌کردم جلو پیامبر نشسته بودم و پیامبر از من پرسید آیا دوست داری همسرت به خانه ات بیاید من عرض کردم پدر و مادرم به قربانت بله. آن وقت پیامبر فرمود: امشب

۱. الامالی للطوسی ص ۴۳.



یا فردا شب ان شاء الله مراسم عروسی برگزار خواهد شد و همسرت را وارد خانه شما خواهیم کرد آنگاه من خوشحال شدم.

وَ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُطْرِقًا نَحْوَ الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْهُ فَقَالَ أَ تُحِبُّ أَنْ
تَدْخُلَ عَلَيْكَ زَوْجُكَ فَقُلْتُ وَ أَنَا مُطْرِقٌ نَعَمْ فِذَاكَ أَبِي وَ أُمِّي فَقَالَ نَعَمْ
وَ كَرَامَةً يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدْخِلْهَا عَلَيْكَ فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ أَوْ فِي لَيْلَةِ غَدٍ إِنْ
شَاءَ اللَّهُ فَقُمْتُ فَرِحًا مَسْرُورًا^۱

آرایش عروس

پیامبر ص به زنان خویش دستور داد تا فاطمه علیها السلام را زینت و آرایش کنند و لوازم عروسی او را فراهم نمایند.

ام سلمه گوید: به فاطمه گفتم: آیا عطری برای خودت ذخیره نموده‌ای؟ گفت: آری. و یک شیشه عطر آورد و مقداری از آن را در میان دست من ریخت، چنان بویی از آن برخاست که تا آن زمان استشمام نکرده بودم، به فاطمه گفتم: این عطر را از کجا آورده‌ای؟

گفت: هر گاه دحیه کلبی به حضور رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می‌آمد، پیامبر به من می‌فرمود: برای عمویت پستی بگذار! من برای او پستی می‌گذاشتم و در این حال متوجه می‌شدم که چیزی از میان لباسهای او فرو می‌ریزد و او به من می‌فرمود که آنها را جمع کنم و این عطرها همانهاست که جمع می‌کردم. پس علی علیه السلام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در این باره سؤال کرد و آن حضرت فرمود: آن عبارت از عنبری است که از بالهای جبرئیل فرو می‌ریزد.

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

وَأَمَرَ نِسَاءَهُ أَنْ يُزَيَّنَّ وَيُضْلِحْنَ مِنْ شَأْنِهَا قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ فَسَأَلَتْ فَاطِمَةَ هَلْ عِنْدَكَ طِيبٌ ادَّخَرْتِيهِ لِنَفْسِكَ قَالَتْ نَعَمْ فَأَتَتْ بِقَارُورَةٍ فَسَكَبَتْ مِنْهَا فِي رَاِحَتِي فَشَمِمْتُ مِنْهَا رَائِحَةً مَا شَمِمْتُ مِثْلَهَا قَطُّ فَقُلْتُ مَا هَذَا فَقَالَتْ كَانَ دِحْيَةُ الْكَلْبِيِّ يَدْخُلُ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ص فَيَقُولُ لِي يَا فَاطِمَةُ هَاتِي الْوَسَادَةَ فَأَطْرَحِيهَا لِعَمِّكَ فَأَطْرَحُ لَهُ الْوَسَادَةَ فَيَجْلِسُ عَلَيْهَا فَإِذَا نَهَضَ سَقَطَ مِنْ بَيْنِ ثِيَابِهِ شَيْءٌ فَيَأْمُرُنِي بِجَمْعِهِ فَسَأَلَ عَلِيٌّ ع رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ هُوَ عَبْتَرٌ يَسْقُطُ مِنَ أَجْنِحَةِ جَبْرِئِيلَ^۱

تدارک و لیمه عروسی

تمام قرار و مدار عروسی گذاشته شد و مقدمات عروسی فراهم گردید. در کتاب امالی آمده است که علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من گفت: ای علی! غذای فراوانی برای عروسی و خانوادات تدارک کن. سپس فرمود: گوشت و نان را من می‌دهم، خرما و روغن به عهده تو.

در کتاب کشف الغمه چنین آمده است که علی فرمود: پیامبر ده درهم که به ام سلمه داده بود به من داد تا با آن من خرما و روغن فراهم کردم و نزد پیامبر بردم،^۲ آن حضرت آستینهای لباسش را بالا زد و خرما را تمیز کرده در روغن ریخت و غذایی درست کرد که آن را «حیس» می‌گفتند، و گوسفند

^۱ الامالی للطوسی ص ۴۲ و کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

^۲ کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵ " وَ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنَ الدَّرَاهِمِ الَّتِي سَلَّمَهَا إِلَيَّ أُمُّ سَلَمَةَ عَشْرَةَ دَرَاهِمٍ فَدَفَعَهَا إِلَيَّ وَ قَالَ اشْتَرِ سَمْنًا وَ تَمْرًا وَ أَطْطَأْ فَاشْتَرِيْثُ وَ أَقْبَلْتُ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص "



فریبهی ذبح کرد^۱، و نان فراوانی تدارک نمود، سپس به من گفت: هر کس را که دوست داری دعوت کن. پس وارد مسجد شدم و دیدم که مسجد پر از صحابه پیامبر است، حیا کردم که در میان آن جمع، عده‌ای را دعوت کنم و عده‌ای را دعوت ننمایم، پس بر یک بلندی قرار گرفتم و خطاب به همه گفتم: همه شما را به صرف ولیمه عروسی فاطمه [علیها السلام] دعوت می‌کنم. آنان پذیرفتند و گروه گروه به طرف خانه پیامبر حرکت کردند و من از کثرت جمعیت و قلت غذا خجالت می‌کشیدم، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آنچه که در ذهن من می‌گذشت مطلع گردید، گفت: ای علی! من دعا می‌کنم که خدا به غذای شما برکت بدهد. علی علیه السلام گفت: آن جمعیت که تعداد آنها بیش از چهار هزار نفر بود همگی از غذا و آبی که فراهم کرده بودیم خوردند و نوشیدند و سیر شدند ولی از غذا چیزی کم نشد.

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا عَلِيُّ اصْنَعْ لِأَهْلِكَ طَعَاماً فَاضِلاً. ثُمَّ قَالَ: مَا عِنْدَنَا اللَّحْمُ وَ الْخُبْزُ، وَ عَلَيْكَ التَّمْرُ وَ السَّمْنُ، فَاشْتَرَيْتُ تَمْرًا وَ سَمْنًا، فَحَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عَنْ ذِرَاعِهِ وَ جَعَلَ يَشْدُخُ التَّمْرَ فِي السَّمْنِ حَتَّى اتَّخَذَهُ حَبِيصاً وَ بَعَثَ إِلَيْنَا كَبْشاً سَمِيناً فَذُبِحَ وَ حَبَزَ لَنَا خُبْزاً كَثِيراً، ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): ادْعُ مَنْ أَحْبَبْتَ، فَأَتَيْتُ الْمَسْجِدَ وَ هُوَ مُشْحَنٌ بِالصَّحَابَةِ، فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أَشْخِصَ قَوْماً وَ أَدْعَ قَوْماً، ثُمَّ صَعِدْتُ عَلَى رُبُوعٍ هُنَاكَ، وَ نَادَيْتُ: أَجِيبُوا إِلَيَّ وَ لَيْمَةَ فَاطِمَةَ، فَأَقْبَلَ النَّاسُ أَرْسَالاً، فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْ كَثْرَةِ النَّاسِ وَ قَلَّةِ

۱. در برخی منابع آمده است که سعد یک گوسفند را به عنوان کمک و سهم گیری در عروسی به ولیمه حضرت فاطمه کمک کرد و گروهی دیگر از اصحاب نیز در حدود توانایی خودشان کمک کردند. (امینی، ۶۲) فرهنگ کمک در عروسی در میان شیعیان افغانستان وجود دارد.

الطَّعَامِ، فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَا تَدَاخَلَنِي فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنِّي سَأَدُعُو اللَّهَ بِالْبَرَكَةِ. قَالَ عَلِيٌّ: (عَلَيْهِ السَّلَامُ): وَ أَكَلْتُ الْقَوْمَ عَنْ آخِرِهِمْ طَعَامِي، وَ شَرِبُوا شَرَابِي، وَ دَعَا لِي بِالْبَرَكَةِ، وَ صَدَرُوا وَ هُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعَةِ آلَافِ رَجُلٍ، وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنَ الطَّعَامِ شَيْءٌ،^۱

در کتاب کشف الغمه آمده است که سفره کشیده شد و ده نفر ده نفر غذا می خوردند و خارج می شدند. فَجَلَّلَ السُّفْرَةَ بِمِنْدِيلٍ وَ قَالَ أَدْخِلْ عَلَيَّ عَشْرَةَ بَعْدَ عَشْرَةَ فَفَعَلْتُ وَ جَعَلُوا يَأْكُلُونَ وَ يَخْرُجُونَ^۲

غذای باقیمانده ولیمه

برای اینکه اسراف نشود پیامبر دستور داد تا کاسه‌هایی را پر از غذا کردند و آنها را برای زنان خویش فرستاد و کاسه‌ای نیز پر از غذا کرد و فرمود: این کاسه نیز برای علی و فاطمه بماند.

ثُمَّ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِالصَّحَافِ فَمَلِئْتُ، وَ وَجَّهَ بِهَا إِلَى مَنْزِلِ أَزْوَاجِهِ، ثُمَّ أَخَذَ صَحْفَةً وَ جَعَلَ فِيهَا طَعَامًا، وَ قَالَ: هَذَا لِقَاطِمَةَ وَ بَعْلَهَا،^۳

یادآوری در عروسی مستحب است یک وعده غذا و آن هم در ظهر داده شود و عروسی در شب صورت گیرد. در عروسی حضرت زهرا نیز اینگونه بود که مردم ظهر ولیمه عروسی صرف کردند و شب هم عروسی صورت گرفت.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: زُفُّوا عَرَائِسَكُمْ لَيْلًا وَ أَطْعَمُوا ضُحَى.^۴

^۱ . الامالی للطوسی ص ۴۳ .

^۲ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵ .

^۳ . الامالی للطوسی ص ۴۳ .

^۴ . من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۰۲ .



دعای خیر پدر زن برای عروس و داماد

هنگامی که غروب آفتاب نزدیک شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امّ سلمه فرمود: فاطمه را بیاور! امّ سلمه به دنبال حضرت فاطمه رفت و او را در حالی که پایین لباسش بر زمین کشیده می‌شد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنان حیا می‌کرد که یک بار بر زمین افتاد که در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: خداوند تو را در دنیا و آخرت از افتادن نگاهدارد. هنگامی که فاطمه به مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید، آن حضرت حجاب از چهره فاطمه برداشت تا علی علیه السلام او را ببیند، سپس دست فاطمه را گرفت و در دست علی علیه السلام قرار داد و فرمود: ای علی! خدا قدم دختر رسول خدا را برای تو مبارک کند، ای علی! همانا فاطمه خوب همسری است، و ای فاطمه! همانا علی خوب شوهری است، پس به سوی خانه خود بروید و صبر کنید تا بیایم.

علی علیه السلام گفت: دست فاطمه را گرفتم و با هم به خانه رفتیم و در آنجا او در گوشه‌ای نشست و من در کنار او نشستم، و هر دو از حیا و خجالت به زمین نگاه می‌کردیم تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و فرمود: چه کسانی در اینجا هستند؟ گفتیم: ای رسول خدا [صلی الله علیه و آله و سلم]! بفرمایید، شما چه زائر خوب و نیکویی هستید! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و نشست و فاطمه نیز در کنار او نشست، پیامبر به او فرمود: برخیز و مقداری آب برای من بیاور! فاطمه برخاست و ظرفی را پر از آب کرده به حضور پیامبر آورد، سپس پیامبر جرعه‌ای از آن آب را بر گرفت و مضمضه کرده و داخل ظرف ریخت و فاطمه را به نزد خود خواند و کفی از آن آب را به سینه فاطمه پاشید و به او گفت: برگرد! و چون فاطمه برگشت کف دیگر از آب را در میان دو کتف وی پاشید و گفت: «خدایا! این دختر من است که

محبوبترین مردم در نزد من می‌باشد، خدایا! این برادر من است که محبوبترین مردم در نزد من می‌باشد. پروردگارا! علی را ولی و مطیع خود قرار بده و اهل و عیالش را برایش مبارک گردان». و سپس گفت: ای علی! حال نزد همسرت برو، از خداوند می‌خواهم که برکت و رحمتش را نصیب شما نماید، همانا او حمید و مجید است

حَتَّى إِذَا انْصَرَفَتِ الشَّمْسُ لِلْغُرُوبِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا أُمَّ سَلَمَةَ هَلْمِي فَاطِمَةَ فَأَنْطَلَقْتُ فَأَتْتُ بِهَا وَهِيَ تَسْحَبُ أَذْيَالَهَا وَ قَدْ تَصَبَّبتْ عَرَقًا حَيَاءً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَثَرْتُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَقَالِكِ اللَّهُ الْعَثْرَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَمَّا وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ كَشَفَ الرِّدَاءَ عَنْ وَجْهَهَا حَتَّى رَأَاهَا عَلِيٌّ ع ثُمَّ أَخَذَ يَدَهَا فَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ ع وَ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ يَا عَلِيُّ نِعَمَ الزَّوْجَةِ فَاطِمَةَ وَيَا فَاطِمَةَ نِعَمَ الْبُعْلُ عَلِيٌّ أَنْطَلِقَا إِلَى مَنْزِلِكُمَا وَلَا تُحَدِثَا أَمْرًا حَتَّى آتِيَكُمَا قَالَ عَلِيٌّ فَأَخَذْتُ بِيَدِ فَاطِمَةَ وَ انْطَلَقْتُ بِهَا حَتَّى جَلَسْتُ فِي جَانِبِ الصُّفَّةِ وَ جَلَسْتُ فِي جَانِبِهَا وَ هِيَ مُطْرَقَةٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنِّي وَ أَنَا مُطْرَقٌ إِلَى الْأَرْضِ حَيَاءً مِنْهَا ثُمَّ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ مَنْ هَاهُنَا فَقُلْنَا ادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَرَحِبًا بِكَ زَائِرًا وَ دَاخِلًا فَدَخَلَ فَاجْلَسَ فَاطِمَةَ مِنْ جَانِبِهِ ثُمَّ قَالَ يَا فَاطِمَةُ ائْتِينِي بِمَاءٍ فَقَامَتْ إِلَى قَعْبٍ فِي الْبَيْتِ فَمَلَأَتْهُ مَاءً ثُمَّ أَتَتْهُ بِهِ فَأَخَذَ جُرْعَةً فَتَمَضَّمَصَّ بِهَا ثُمَّ مَجَّهَا فِي الْقَعْبِ ثُمَّ صَبَّ مِنْهَا عَلَى رَأْسِهَا ثُمَّ قَالَ أَقْبِلِي فَلَمَّا أَقْبَلْتُ نَضَحَ مِنْهُ بَيْنَ ثَدْيَيْهَا ثُمَّ قَالَ أَذْبِرِي فَأَذْبَرْتُ فَنَضَحَ مِنْهُ بَيْنَ كَتِفَيْهَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَذِهِ ابْنَتِي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُمَّ وَ هَذَا أَحْيِي وَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَكَ



وَلِيًّا وَبِكَ حَفِيًّا وَبَارِكْ لَهُ فِي أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ! ادْخُلْ بِأَهْلِكَ بَارِكْ
اللَّهُ لَكَ وَرَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ ... إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ^۱

لباس عروس

زنان پیامبر و نزدیکان حضرت زهرا، به دستور پیامبر عروس را آرایش کردند و خانه اش را مرتب نمودند. لباس دراز با حجاب کامل به تن حضرت زهرا دادند به گونه‌ی که پایین لباس حضرت زهرا بر زمین کشیده می‌شد.

قال علی: وَ أَمَرَ صَ أَرْوَاجَهُ أَنْ يُزَيِّنَ فَاطِمَةَ عَ وَيُطَيِّبِنَهَا وَيَفْرُشَنَ لَهَا
بَيْتًا لِيُدْخِلْنَهَا عَلَيَّ بِعَلِيَّهَا فَفَعَلْنَ ذَلِكَ^۲ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا أُمَّ سَلَمَةَ، هَلِّمِي فَاطِمَةَ، فَاَنْطَلَقْتُ فَأَتَيْتُ بِهَا وَ هِيَ
تَسْحَبُ أَذْيَالَهَا^۳

پوشیده بودن صورت عروس

صورت عروس پوشیده بود و وقتی حضرت پیامبر به ام سلمه دستور داد تا عروس را بیاورد، آنگاه عروس با لباس عروسی درحالی‌که صورتش پوشیده بود خدمت حضرت پیامبر آمد، حضرت پارچه را از صورت عروس برداشت تا داماد وی را ببیند.

دست عروس را در دست داماد نهادن و تبریک گفتن: پیامبر آنگاه دست عروس را در دست داماد نهاد و فرمود: عروسی شما با دختر رسول خدا مبارک باشد. ای علی! فاطمه بهترین همسر است و ای فاطمه! علی بهترین شوهر است.

^۱ . الامالی للطوسی ص ۴۴ .

^۲ . كشف الغمه ج ۱ ص ۳۶۱ .

^۳ . الامالی للطوسی ص ۴۲ .

... فَلَمَّا وَقَفَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ كَشَفَ الرَّدَاءَ عَنْ وَجْهِهَا حَتَّى رَأَاهَا عَلِيٌّ
 (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، ثُمَّ أَخَذَ يَدَهَا فَوَضَعَهَا فِي يَدِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)،
 فَقَالَ: بَارَكَ اللَّهُ لَكَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَا عَلِيُّ، نِعْمَ الزَّوْجَةُ فَاطِمَةُ، وَ
 يَا فَاطِمَةُ، نِعْمَ الْبَعْلُ عَلِيُّ^۱

عروس سوار بر اسب شهباء

وقتی شب عروسی فرا رسید و عروس آماده شد و پیامبر برای عروس و داماد دعا کرد و عروسی آن دو را تبریک گفت، آنگاه حضرت اسب شهبای خود را آورد و به فاطمه فرمود سوار اسب گردد و به سلمان دستور داد تا افسار اسب را دست گیرد در این حال افرادی زیادی عروس و داماد را همراه با فرشتگان بدرقه کردند و همگی تکبیر می‌گفتند و از آن تاریخ به بعد گفتن تکبیر در عروسی‌ها رایج گردید. اما اکنون متأسفانه این سنت نبوی در همه کشورهای اسلامی ترک شده است.

فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ الرَّفَافِ أَتَى النَّبِيَّ ص بِيَعْلَتِهِ الشَّهْبَاءِ وَ ثَنَى عَلَيْهَا
 قَطِيفَةً وَقَالَ لِفَاطِمَةَ ع اِزْكَبِي وَ أَمَرَ سَلْمَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ يَقُودَهَا وَ
 النَّبِيَّ ص يَسُوقُهَا فَبَيْنَا هُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذْ سَمِعَ النَّبِيَّ ص
 وَجِبَةً فَإِذَا هُوَ بِجَبْرِئِيلَ ع فِي سَبْعِينَ أَلْفًا وَ مِيكَائِيلَ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا
 فَقَالَ النَّبِيُّ ص مَا أَهْبَطَكُمْ إِلَى الْأَرْضِ قَالُوا جِئْنَا نَزْفُ فَاطِمَةَ ع إِلَى
 زَوْجِهَا وَ كَبَّرَ جَبْرِئِيلُ ع وَ كَبَّرَ مِيكَائِيلُ ع وَ كَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ وَ كَبَّرَ
 مُحَمَّدٌ ص فَوَضَعَ التَّكْبِيرُ عَلَى الْعَرَائِسِ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ^۲

شادی و شعر خوانی در عروسی

^۱ . الامالی للطوسی ص ۴۲ .

^۲ . من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۰۱ .



پیامبر به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار دستور داد تا همراه فاطمه باشند شادی کنند و رجز بخوانند و تکبیر و تحمید خداوند را بگویند و چیزی که رضای خدا در آن نباشد بر زبان نیاورند. در مراسم عروسی حضرت فاطمه که سوار بر اسب بود و پیامبر، حمزه، عقیل و جعفر و سایر اهل بیت پیامبر با او بودند و در پشت سر عروس و داماد حرکت می‌کردند و زنان پیامبر پیش روی عروس رجز می‌خواندند. افراد زیاد شعر سرودند و خواندند از جمله ام سلمه، معاذ و... همچنین در روایت آمده است که وقتی شعر خوانده می‌شد زنان بیت اول را تکرار می‌کردند.

أَمَرَ النَّبِيُّ بَنَاتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ نِسَاءَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ أَنْ يَمْضِينَ فِي صُحْبَةِ فَاطِمَةَ وَ أَنْ يَفْرَحْنَ وَ يَرْجُزْنَ وَ يُكَبِّرْنَ وَ يَحْمَدْنَ وَ لَا يَقُولَنَّ مَا لَا يَرْضَى اللَّهُ ... وَ النَّبِيُّ وَ حَمْرَةَ وَ عَقِيلٌ وَ جَعْفَرٌ وَ أَهْلُ الْبَيْتِ يَمْشُونَ خَلْفَهَا مُشْهَرِينَ سَيُوفَهُمْ وَ نِسَاءَ النَّبِيِّ ص قَدَّامَهَا يَرْجُزْنَ فَأَنْشَأَتْ أُمُّ سَلَمَةَ

وَ اشْكُرْنَهُ فِي كُلِّ خَالَةٍ	سِرْنَ بَعُونَ اللَّهَ جَارَاتِي
مِنْ كَشْفِ مَكْرُوهِ وَ آفَاتِ	وَ اذْكُرْنَ مَا أَنْعَمَ رَبُّ الْعَلَى
أَنْعَشَنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ	فَقَدْ هَدَانَا بَعْدَ كُفْرٍ وَ قَدْ
تَقْدِي بَعَمَّاتٍ وَ خَالَاتِ	وَ سِرْنَ مَعَ خَيْرِ نِسَاءِ الْوَرَى
بِالْوَحْيِ مِنْهُ وَ الرِّسَالَاتِ ^۱	يَا بِنْتَ مَنْ فَضَّلَهُ ذُو الْعَلَى

زندگی در خانه اجاره‌ی

^۱ . مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۳۵۵.

حضرت امیر در آغاز زندگی منزل شخصی نداشت لذا برای مدتی حضرت امیر همراه با حضرت فاطمه در خانه اجاره‌ای در خانه حارثه بن نعمان زندگی کردند.

حضرت فاطمه سنش کم بود، از سوی دیگر پیامبر دخترش فاطمه را خیلی دوست می‌داشت لذا دوست داشت که فاطمه از خانه خود پیامبر زیاد دور نباشد به این خاطر به علی فرمود: خانه‌ی تهیه کنی تا فاطمه در آن جا منتقل گردد. حضرت علی فرمود: ای رسول خدا! در این نزدیکی‌ها به جز خانه حارثه بن نعمان دیگر خانه‌ی وجود ندارد. حضرت پیامبر فرمود: به خدا دیگر از حارثه خجالت می‌کشیم همه خانه‌های وی را گرفتیم. این حرف به گوش حارثه رسید و او خدمت پیامبر مشرف شد و عرض کرد یا رسول الله! من و مالم از خدا و پیامبرش است. به خدا قسم چیزی محبوبتر از این برایم نیست که از من بگیری و آن چه که از من میگیری بیشتر دوست دارم تا آن چه را که نمی‌گیری پیامبر فرمود: صدقت، بارک الله علیک. به این ترتیب حضرت فاطمه و علی به خانه حارثه منتقل شد.

فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ هَبْنِي مَنْزِلًا حَتَّى تُحَوَّلَ فَاطِمَةُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَاهُنَا مَنْزِلٌ إِلَّا مَنْزِلُ حَارِثَةَ بْنِ النُّعْمَانِ وَكَانَ لِفَاطِمَةَ يَوْمَ بَنَى بِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَاللَّهِ لَقَدْ اسْتَحْيَيْنَا مِنْ حَارِثَةَ قَدْ أَخَذْنَا عَامَّةَ مَنَازِلِهِ فَبَلَّغَ ذَلِكَ حَارِثَةَ فَجَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا وَوَالِي لِي وَرَسُولِي وَاللَّهِ مَا شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا تَأْخُذُهُ وَالَّذِي تَأْخُذُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا تَشْرُكُ فَجَرَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ خَيْرًا فَحَوَّلَ فَاطِمَةَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ فِي مَنْزِلِ حَارِثَةَ^۱

^۱ . اعلام الوری باعلام الهدی ص ۷۱ .



شب عروسی حضرت فاطمه

خانواده حضرت علی، عروسی را با شادمانی و شعر خوانی با احترام و تکریم سوار بر اسب شهباء در منزل ساده و اجاره‌ی اش آوردند. همه شادمان بود که زندگی دو زوج هم کفو و معصوم سر و سامان گرفتند.

شادمانی و شعرخوانی حضرت فاطمه در شب عروسی

حضرت فاطمه در شب عروسی اش بسیار شادمان بود. حضرت در لحظه های آغازین زندگی زناشویی لب به ستایش شوهر نمونه اش علی گشود و این شعر را که در گذشته با اندک تفاوت در عروسی پدر و مادرش خوانده شده بود برای علی سرود و فرمود:

و لقد سمونا فی بنی عدنان	أضحی الفخار لنا و عز شامخ
و تقاصرت عن مجدک	نلت العلی فینا و علوت فی
الثقلان	کل الوری
ذالمجد والافضال و	أعنی علیا خیر من و طالثری
الاءحسان	
ماناحت الاطیار فی الاغصان ^۱	فله المکارم و المعالی والحبأ

افتخار و عزت والا از آن ما شد و ما در میان فرزندان عدنان سربلند شدیم. تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه آفریده ها والاتر شد و جن انس از عظمت تو عقب ماند.

^۱ . بکری، احمد بن عبد الله، الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار فی مولد النبی المختار، جلد، دار الشریف الرضی - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.

معصوم علی است بهترین کسی که گام بر خاک نهاده بزرگوار و دارای احسان و نیکی.

والایبهای اخلاقی و بزرگی ها از آن اوست، تا آنگاه که مرغان بر شاخه ها به ترنم مشغولند.

شب عروسی هر دو زوج جوان بی اندازه شادمان بودند حضرت فاطمه و حضرت امیر در آن شب خدا را خالصانه عبادت کردند و به نماز و دعا پرداختند. از آنجا که حضرت خدیجه در دم جان دادن همراه با اسماء بنت زید بن سکن اظهار نگرانی کرده بود که در شب عروسی حضرت فاطمه من نیستم در حالیکه هر دختری در شب زفاف خود نیاز به بانویی دارد تا به او کمک کند و محرم اسرار او باشد و نیازهای او را بر طرف سازد. اسماء نیز قول داده بود که اگر زنده بماند در آن شب به جای حضرت خدیجه برای حضرت فاطمه مادری کند. پیامبر به همه زنان دستور داده بود که برگردند و در تاریکی فقط اسماء را دید که آنجا مانده وقتی علت را پرسید وی پاسخ داد که من اینجا مانده ام تا به قولی که با حضرت خدیجه داده ام عمل کنم. حضرت پیامبر در حق اسماء دعا کرد و از شنیدن نام حضرت خدیجه بی اختیار به گریه افتاد.^۱

حضور پیامبر در خانه علی بعد از چهار روز

در اینکه حضرت پیامبر بعد از عروسی چه زمانی در خانه حضرت علی حضور یافت چند قول وجود دارد. یکی از اقوال این بود که حضرت همان شب عروسی در خانه علی رفت و آب دعا و بر عروس و داماد پاشید. اما طبق نقل دیگر که آن را حضرت علی روایت می کند روز سوم و یا روز چهارم پیامبر در خانه آمد: بعد از عروسی ما، تا سه روز پیامبر در منزل ما نیامد و در روز چهارم

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۴.



پیامبر وارد منزل ما شد و در حق ما دعا کرد و مراسم آب نوشی و آب پاشی را انجام داد.

قَالَ عَلِيٌّ وَ مَكَتَ رَسُولُ اللَّهِ ص بَعْدَ ذَلِكَ ثَلَاثًا لَا يَدْخُلُ عَلَيْنَا فَلَمَّا
كَانَ فِي صَبِيحَةِ الْيَوْمِ الرَّابِعِ جَاءَنَا لِيَدْخُلَ عَلَيْنَا^۱

مراسم آب نوشی و آب پاشی و دعا

حضرت پیامبر از حضرت علی خواست تا کوزه ی از آب بیاورد. من هم کوزه ی پر آب را به پیامبر دادم. پیامبر آیاتی از قرآن کریم را خواند آنگاه فرمود: ای علی این آب را بیاشام و اندکی هم بگذار. من هم آنگونه که پیامبر فرمود انجام دادم و آنگاه پیامبر باقی مانده آب را بر سر و سینه ام پاشید و فرمود: ای ابالحسن! خداوند پلیدی و ناپاکی را از تو زدود و تو را پاک گردايند. حضرت فرمود: آب جدید بیاورید من هم آب آوردم و حضرت دوباره دعا خواند و همان کارهای قبل را تکرار کرد و آب را به دخترش داد و فرمود: دخترم! از این آب بیاشام و مقداری آن را بگذار، فاطمه نیز چنین کرد و حضرت پیامبر آب باقی مانده را بر سر و سینه فاطمه پاشید و فرمود: خداوند ناپاکی را از شما برده است و شما را پاک گردانیده است.

قَالَ يَا عَلِيُّ ائْتِنِي بِكُوزٍ مِنْ مَاءٍ فَاتَّيْتُهُ فَتَقَلَّ فِيهِ ثَلَاثًا وَ قَرَأَ فِيهِ آيَاتٍ
مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ اشْرَبْهُ وَ ائْتِرْكَ فِيهِ قَلِيلًا فَفَعَلْتُ
ذَلِكَ فَرَشَ بَاقِيَ الْمَاءِ عَلَيَّ رَأْسِي وَ صَدْرِي وَ قَالَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكَ
الرُّجْسَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ طَهَّرَكَ تَطْهِيرًا وَ قَالَ ائْتِنِي بِمَاءٍ جَدِيدٍ فَاتَّيْتُهُ
بِهِ فَفَعَلْتُ كَمَا فَعَلَ وَ سَلَّمَهُ إِلَيَّ ائْتِيهِ ع وَ قَالَ لَهَا اشْرَبِي وَ ائْتِرْكِ مِنْهُ

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

قَلِيلًا فَفَعَلَتْ فَرَشَّهُ عَلَى رَأْسِهَا وَصَدْرَهَا وَقَالَ ص أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْكِ
الرَّجْسَ وَطَهَّرَكَ تَطْهِيرًا^۱

دعای پیامبر برای فاطمه و علی بعد از عروسی

پیامبر در حق دو زوج جوانی که تازه تشکیل زندگی مشترک داده بود چنین دعا کرد: خدایا این دو جوان را همیشه باهم بدار، در دلهای آنها محبت و الفت قرار بده، در نسل آنها برکت عنایت کن، نسل آنها را رهبران دین و امام قرار بده که مردم را به اطاعت از اوامرت که تو به آن راضی و خوشنود گردی رهنمون گردند.

فَقَالَ اللَّهُمَّ اجْمَعْ سَمَلَهُمَا وَ أَلْفَ بَيْنِ قُلُوبِهِمَا وَ اجْعَلْهُمَا وَ ذُرِّيَّتَهُمَا مِنْ
وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَ ارْزُقْهُمَا ذُرِّيَّةً طَاهِرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً وَ اجْعَلْ فِي
ذُرِّيَّتَيْهِمَا الْبَرَكَةَ وَ اجْعَلْهُمُ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِكَ إِلَى طَاعَتِكَ وَ يَا مُرُونَ بِنَا
يُرْضِيكَ^۲

پرسیدن از دختر در مورد همسرش

حضرت علی فرمود: وقتی پیامبر، در منزل ما بعد از سه روز تشریف آورد و آب دعا کرده به من و همسرم فاطمه داد و از آن بر سر و سینه ما پاشید و در حق ما دعا کرد، آنگاه به من دستور داد تا از خانه خارج گردم. پیامبر تنها با دخترش در منزل ماند و از دخترش پرسید: دخترم چگونه‌ی و شوهرت چطور است؟ حضرت فاطمه هم به پدرش عرض کرد: پدر جان! علی بهترین شوهر است الا اینکه زنان قریش در منزل ما می‌آیند و می‌گویند پدرت رسول خدا شما را به عقد شخصی فقیری در آورده است که هیچ چیزی در بساط ندارد.

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.

^۲ . مناقب ج ۳ ص ۳۵۵.

پیامبر به دخترش فرمود: دختر عزیزم! پدر و شوهرت فقیر نیستند. ذخیره‌های زمین از طلا و نقره بر ما عرضه شد و ما آنچه که در نزد خدا بود را انتخاب کردیم. دختر عزیزم! اگر بدانی آنچه که پدرت می‌داند آن وقت دنیا در چشم تو حقیر جلوه می‌کرد. دختر عزیزم! قسم به خدا همسر تو زودتر از همه اسلام آورد و بیشتر از همه علم دارد و حلیم‌ترین شخص است. دخترم! شما بهترین همسر را داری از وی نافرمانی نکن. آن وقت پیامبر مرا صدا کرد و فرمود: علی جان وارد خانه ات شو و با همسرت مهربان باش و با ملایمت با وی رفتار کن که فاطمه پاره تن من است هرکسی وی را اذیت و ناراحت کند مرا ناراحت کرده است و کسی که وی را خوشحال کند مرا خوشحال کرده است. خدا حافظ هر دوی شما و خداوند برای شما فرزندان خوب عنایت کند.

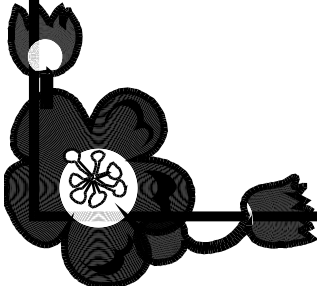
وَأَمْرِنِي بِالْخُرُوجِ مِنَ الْبَيْتِ وَ خَلَا بِإِئْتِنِهِ وَ قَالَ كَيْفَ أَنْتِ يَا بِنْتِيَّةَ وَ كَيْفَ رَأَيْتِ زَوْجَكَ قَالَتْ لَهُ يَا أَبَتِ خَيْرَ زَوْجٍ إِلَّا أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيَّ نِسَاءً مِنْ قُرَيْشٍ وَ قُلْنَ لِي زَوْجَكَ رَسُولَ اللَّهِ ص مِنْ فَقِيرٍ لَا مَالَ لَهُ فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتِيَّةَ مَا أَبُوكَ بِفَقِيرٍ وَ لَا بَعْلُكَ بِفَقِيرٍ وَ لَقَدْ عَرَضْتُ عَلَيَّ خَرَائِنَ الْأَرْضِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ فَأَخْتَرْتُ مَا عِنْدَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ يَا بِنْتِيَّةَ لَوْ تَعَلَّمِينَ مَا عَلِمَ أَبُوكَ لَسُمِّجَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنَيْكَ وَ اللَّهُ يَا بِنْتِيَّةَ مَا أَلُوْتُكَ نَصْحًا إِنْ زَوَّجْتُكَ أَقْدَمَهُمْ سَلْمًا وَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا ... يَا بِنْتِيَّةَ نِعَمَ الزَّوْجِ زَوْجَكَ لَا تَعْصِي لَهُ أَمْرًا ثُمَّ صَاحَ بِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ فَقُلْتُ لَبَيْتِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ ادْخُلِي بَيْتَكَ وَ الطُّفْ بِزَوْجَتِكَ وَ ارْفُقِي بِهَا فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهَا وَ يَسْرُنِي مَا يَسْرُهَا أَسْتَوِدُّعُكُمَا اللَّهُ وَ أَسْتَحْلِفُهُ عَلَيْكُمَا^۱

۱. کشف الغمه ج ۱ ص ۳۵۵.



فصل چهارم

سبک زندگی حضرت زهرا با شوهر





مقدمه

به اعتراف همه کارشناسان خانواده، ازدواج یکی از پیچیده ترین روابط در جهان بشری است. رابطه بین زن و شوهر از عمیق ترین رابطه های شناخته شده جهان بشری به شمار می آید. رابطه بین زن و شوهر اگر خودخواهانه نباشد و بر اساس محبت و صداقت صورت گیرد، رضایت مندی از زندگی در حد بالای وجود خواهد داشت و اما گر این رابطه مشکل پیدا کند و ترمیم نگردد، در این صورت زندگی تبدیل به جهنم خواهد شد.

رابطه بین زن و شوهر

زن و شوهر گرما بخش رابطه خانواده گی است که عمیق ترین و پایدار ترین روابط اجتماعی را تشکیل می دهد. رسیدن به آرامش در پرتو محبت امکان پذیر است. تعالیم دینی می تواند به خانواده کمک کند تا زندگی آرامی داشته باشد.

امروزه در بسیاری از کشورها آمار طلاق بسیار نگران کننده است و به صورت یک معضل اجتماعی درآمده است. چه باید کرد تا کانون گرم خانواده فرو نپاشد؟ در پاسخ باید گفت که زن و شوهر باید تلاش کنند محبت را از خانه بیرون نرانند و به نیازهای عاطفی و جنسی^۱ همدیگر پاسخ مثبت دهند تا

^۱ . نیاز جنسی یکی از نیازهای اساسی زن و شوهر است که باید بصورت درست در درون خانواده این نیاز برآورده شود. بسیاری از اختلاف های خانوادگی به خاطر برآورده نشدن منطقی این نیاز طبیعی انسان ایجاد می شود. در شب معراج پیامبر عده ی از زنان را مشاهده کرد که با دو پستانش آویزان بود. پیامبر فرمود: کسی که با دو پستانش آویزان بود از هم بستر شدن با شوهرش امتناع می کرد. وَ أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِنَدْيِهَا فَإِنَّهَا كَأَنَّ تَمْتَعُ مِنْ فِرَاشِ زَوْجِهَا^۱.



ارتباطشان به هم نخورد. رعایت امور ذیل می‌تواند آنها را در این زمینه کمک کند:

ستودن همسر نزد پدر (بهترین شوهر)

پس از شب ازدواج حضرت پیامبر در منزل فاطمه تشریف برد و از فاطمه در باره همسرش پرسید: شوهرت را چگونه یافتی؟ حضرت زهرا پاسخ داد: پدرجان بهترین شوهر است.

قال رسول الله: كيف رأيت زوجك؟ قالت له: يا أبة، خير زوج.^۱

تفاهم در زندگی مشترک

از امام علی روایت شده است که حضرت فرمود: وقتی زندگی خود را شروع کردیم حضرت پیامبر مرا صدا زد و فرمود: ای علی! عرض کردم: لیبک یا رسول الله. حضرت فرمود: وارد خانهات بشو و با همسرت مهربان و ملایم باش زیرا فاطمه پاره تن من است و هرکسی او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است. آنچه که وی را خوشحال کند مرا خوشحال می‌کند. شما زن و شوهر را به خدا می‌سپارم. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند(در سراسر زندگی مشترک با فاطمه(س) تا آنگاه که خدای بزرگ او را قبض روح فرمود هرگز او را خشمگین نساختم و بر هیچ کاری او را مجبور نکردم، و او نیز مرا هرگز خشمگین نساخت و نافرمانی مرا نکرد؛ هر وقت به او نگاه می‌کردم رنج‌ها و اندوه‌هایم برطرف می‌شد.»

ثُمَّ صَاحَ بِي رَسُولَ اللَّهِ يَا عَلِيُّ فَقُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ ادْخُلْ بَيْتِكَ وَالْطُّفَّ بِرَوْحَتِكَ وَارْفُقْ بِهَا فَإِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤَلِّمُنِي مَا

^۱. عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۴۲۴.

يُؤْلِمَهَا وَيَسْرُنِي مَا يَسْرُهَا أَسْتَوِدُّعُكَمَا اللَّهُ وَ أَسْتَخْلِفُهُ عَلَيْكُمَا قَالَ
عَلِيٌّ عَ فَوَ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَيَّ أَمْرٌ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصْتُ لِي أَمْرًا وَ لَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ
إِلَيْهَا فَتُنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ^۱

دفاع از شوهر

در زندگی ممکن است زن و شوهر مشکلات و گرفتاری‌های زیادی ببینند. یکی از نشانه‌های خانواده موفق این است که در زمان مشکلات از همدیگر دفاع کنند. وقتی حق حضرت علی غضب شد، حضرت فاطمه با تمام توان و با شیوه‌های گوناگون از همسرش دفاع کرد.

حضرت فاطمه در جاهای مختلف از موضع بر حق شوهرش حمایت کرد. حضرت نگران سلامتی شوهرش بود، و در مسجد ماند تا شوهرش را سالم ببیند.

حضرت فاطمه فرمود: وای بر آنان ای سلمان! آنها می‌خواهند دو فرزند من حسن و حسین را یتیم و بی سرپرست نمایند، ای سلمان! سوگند به خدا از دروازه مسجد مدینه پا بیرون نمی‌گذارم تا آن که پسر عموی خود را با چشمان خودم رها شده و سالم مشاهده نمایم.

قالت: وَيَلَهُمْ يَا سَلْمَانَ! يُرِيدُونَ أَنْ يُوتِمُوا وَلَدَيَّ الْحَسَنِينَ فَوَاللَّهِ يَا
سَلْمَانَ! لَا أَخْلِي عَنْ بَابِ الْمَسْجِدِ حَتَّى آرَى ابْنَ عَمِي سَالِمًا بَعِينِي.^۲

تهدید به نفرین برای دفاع از شوهر

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۶۳.

^۲ . نهج الحیات ص ۱۴۷.



حضرت فاطمه خیلی ناراحت شد وقتی مخالفان حضرت علی وارد خانه شدند و حضرت را دست بسته به سمت مسجد برای گرفتن بیعت بردند، حضرت فاطمه خطاب به ابوبکر فرمود:

ایا می خواهی شوهرم را از من بگیری قسم به خدا اگر دست از سر شوهرم برداری؟ موهایم را پریشان و گریبانم را چاک و کنار قبر پدرم ناله سر خواهیم داد آنگاه دست حسنین را گرفت و به سمت قبر پیامبر حرکت کرد. علی به سلمان دستور داد تا دختر پیامبر را دریابد و وی را از این کار منصرف کند که اگر این کار را کند باعث تباهی شهر می شود.

ثُمَّ دَخَلُوا فَأَخْرَجُوا عَلِيًّا عَ مُلَبَّيًّا فَخَرَجَتْ فَاطِمَةُ ع فَقَالَتْ يَا أَبَا بَكْرٍ أ تَرِيدُ أَنْ تُزْمِلَنِي مِنْ زَوْجِي وَ اللَّهُ لَئِنْ لَمْ تَكُفَّ عَنْهُ لَأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَ لَأَنْشُرَنَّ جَبِيَّي وَ لَأَتِيَنَّ قَبْرَ أَبِي وَ لَأَصِيحَنَّ إِلَى رَبِّي فَأَخَذَتْ بِيَدِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع وَ خَرَجَتْ تُرِيدُ قَبْرَ النَّبِيِّ ص فَقَالَ عَلِيٌّ ع لِسَلْمَانَ أَدْرِكْ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ فَإِنِّي أَرَى جَنَّتِي الْمَدِينَةَ تُكْفَتَانِ وَ اللَّهُ إِنْ نَشَرْتُ شَعْرَهَا وَ شَقَّتْ جَبِيَّهَا وَ أَتَتْ قَبْرَ أَبِيهَا وَ صَاخَتْ إِلَى رَبِّهَا لَا يُنَاطِرُ بِالْمَدِينَةِ أَنْ يُخَسَفَ بِهَا وَ بَمَنْ فِيهَا فَأَذْرِكَهَا سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ أَبَاكَ رَحْمَةً فَارْجِعِي^۱

سلمان نقل کرده است که حضرت فاطمه فرمود: ای سلمان! آنها میخواهند شوهرم علی را بکشند و من نمی توانم در شهادت علی صبر کنم، پس مرا به حال خود مان بگذار تا کنار قبر پدرم بروم و موهایم را پریشان و گریبانم را چاک و به درگاه خدا ناله سر دهم.

^۱ . تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۶۷.

فَقَالَتْ يَا سَلْمَانُ يُرِيدُونَ قَتْلَ عَلِيٍّ مَا عَلَيَّ صَبْرٌ فَدَعْنِي حَتَّى آتِي قَبْرَ
أَبِي فَأَنْشُرَ شَعْرِي وَ أَشُقَّ جَبِي وَ أَصِيحَّ إِلَى رَبِّي^۱

نمونه از فرمانبرداری حضرت فاطمه از شوهر

وقتی در خانه حضرت فاطمه آتش زده شد با وجودیکه فاطمه اذیت و مجروح شد اما دست از علی بر نداشت. حضرت فاطمه در دفاع از شوهر چند کار را انجام داد:

الف) محکوم نمودن و توبیح مهاجمان

ب) یادآوری فضائل اهل بیت

ج) تهدید به نفرین کردن

در این هنگام وقتی پیام امام علی را توسط سلمان شنید که به فاطمه بگوید برگردد حضرت فاطمه فرمود: حال که شوهرم و امام من فرمان داده که به خانه بازگردم می‌روم و صبر می‌کنم و سخن آن بزرگوار را می‌پذیرم و از او اطاعت می‌کنم.

فَقَالَ سَلْمَانُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُخْسَفَ بِالْمَدِينَةِ وَ عَلَيَّ بَعَثَنِي إِلَيْكَ يَا مُرْكُ
أَنْ تَرْجِعِي لَهُ إِلَى بَيْتِكَ وَ تَنْصَرِفِي فَقَالَتْ إِذَا أَرَجُّعُ وَ أَصْبِرُ وَ أَسْمَعُ لَهُ
وَ أَطِيعُ^۲

فرمان برداری از شوهر

حضرت زهرا به اعتراف خود امیرالمومنین هیچ گاه نافرمانی همسرش را نکرد. هر خواسته‌ی که حضرت امیرالمومنین از فاطمه می‌کرد، حضرت با

^۱ . تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۶۷.

^۲ . تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۶۷.



کمال میل آن را انجام می‌داد. حضرت علی فرمود: حضرت زهرا تا دم شهادت هیچ وقت نافرمانی ام نکرد.

... وَلَا عَصَتْ لِي أُمَّراً^۱

امرت مطاع یابن عم

روزی فقیری در خانه حضرت امیر را کوبید و درخواست کمک نمود. حضرت امیر از همسرش فاطمه خواست تا به فقیر کمک کند. حضرت زهرا در قالب شعری فرمانبرداری خود را اعلام کرده و چنین جواب داد: ای پسر عمو! امرت در نزد من مورد اطاعت است و هیچ گونه سرزنش و سرپیچی جود ندارد.

أَمْرُكَ عِنْدِي يَا ابْنَ عَمِّ طَاعَةٌ مَا بِي لَوْمٌ لَّا وَلَا ضَرَاعَةٌ^۲

فاطمه همسر فرمان بردار

حضرت زهرا در آخرین لحظات عمرش به حضرت علی فرمود: ای پسر عمو! از زمانی که با تو زندگی مشترکم را شروع کردم هر گز به مخالفت تو بر نخواستم.

قَالَتْ يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهْدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً وَلَا خَالِفْتُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي^۳

فاطمه شفیع زن فرمانبردار از شوهر

ابن عباس نقل می‌کند که روزی پیامبر نشسته بود و در کنارش علی و فاطمه و حسنین نشسته بودند. حضرت فرمود: خدایا تو می‌دانی که اینها اهل

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۶۳.

^۲ . شواهد التنزیل، ج ۲ ص ۳۹۶ و تفسیر فرات کوفی ص ۵۲۲.

^۳ . روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۵۱.

بیت من است. ... هر زنی که نمازهای پنجگانه‌ی شبانه روزی‌اش را بخواند و روزه ماه رمضان را بگیرد و حج خانه خدا را {در صورت استطاعت} بجا بیاورد و زکات مالش را بپردازد و از همسرش اطاعت کند و بعد از من پیرو علی باشد و او را دوست بدارد، به شفاعت دخترم فاطمه وارد بهشت می‌شود.

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ جَالِساً ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَ
الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ع فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي... فَأَيُّمَا
امْرَأَةٍ صَلَّتْ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَصَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ
حَجَّتْ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ وَزَكَتْ مَالَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَوَالَتْ عَلِيّاً
بَعْدِي دَخَلَتْ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ^۱

ناراحت نکردن شوهر

حضرت فاطمه هیچ گاه همسرش را ناراحت نکرد و از وی چیزی را که احتمال می‌داد در توانش نباشد نخواست. حضرت علی خود فرمود: همسرم زهرا هیچگاه مرا ناراحت نکرد.

... وَلَا أَغْضَبْتَنِي^۲

هماهنگی با شوهر

حضرت زهرا در همه کارها با شوهرش خود را هماهنگ می‌کرد. حضرت خود را مطیع شوهر و امامش می‌دانست. پس از ماجرای تلخ سقیفه سران قریش می‌خواستند از حضرت زهرا دلجویی کنند. آنها اجازه ملاقات می‌خواستند، اما حضرت فاطمه موضع اعتراض و سکوت و بی‌زاری را ادامه می‌داد. روزی آن دو دم در نشستند و خواستار ملاقات با حضرت زهرا شدند.

^۱ . الامالی للشیخ صدوق ص ۴۸۶.

^۲ . کشف الغمه ج ۱ ص ۳۶۳.

امام علی ع وارد منزل شد و فرمود: فاطمه جان! خلیفه و عمر در پشت در خانه، منتظر اجازه ورود می‌باشند، نظر شما چه می‌باشد؟ حضرت زهرا در برابر شوهر فرمود: علی جان! خانه خانه توست و من همسر تو می‌باشم، هر آنچه می‌خواهی انجام ده.

فَجَلَسَا بِالْبَابِ وَ دَخَلَ عَلِيٌّ عَ عَلَى فَاطِمَةَ عَ فَقَالَ لَهَا أَيُّهَا الْحُرَّةُ
فُلَانٌ وَ فُلَانٌ بِالْبَابِ يُرِيدَانِ أَنْ يُسَلِّمَا عَلَيْكَ فَمَا تَرَيْنَ قَالَتْ عَ الْبَيْتُ
بَيْنِكَ وَ الْحُرَّةُ زَوْجَتِكَ فَأَفْعَلُ مَا تَشَاءُ^۱

یکی از مصادیق هماهنگی با شوهر این است که وقتی زن می‌خواهد خارج از خانه برود باید با اجازه و هماهنگی شوهرش باشد.

حضرت فاطمه می‌فرماید از پدرم سوال کردم که آن کسی که شما در معراج دیدی با پاهایش آویزان بود چه کسی بود؟ پدرم فرمود: کسی که با پاهایش آویزان بود بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می‌آمد.

وَ أُمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِرِجْلَيْهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا.^۱

ابراز عشق و علاقه به شوهر

فاطمه(س)، در مقام اظهار محبت و علاقه به امام علی(ع) فرمود: روحی لروحک الفدا و نفسی لفسک الوقاء یا ابالحسن؛ ان کنت فی خیر کنت معک و ان کنت فی شر کنت معک. علی جان، روح من فدای روح تو و جان من سپر بلاهای جان تو همواره با تو خواهم بود اگر تو در خیر و نیکی بسر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود.

^۱ . سلیم بن قیس هلالی ج ۲، ص ۸۶۹.



وفادار به شوهر

یکی از ویژگی‌های حضرت فاطمه وفاداری‌اش به شوهر بود. وی چون شوهرش را از صمیم قلب دوست می‌داشت و به درستی کار و اندیشه و رفتارش باور عمیق داشت، لذا اعلام وفاداری نموده و در هر شرایط خود را شریک در زندگی شوهرش می‌دانست. حضرت فاطمه در این باره خطاب به حضرت علی فرمود: ای ابالحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی بسر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهم بود.

قَالَتْ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! ان كُنْتَ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ وَ ان كُنْتَ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ^۱

اعلان وفاداری در وصیت نامه

حضرت فاطمه وفاداری‌اش را در وصیت نامه‌اش اعلان کرد و خطاب به همسرش فرمود: ای علی من فاطمه دختر محمد هستم خدا مرا به ازدواج تو در آورد تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری ...

يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَتِي. اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي...^۲

تقسیم کار در خانواده

تقسیم کار یکی از تجربیات موفق بشر است که دست آورد بسیار زیادی داشته است. تخصص، تعهد کاری، تلاش و تقسیم کار از جمله عوامل مهم

^۱ . نهج الحیاه ص ۱۴۷.

^۲ . بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۱۴.



پیشرفت در جهان محسوب می‌شود. تقسیم کار هم باعث سرعت در انجام کار می‌شود و هم اینکه کارها بدون مداخله و نگرانی انجام می‌شود. وقتی حضرت امیرالمومنین تشکیل خانواده داد اولین کاری را که انجام داد تقسیم وظایف بین زن و شوهر بود.

حمیری در قرب الاسناد از امام محمد باقر علیه السلام روایت می‌کند: علی و فاطمه علیهما السلام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنها تقسیم نماید. پیامبر انجام کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی علیه السلام گذاشت. امام باقر علیه السلام می‌گوید: فاطمه علیها السلام می‌گفت:

هیچ کس جز خداوند نمی‌داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از مراد با مردان نجات داد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ تَقَاضَى عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَقَضَى عَلَى عَلِيٍّ بِمَا خَلْفَهُ قَالَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْمَلُ رِقَابَ الرَّجَالِ^۱

کار طاقت فرسای فاطمه در خانه

حضرت فاطمه در خانه سخت کار و تلاش می‌کرد. یک روز به فاطمه گفتیم: کاش نزد پیامبر می‌رفتی و از آن حضرت تقاضا می‌کردی که خادمی برایت در نظر بگیرد تا در کارهای خانه به تو کمک نماید. هنگامی که فاطمه

^۱ . قرب الاسناد ص ۵۲.

برای بیان این تقاضا به حضور پیامبر رفت دید که عده‌ای در اطراف پیامبر نشسته و با او مشغول گفتگو هستند و لذا خجالت کشید و مراجعت نمود، پیامبر از این عمل فاطمه متوجه شد که فاطمه برای حاجتی نزد او آمده لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فردای آن روز صبح زود، در حالی که ما هنوز در بستر بودیم به خانه ما آمد و از پشت در گفت: السلام علیکم. ما سکوت کردیم زیرا به دلیل وضعیتان حیا داشتیم که با پیامبر روبرو شویم، رسول خدا برای دومین بار گفت: السلام علیکم. و ما باز هم سکوت کردیم. وقتی مرتبه سوم گفت: السلام علیکم، ترسیدیم که اگر جواب نگوییم مراجعت نماید پاسخ ایشان را داده و گفتیم: و علیک السلام یا رسول الله! وارد شوید. وقتی پیامبر وارد شد خطاب به فاطمه گفت: چه حاجتی داشتی که دیروز به نزد من آمدی؟ من پیشدستی کردم- زیرا فاطمه از شرم سر خود را زیر لحاف کرده بود- و گفتیم:

فاطمه به قدری مشک آب آورده که اثر آن بر سینه‌اش مانده است، و به قدری آسیاب کرده که دستهایش آبله زده و پینه بسته، و به قدری جارو کرده که گرد و خاک لباسهایش را غبار آلود نموده، و به قدری در زیر دیگ آتش افروخته که لباسهایش سیاه و چرکی شده است، و به دلیل این مشقتی که او متحمل می‌شود، من به او گفتم که نزد شما بیاید و خادمی مطالبه نماید تا در این گونه کارها یاور او باشد. پیامبر فرمود: آیا بهتر نیست چیزی به شما تعلیم نمایم که از خادم برای شما بهتر باشد، پس هر گاه خواستید بخوابید سی و سه مرتبه سبحان الله، و سی و سه مرتبه الحمد لله، و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگویید.

عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدٍ أَلَا أَحَدَّثُكَ عَنِّي وَعَنْ فَاطِمَةَ
إِنَّهَا كَانَتْ عِنْدِي وَكَانَتْ مِنْ أَحَبِّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ وَ أَنَّهَا اسْتَقْتَّ بِالْقِرْبَةِ



حَتَّى أَثَرُ فِي صَدْرِهَا وَطَحَنَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَكَسَحَتْ
 الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَأَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقِدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ
 ثِيَابُهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِكَ ضَرْرٌ شَدِيدٌ فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتِيهِ
 خَادِمًا يَكْفِيكَ ضَرًّا مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ فَأَتَتِ النَّبِيَّ ص فَوَجَدَتْ
 عِنْدَهُ حُدَاثًا فَاسْتَحَتْ فَأَنْصَرَفَتْ قَالَ فَعَلِمَ النَّبِيُّ ص أَنَّهَا جَاءَتْ
 لِحَاجَةٍ قَالَ فَعَدَا عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَنَحْنُ فِي لِفَاعِنَا فَقَالَ السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ فَسَكَتْنَا وَاسْتَحْيَيْنَا لِمَكَانِنَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَسَكَتْنَا ثُمَّ
 قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَحَشِينَا إِنْ لَمْ تَرُدَّ عَلَيْهِ أَنْ يَنْصَرِفَ وَقَدْ كَانَ يَفْعَلُ
 ذَلِكَ يُسَلِّمُ ثَلَاثًا فَإِنْ أَذِنَ لَهُ وَإِلَّا انْصَرَفَ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا
 رَسُولَ اللَّهِ ادْخُلْ فَلَمْ يَعُدْ أَنْ جَلَسَ عِنْدَ رُءُوسِنَا فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ مَا
 كَانَتْ حَاجَتُكَ أَمْسٍ عِنْدَ مُحَمَّدٍ قَالَ فَحَشَيْتُ إِنْ لَمْ نُجِبْهُ أَنْ يَقُومَ قَالَ
 فَأَخْرَجْتُ رَأْسِي فَقُلْتُ أَنَا وَاللَّهِ أَخْبِرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا اسْتَقْتَتْ
 بِالْقُبُوبَةِ حَتَّى أَثَرَتْ فِي صَدْرِهَا وَجَرَتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَ
 كَسَحَتْ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَأَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقِدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ
 ثِيَابُهَا فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكَ فَسَأَلْتِيهِ خَادِمًا يَكْفِيكَ ضَرًّا مَا أَنْتَ فِيهِ
 مِنْ هَذَا الْعَمَلِ قَالَ أَفَلَا أَعْلَمُكُمْ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنَ الْخَادِمِ إِذَا
 أَخَذْتُمَا مِنْكُمْ فَسَبَّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَكَبَّرَا
 أَرْبَعٌ وَثَلَاثِينَ قَالَ فَأَخْرَجَتْ عَ رَأْسَهَا فَقَالَتْ رَضِيْتُ عَنِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
 ثَلَاثَ دَفْعَاتٍ^١

کارهای حضرت زهرا

١. من لايحضره الفقيه ج ١ ص ٣٢٠.

حضرت زهرا کارهای گوناگون را به عهده داشت که بسیاری آن در روایات گزارش شده است.

با یک دست آرد کردن و با دست دیگر فرزندش را شیردادن

جابر نقل می‌کند که رسول خدا فاطمه را در حالی دید که عبايي از پوست شتر پوشیده و با یک دست مشغول آسیاب کردن و به کمک دست دیگر مشغول شیردادن به فرزندش می‌باشد چشمان رسول خدا پر از اشک شد و فرمود: دختر عزیزم! عجله کن و تلخی‌های دنیا را در برابر شیرینی‌های آخرت معاوضه کن. آنگاه حضرت فاطمه فرمود: ای رسول خدا! خدا را سپاس و شکر به خاطر نعمت‌هایش، آنگاه خدا این آیه را نازل کرد: و به زودی پروردگارت به تو عطا خواهد کرد تا راضی شویی.

... عَنْ جَابِرِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفَاطِمَةَ وَ عَلِيَّهَا كِسَاءً مِنْ أَجَلَّةٍ (پوست) الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تُرْضِعُ وَ لَدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا بِنْتَاهُ تَعَجَّلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحَلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آيَاتِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى^۱

تهیه لباس برای همسر و حسنین

یکی از کارهای مهم که حضرت زهرا در درون خانه انجام می‌داد بافتن و دوختن لباس برای شوهر و فرزندان بود.

بافتن لباس خاص برای شوهر

^۱. مناقب ج ۳ ص ۳۴۲.

در کتاب های روایی آمده است که حضرت علی ع پیراهنی داشت که آن را در جنگ ها می پوشید و بدین ترتیب جان خود را حفظ می کرد و آن پیراهن را حضرت زهرا برای علی دوخته و بافته بود.

و كان لعلی قمیص من غزل فاطمة ع یتقی به نفسه فی الحروب^۱.

نخ ریسی (سنگ ریسی)

حسنین بیمار شدند و اهالی خانه (حضرت علی، فاطمه و حسنین) نذر کردند که هر گاه حسنین شفا یابند سه روز، روزه بگیرند. سال قحطی و گرسنگی بود. حضرت امیر از یک یهودی (در بعضی روایات نام وی شمعون ذکر شده است)^۲ مقداری پشم گرفت تا حضرت زهرا آن را در برابر نه کیلو جو بریسد. اهالی خانه روزه گرفتند و حضرت زهرا پشمها را به نخ تبدیل کرد و آنگاه جو را با آسیاب دستی آرد کرد و نان پخت.

أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ مَرَضَا فَتَدَّرَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع صِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَلَمَّا عَافَاهُمَا اللَّهُ وَ كَانَ الرَّيْمَانُ قَحْطًا أَخَذَ عَلِيٌّ مِنْ أَبِي طَالِبٍ ع مِنْ يَهُودِيٍّ ثَلَاثَ جِرَاتٍ صُوفًا لِيَتَغَرَّلَهَا فَاطِمَةُ ع بِثَلَاثَةِ

^۱ . بحار الانوار ج ۳۹ ص ۵۴. حدیث کامل این گونه است: كان ليعقوب اثنا عشر ابنا أحبهم إليه يوسف و يامين و كان لعلی سبعة عشر ابنا أحبهم إليه الحسن و الحسين و كان أصغر أولاده لاولی لأنه أخذ بعقب عیص فصارت النبوة له و لأولاده ألقى له يوسف في غیابة الجب و ذبح لعلی الحسین ع و ابتلی یعقوب بفراق يوسف و ابتلی علی بذبح الحسین ع لم يرتفع يوسف من یعقوب و إن بعد عنه و لم ترتفع الخلافة عن علی و إن بعدت عنه آیاما كان ليعقوب بیت الأحران و لآل النبی ع كربلاء و یعقوب ارتد بصیرا بقمیص ابنه و كان لعلی قمیص من غزل فاطمة ع یتقی به نفسه فی الحروب و كلم ذنب یعقوب و قال لحوم الأنبياء علینا حرام و كلم نعبان علیا علی المنبر و كلمه ذنب و أسد أيضا.

^۲ . . فَلَمَّا عَافَى اللَّهُ الْعَلَامِينَ مِمَّا بِيَهُمَا انْطَلَقَ عَلِيٌّ إِلَى جَارٍ يَهُودِيٍّ يُقَالُ لَهُ سَمْعُونُ بْنُ حَارَا فَقَالَ لَهُ يَا سَمْعُونُ أَعْطِنِي ثَلَاثَةَ أَصْبُعٍ مِنْ شَعِيرٍ وَ جُرَّةً مِنْ صُوفٍ تَغْرُلُهُ لَكَ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ [ص] فَأَعْطَاهُ الْيَهُودِيُّ الشَّعِيرَ وَ الصُّوفَ فَانْطَلَقَ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ [ع] فَقَالَ لَهَا يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ كُلِّي هَذَا وَ اغْرُلِي هَذَا (تفسير فرات كوفي، ص ۵۲۱)

أَصْوَاعَ شَعِيرًا فَصَامُوا وَ غَزَلَتْ فَاطِمَةُ حِرَّةً ثُمَّ طَحَنَتْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ
وَ خَبَزَتْهُ.^۱

بافتن و وصله زدن لباس و کفش برای فرزندان

نوه حضرت زهرا زید فرزند امام حسن از عمویش امام حسین نقل می‌کند که حضرت فاطمه عادتش بر این بود که علاوه بر آسیاب کردن حبوبات، خمیر کردن و پختن، کفش ها و لباس های اهالی خانواده اش را وصله می‌زد.

عَنْ زَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ... وَ كَانَتْ
فَاطِمَةُ ع تَطْحَنُ وَ تَعْجِنُ وَ تَخْبِزُ وَ تَرْفَعُ.^۲

آسیاب کردن، خمیر کردن، نان پختن

کار بین حضرت زهرا و حضرت امیرالمومنین تقسیم شد، تهیه هیزم، آب و جاروب کردن به عهده حضرت امیرالمومنین بود و آسیاب کردن، خمیر کردن و نان پختن به عهده حضرت زهرا بود. البته در روایات دیگر جارو کردن خانه از وظایف حضرت فاطمه شمرده شده است که کار داخل منزل و معمولا کار زنانه است و درست هم همین امر است.

عَلِيٌّ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَحْتَطِبُ وَ
يَسْتَقِي وَ يَكْنُسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا تَطْحَنُ وَ تَعْجِنُ وَ
تُخْبِزُ.^۳

دیگ کردن

۱. الخرايج والجرايح ج ۲ ص ۵۳۹.

۲. الكافي ج ۸ ص ۱۶۵.

۳. الكافي ج ۵ ص ۸۶.



پیامبر صلی الله علیه و آله نزد دخترش فاطمه علیها السلام آمد در حالی که آن حضرت در زیر دیگی آتش روشن کرده بود و برای خانواده‌اش غذا می‌پخت. علی علیه السلام هم در گوشه‌ای از خانه خوابیده بود و حسنین علیهما السلام کنار او در خواب بودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله کنار دخترش نشست و با او مشغول صحبت شد و در همان حال حضرت زهرا علیها السلام آتش را زیر دیگ آماده می‌کرد و خدمتکاری نداشت.

در این حال امام حسن علیه السلام از خواب بیدار شد و رو به پیامبر صلی الله علیه و آله نمود و عرض کرد:

«پدر جان، به من آب بده». حضرت او را در بر گرفت و سراغ شتر شیردهی که داشتند رفت و با دست مبارک آن را دوشید. سپس ظرف را- در حالی که روی شیر چربی گرفته بود- آورد تا به امام حسن علیه السلام بدهد. در این حال امام حسین علیه السلام بیدار شد و عرض کرد: «پدر جان، به من آب بده».

حضرت فرمود: پسر من، برادرت از تو بزرگتر است و قبل از تو از من آب خواسته است.

امام حسین علیه السلام عرض کرد: قبل از او به من آب بده! پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان او را آرام می‌کرد و با او به نرمی رفتار می‌کرد و از او می‌خواست که اجازه دهد برادرش پیش از او بنوشد ولی امام حسین علیه السلام اجازه نمی‌داد.

در اینجا فاطمه علیها السلام عرض کرد: پدر جان، گویا حسن نزد تو محبوبتر از حسین است؟! حضرت فرمود: او نزد من محبوبتر نیست و هر دوی آنها نزد من یکسانند، ولی حسن ابتدا از من آب خواسته است. من و تو و این

دو و این کسی که خوابیده در بهشت در یک منزل و در یک درجه خواهیم بود.....

ایشانگری در برابر شوهر

بارها اتفاق می افتاد که حضرت زهرا به غذا نیاز پیدا می کرد اما از شوهرش خجالت می کشید چیزی بخواهد. بارها حضرت فاطمه غذایش را به شوهرش می داد و خود گرسنه سر می کرد، بدون اینکه حضرت امیر متوجه گردد. روزی حضرت امیر از همسرش زهرا غذا خواست. حضرت فاطمه عرض کرد قسم به کسی که حق تو را بزرگ کرد در نماز ما سه روز است چیزی نیست و در این مدت شما را بر خود مقدم داشتم. حضرت فرمود: چرا در طی این چند روز مرا خبر نکردی تا برایتان چیزی می آوردم. حضرت زهرا عرض کرد: رسول خدا مرا نهی کرده است که از شما چیزی طلب کنم. حضرت رسول فرمود: از پسر عمویت چیزی طلب نکن، اگر چیزی خودش آورد خوب و الا از او چیزی نخواه.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ عَضَمَتْ لِعَلِيِّ عَ عَمَلِ الْبَيْتِ وَ الْعَجِينِ وَ الْخُبْزِ وَ قَمَّ الْبَيْتِ وَ ضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ عَ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ نَقَلَ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ فَقَالَ لَهَا يَوْمًا يَا فَاطِمَةُ هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ قَالَتْ وَ الَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ مَا كَانَ عِنْدَنَا مُنْذُ ثَلَاثِ إِلَّا شَيْءٌ آتَرْتِكَ بِهِ قَالَ أَ فَلَا أَخْبَرْتَنِي قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ



شَيْئًا فَقَالَ لَا تَسْأَلِي ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ عَفْوًا وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ...^۱

چیزی از همسر نخواستن

حضرت فاطمه حتی چیزی را که احتمال می‌داد حضرت امیرالمومنین نتواند انجام دهد از حضرت نمی‌خواست. حضرت امیرالمومنین فرمود چند روزی بود که حضرت فاطمه غذا نخورده بود و من آن را نمی‌دانستم وقتی با خبر شدم خیلی ناراحت شدم و گفتم: فاطمه جان! چرا در طی این چند روز که گرسنه ماندی مرا خبر نکردی تا برایتان چیزی می‌آوردم؟. حضرت زهرا عرض کرد: رسول خدا مرا نهی کرده است که از شما چیزی طلب کنم. حضرت رسول فرمود: از پسر عمویت چیزی طلب نکن، اگر چیزی خودش آورد خوب و الا از او چیزی نخواه.

... قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئًا فَقَالَ لَا تَسْأَلِي ابْنَ عَمِّكَ شَيْئًا إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ عَفْوًا وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ...^۲

سازش زهرا با مشکلات مالی علی

روشن است که زندگی فراز و نشیب دارد و گاه ممکن است در زندگی مشترک مشکلات اقتصادی و یا سایر مشکلات به وجود بیاید، در چنین شرایطی لازم است زن و شوهر با درایت و اندیشه زندگی خود را مدیریت کرده از مشکلات عبور کند. در زمانی که مشکلات وجود دارد باید با مشکلات زندگی ساخت و تنها دوست و شریک ایام خوش زندگی نباشد.

^۱ . تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۷۱ و بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۴، ص: ۱۹۸.

^۲ . تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۷۱ و بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۴، ص: ۱۹۸.

امیرالمومنین فرمود: من با حضرت زهرا ازدواج کردم درحالیکه زیرانداز و فرش در خانه نداشتیم. در حالیکه احسان و بخشش به نیازمندان به قدری زیاد بود که اگر به بنی هاشم تقسیم می شد همه آنان را غنی و بی نیاز می کرد.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَزَوَّجْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ مَا كَانَ لِي فِرَاشٌ وَ صَدَقَتِي الْيَوْمَ لَوْ قَسِمَتْ عَلَى بَنِي هَاشِمٍ لَوَسِعَتْهُمْ»^۱.

رخسار زرد زهرا به خاطر گرسنگی

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که روزی پیامبر وارد خانه دخترش شد. مشاهده کرد که رخسار حضرت زهرا زرد شده است، لذا علت را پرسید: دخترم چرا رنگ صورتت این قدر زرد است؟ فاطمه پاسخ داد: ای پیامبر خدا از گرسنگی به این حالت افتاده ام. آن وقت پیامبر خدا دست به دعا برداشت و خون در چهره زهرا پدیدار گشت.

قال جابر: فدخل رسول الله - صَلَّى الله عليه وآله - ودخلت. فإذا وجه فاطمة - عليها السلام - اصفر، كأنه بطن جراد. فقال رسول الله - صَلَّى الله عليه وآله -: مالي أرى وجهك اصفر؟ قالت: يا رسول الله، الجوع! فقال - صَلَّى الله عليه وآله -: اللهم مشيع الجوعه و دافع الضيعة، أشبع فاطمة بنت محمد. قال جابر: فوالله لنظرت إلى الدم ينحدر من قصاصها، حتى عاد وجهها أحمر. فما جاعت بعد ذلك اليوم.^۲

سزای آزار دان شوهر

^۱ . كشف المحجة لثمره المهجة، ص: ۱۸۳

^۲ . تفسير كنزالدقائق ج ۹ ص ۲۷۵.



امیر المومنین روایت می‌کند که روزی من همراه همسرم حضرت فاطمه خدمت پیامبر رسیدیم، دیدیم حضرت پیامبر به شدت گریه می‌کند، عرض کردم پدر و مادرم به قربانت یا رسول الله! چه باعث شده است که اینقدر گریه می‌کنی؟ حضرت پیامبر فرمود: علی جان در شبی که به معراج رفتم گروهی از زنان امتم را دیدم که خیلی مورد عذاب بودند به این جهت گریه می‌کنم آنگاه حضرت پیامبر توصیف کرد زانی را که با موهایش آویزان بود و... حضرت فاطمه از پدر بزرگوارش پرسید پدر جان گناه این زنان چه بوده است که این گونه مورد عذاب بوده است. پیامبر در جواب دخترش فرمود: دخترم! اما آن کسی که با زبانش آویزان بود کسی بود که همسر خود را آزار می‌رساند.

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَفَاطِمَةُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ ص فَوَجَدْتُهُ يَبْكِي بُكَاءً شَدِيداً فَقُلْتُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِي أَبْكََاكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ فَأَنْكَرْتُ شَأْنَهُنَّ فَبَكَيْتُ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِنَّ... فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع حَبِيبِي وَقُرَّةَ عَيْنِي أَخْبَرْنِي مَا كَانَ عَمَلُهُنَّ وَ سِيرَتُهُنَّ حَتَّى وَضَعَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ هَذَا الْعَذَابَ فَقَالَ يَا بَنَاتِي... وَ أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِلِسَانِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُؤْذِي زَوْجَهَا.^۱

کمک به همسر (پاک کردن عدس)

حضرت علی هر چند کارش با فاطمه تقسیم بود اما همیشه با وی کمک می‌کرد. حضرت علی خود روایت می‌کند که روزی حضرت پیامبر بر ما وارد شد

۱. عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۱.

در حالیکه فاطمه کنار دیک نشسته بود و من عدس پاک می کردم حضرت این کارم را ستود.

عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فَاطِمَةُ جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقِدْرِ
وَ أَنَا أَنْتَقِي الْعَدَسَ^۱

پاداش کسی که به همسرش کمک کند

کسی که به همسرش در درون خانواده کمک کند پاداش‌های زیاد خدا به وی خواهد داد که پیامبر آن را به دستور پروردگارش به علی ع فرمود:

کمک به همسر عبادت جامع

فاطمه کنار دیک نشسته بود و من عدس پاک می کردم حضرت پیامبر این کارم را ستود. و فرمود: مردی که در خانه با همسرش کمک کند خداوند به آن مرد به اندازه هر موی که بر بدنش است ثواب عبادتی یک ساله را می دهد که روزهایش را روزه و شبهایش را به نماز احیاء کرده باشد.

عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فَاطِمَةُ جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقِدْرِ
وَ أَنَا أَنْتَقِي الْعَدَسَ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اسْمِعْ
مِنِّي وَ مَا أَقُولُ إِلَّا مِنْ أَمْرِ رَبِّي مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا
كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةٌ سَنَةً صِيَامٍ نَهَارًا وَ قِيَامٍ لَيْلًا^۲

کمک به همسر پاداش صابران و پیامبران

۱. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

۲. جامع الاخبار ص ۱۰۳.



حضرت پیامبر به علی که با همسرش فاطمه کمک می‌کرد فرمود: مردی که در خانه با همسرش کمک کند خداوند به آن مرد پاداش صابران و داود پیامبر و یعقوب و عیسی را می‌دهد.

مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ ... أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى
مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَ دَاوُدَ النَّبِيَّ وَيَعْقُوبَ وَ
عِيسَى ع^۱

کمک به همسر ثواب هزار شهید

علی با همسرش کمک می‌کرد و پیامبر آن را مشاهده کرده فرمود: ... ای علی کسی که در منزل در خدمت همسر و عیال خود باشد خداوند اسم وی را در دیوان شهدا می‌نویسد و برای او در برابر هر روز کمکش ثواب هزار شهید را می‌نویسد.

... يَا عَلِيُّ مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي الْبَيْتِ وَ لَمْ يَأْتَفِ كَتَبَ اللَّهُ
تَعَالَى اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الشُّهَدَاءِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثَوَابَ
أَلْفِ شَهِيدٍ^۲

کمک به همسر پاداش حج و عمره

ای علی کسی که در خدمت عیالش در منزل باشد خداوند برای او در برابر هر قدمی که برای کمک به همسرش بر می‌دارد پاداش حج و عمره می‌دهد و می‌نویسد.

۱. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

۲. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

يَا عَلِيُّ مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي الْبَيْتِ ... كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ
تَوَابَ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ^۱

کمک به همسر تضمین بهشت

پیامبر وقتی دید علی با همسرش کمک می‌کند فرمود: ای علی کسی که با همسرش در خانه کمک کند خداوند در عوض هر قطره عرقی که از بدنش ریخته می‌شود شهری را در بهشت برایش تضمین می‌کند.

يَا عَلِيُّ مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي الْبَيْتِ ... أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ
عَرْقٍ فِي جَسَدِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ^۲

کمک به همسر بهتر از هزار هزار عبادت ...

ای علی یک ساعت کمک و خدمت با همسر بهتر از هزار سال عبادت، هزار حج، هزار عمره، بهتر از آزادی هزار بنده، هزاره غزوه و جهاد همراه با پیامبر، هزار عیادت بیمار، هزار جمعه (عبادت در روز جمعه) هزار شرکت در تشییع جنازه، هزار گرسنه را سیر کردن، هزار برهنه را پوشاندن و هزار اسب را تاختن در راه، و بهتر از هزار دینار صدقه دادن به فقرا است.

يَا عَلِيُّ سَاعَةٌ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ أَلْفِ حَجٍّ وَ
أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ عَثَقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَ أَلْفِ عِيَادَةِ مَرِيضٍ
وَ أَلْفِ جُمُعَةٍ وَ أَلْفِ جَنَازَةٍ وَ أَلْفِ جَائِعٍ يُشْبِعُهُمْ وَ أَلْفِ عَارٍ يَكْسُوهُمْ
وَ أَلْفِ فَرَسٍ يُوجِّهُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ دِينَارٍ يَتَصَدَّقُ
عَلَى الْمَسَاكِينِ^۳

۱. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

۲. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

۳. جامع الاخبار ص ۱۰۳.



خدمت به همسر بهتر از خواندن کتاب های مقدس

ای علی یک ساعت کمک و خدمت با همسر بهتر از تلاوت کردن تورات، انجیل، زبور و قرآن است.

يَا عَلِيُّ سَاعَةٌ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ ... خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَقْرَأَ التَّوْرَةَ وَ
الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ وَ الْفُرْقَانَ^۱

ثواب کمک به همسر بیشتر از ثواب آزادی هزار اسیر

خدمت به همسر بهتر از آزادی هزار اسیر و دادن هزار قربانی به فقرا است. و چنین شخصی از دنیا خارج نمی شود مگر اینکه جای خود را در بهشت می بیند.

يَا عَلِيُّ سَاعَةٌ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ ... خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ أَسِيرٍ أَسْرَفَاعَتْهَا
وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ بَدَنَةٍ يُعْطَى لِلْمَسَاكِينِ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى
يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ^۲

کمک به همسر تضمین ورود بدون حساب به بهشت

ای علی کسی که از خدمت به همسر سرباز نزند بدون حساب وارد بهشت می شود.

يَا عَلِيُّ مَنْ لَمْ يَأْتَفْ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ^۳

خدمت به همسر کفاره گناهان و فرونشاندن خشم پروردگار

۱. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

۲. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

۳. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

ای علی خدمت به خانواده و همسر باعث کفاره از گناهان بزرگ و فرونشاندن خشم پروردگار و مهریه های حور العین و افزای حسنات و درجات می گردد.

يَا عَلِيُّ خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَيُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ مُهُورُ حُورِ الْعَيْنِ وَ يَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ^۱

کمک گاران به همسر خواستاران بهترین در دنیا و آخرت

ای علی به خانواده و عیال کسانی کمک و همکاری می کنند که یا صدیق اند، یا شهید و یا مردانی که خداوند برای آنها بهترین ها را در دنیا و آخرت در نظر گرفته اند.

يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالَ إِلَّا صَدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ^۲

اعتراض و استغفار حضرت فاطمه

زندگی حضرت فاطمه و علی در طول سالهای زندگی مشترک عاشقانه و همدلانه بود. البته از دو معصوم انتظار جز این نمی رفت. آن دو بزرگوار هیچ گاه همدیگر را ناراحت نکردند و عاشقانه زندگی مشترک خود را با تحمل همه سختیهای روزگار به پیش می بردند.

در این مدت یکبار حضرت فاطمه در مقابل شوهرش لب به اعتراض گشود که بعد از توجه بلافاصله استغفار کرد. داستان از این قرار بوده است که حضرت علی باغی داشت و آن را به مبلغ دوازده هزار درهم فروخت و تمام آن مبلغ را در راه خدا انفاق کرد. وقتی به خانه برگشت حضرت زهرا پرسید: ای ابالحسن!

۱. جامع الاخبار ص ۱۰۳.

۲. جامع الاخبار ص ۱۰۳.



پول باغ را کجا کردی؟ من و فرزندانم گرسنه ایم و شما هم به احتمال زیاد مثل ما گرسنه ای. حضرت امیر فرمود: قیمت باغ را در راه خدا انفاق کردم، و به کسانی دادم که خجالت کشیدم روزی در مانده شود و از دیگران کمک بخواهد... سرانجام حضرت زهرا از اینکه در مقابل حضرت امیر اعتراض کرده بود ناراحت شد و فرمود: من از خدا آمرزش می‌طلبم و دیگر مرتکب این رفتار نخواهم شد!

فَبَاعَهَا بِأَثْتِي عَشْرَ أَلْفِ دِرْهَمٍ... فَجَلَسَ عَلِيٌّ وَعَ وَالِدَاهُمَا مَضْبُوبَةً
بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ فَقَبِضَ قَبْضَةً قَبْضَةً وَجَعَلَ يُعْطِي
رَجُلًا رَجُلًا حَتَّى لَمْ يَبْقَ مَعَهُ دِرْهَمٌ وَاحِدٌ فَلَمَّا أَتَى الْمُنْزِلَ قَالَتْ لَهُ
فَاطِمَةُ يَا ابْنَ عَمِّ بَعْتَ الْحَائِطَ الَّذِي غَرَسَهُ لَكَ وَالِدِي قَالَ نَعَمْ بِخَيْرٍ
مِنْهُ عَاجِلًا وَ آجَلًا قَالَتْ فَأَيْنَ الثَّمَنُ قَالَ دَفَعْتُهُ إِلَى أَعْيُنِ اسْتَحْيَيْتُ
أَنْ أُذِلَّهَا بِذَلِكَ الْمَسْأَلَةِ قَبْلَ أَنْ تَسْأَلَنِي قَالَتْ فَاطِمَةُ أَنَا جَائِعَةٌ وَ ابْنَايَ
جَائِعَانِ وَ لَا أَشْكُ إِلَّا وَ أَنْتَ مِثْلُنَا فِي الْجُوعِ لَمْ يَكُنْ لَنَا مِنْهُ دِرْهَمٌ
... قَالَتْ فَاطِمَةُ فَيَايَ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ وَ لَا أَعُودُ أَبَدًا^۱

اعتراف همیشگی به فضائل همسرش علی

حضرت زهرا و علی افتخارات همدیگر را بر می‌شمردند پیامبر آمد و فاطمه در حضور پدر فرمود: پدر جان سوگند به خدای که تو را به رسالت برگزید و برای هدایت انسانها انتخاب کرد تا زنده ام همواره به ارزشهای امام علی اعتراف خواهم داشت.

^۱ . الامالی للصدوق ص ۴۷۰.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ وَالَّذِي اصْطَفَاكَ وَاجْتَبَاكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ الْأُمَّةَ لَا
زَلْتُ مُقِرَّةً لَهُ مَا عَشْتُ^۱

نگران شوهر حتی در دم مرگ

از امام جعفر ع روایت شده است که وقتی شهادت حضرت فاطمه فرا رسید، حضرت گریه کرد. حضرت امیر پرسید: سرورم چه باعث شده است که گریه می کنی؟ حضرت فاطمه پاسخ داد به خاطر آنچه که بعد از من با آن مواجه خواهی شد گریه می کنم.

حضرت امیر تلاش کرد نگرانی همسرش را برطرف کند و فرمود: تو گریه نکن قسم به خدا آن مشکلات کوچک است.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: لَمَّا حَضَرَتْ فَاطِمَةَ الْوَفَاةُ بَكَتْ
فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا سَيِّدَتِي مَا يُبْكِيكِ قَالَتْ أَبْكِي لِمَا تَلْقَى
بَعْدِي فَقَالَ لَهَا لَا تَبْكِي فَوَ اللَّهُ إِنَّ ذَلِكَ لَصَغِيرٌ عِنْدِي فِي ذَاتِ اللَّهِ^۲

تک همسری

زن به خصوص در جامعه و محیط امروزی به گونه‌ی تربیت شده است که زن دوم را به هیچ وجه تحمل نمی‌تواند. انتخاب همسر دوم به معنای نقص در همسر اول تلقی می‌شود و معنای التزامی‌اش این است که شوهر از همسر اول خود راضی نبوده که اقدام به ازدواج مجدد نموده است. زن اول نیز چنین احساسی برایش پیش می‌آید که وی کاستی‌های داشته است و مورد علاقه شوهرش نبوده که وی زن دوم انتخاب کرده است. در نتیجه زندگی مشترک دچار مشکل می‌گردد و تنش‌ها در درون خانواده فرونی می‌یابد.

^۱. مناقب ج ۳ ص ۳۳۱.

^۲. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۱۸.



تجربه نشان داده است که انتخاب همسر دوم زندگی آرام خانوادگی را به مشکل مواجه می‌کند. بنابراین زن باید تلاش کند قلب همسر خود را همیشه در اختیار داشته باشد و با محبت و علاقه نیازهای همسرش را بخصوص نیاز جنسی اش را برآورده نموده و زمینه ازدواج مجدد را از بین ببرد.

تازمانیکه حضرت فاطمه در قید حیات بود حضرت علی هیچ همسری دیگری انتخاب نکرد^۱، همانگونه که تا زمانیکه حضرت خدیجه در قید حیات بود حضرت پیامبر زنی دیگری انتخاب نکرد. این یک واقعیت است که زن دوم گرفتن باعث اختلاف و سلب آرامش در درون خانواده می‌گردد. بنابراین زن و شوهر هم کفو و عاشق هیچ وقت زن دوم انتخاب نمی‌کنند و سخن از زن دوم وقتی به میان می‌آید که تفاهم و محبت در زندگی وجود نداشته باشد. از امام صادق ع روایت شده است که حضرت فرمود: تا زمانی که حضرت فاطمه زنده بود خداوند متعال زنان دیگر را برای علی ع حرام کرده بود. معنای این حدیث این است که از بس تفاهم و محبت در میان زوجین وجود داشت لذا هیچ وقت نیاز به همسر دیگر نبود و حرف آن هم در میان نیامد. وقتی دلیل این سخن پرسیده شد حضرت امام صادق ع فرمود: چون حضرت فاطمه همیشه پاک بود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النِّسَاءَ عَلَيَّ عِ مَا
دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً قُلْتُ وَ كَيْفَ؟ قَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ طَاهِرَةً لَا تَحِيضُ^۲

توجه به همسر

^۱ . اینکه در برخی منابع آمده است که در زمان حیات حضرت فاطمه علی ع از دختر ابوجهل خاستگاری کرد دروغ محض است و شاید منافقی این دروغ را ساخته باشد که در برخی منابع آمده است شخصی برای اینکه فاطمه س را ناراحت کند این خبر را جعل کرد. (تفصیل بیشتر مراجعه کنید به زندگی زهرا ص ۶۵۴)

^۲ . بشاره المصطفی لشعبة المرتضى ج ۲ ص ۲۴۸.

رابطه بین زن و شوهر از عمیق ترین و پیچیده ترین رابطه ها است. تداوم این رابطه نیازمند عوامل گوناگون است که به مدد آن زندگی آرامش دهنده و کانون خانواده همیشه گرم می شود. یکی از اموری که خیلی لازم است و زندگی را لذت بخش می کند توجه متقابل به همدیگر است.

خرید هدیه برای همسر

شایسته است انسان در مناسبت های چون عید، سالگرد ازدواج، روز مادر ... با خریدن هدیه و توجه به همسر هرچند تقدیم یک شاخه گل، ابراز محبت نماید.

از اسماء بنت عمیس روایت شده است که فرمود: من نزد حضرت فاطمه بودم هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وارد خانه آن بانو گردید و در گردن او گردنبندی از طلا دید که حضرت علی علیه السّلام از سهم خمس خویش برای فاطمه خریده بود، پس پیامبر به فاطمه علیها السّلام فرمود:

ای فاطمه! آیا دوست می داری که مردم بگویند فاطمه دختر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ است ولی لباس ستمگران و زیور زورگویان را مورد استفاده قرار می دهد؟ پس فاطمه آن گردنبند را باز کرد و فروخت و با پول آن برده ای را خریده و آزاد نمود، و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ از این کردار فاطمه خوشحال گردید.

عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ ع إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ مِنْ ذَهَبٍ كَانَ اشْتَرَاهَا لَهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع مِنْ فِيٍّ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص يَا فَاطِمَةُ لَا يَقُولُ النَّاسُ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ



مُحَمَّدٍ تَلَبَّسُ لِيَأْسَ الْجَبَابِرَةَ فَقَطَعَتْهَا وَبَاعَتْهَا وَاشْتَرَتْ بِهَا رَقَبَةً
فَأَعْتَقَتْهَا فَسَرَّ بِذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ص.^۱

عشق علی به زهرا

می‌توان از زندگی مشترک علی و فاطمه عشق همدیگر را فهمید. وقتی حضرت فاطمه از دنیا رفت علی در فراق همسرش خیلی گریست. این گریه گریه اندوه و عشق به همسر بود و حاکی از دوستی عمیق که علی به فاطمه داشت. علی بعد از اینکه همسرش را در میان قبر گذاشت در تاریکی شب متوجه قبر رسول خدا شد و عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا از من و از جانب دختر عزیزت که هم اکنون به خدمت می‌رسد و در جوارت مدفون شد و زود تر از همه به تو پیوست. یا رسول الله صبر من تمام شد اما چاره‌ی ندارم باید چنانکه در مصیبت تو صبر کردم در فراق زهرا نیز شکیبایی نمایم. یا رسول الله تو در دامن من قبض روح شدی دیدگانت را من بستم من بودم که بدن شریف‌ت را در قبر نهادم آری صبر می‌کنم و کلمه استرجاع را می‌خوانم. یا رسول الله آن ودیعه را که به من سپرده بودی هم اکنون به سویت بازگشت زهرا از دست من ربوده شد زمین و آسمان از نور و زیبایی افتاد یا رسول الله اندوه مرا پایانی نیست و خواب به دیدگانم راه ندارد غم و غصه‌های من تمام نمیشود مگر اینکه بمیرم و به نزد تو بیایم همانا غم و اندوهی است که از جراحات‌های قلب جاری می‌شود غصه‌ی است که تهییج و تحریک شده است. انجمن با صفای ما چه زود از هم پاشید و درد دلم را با خدا می‌گویم. یا رسول الله دخترت اخبار غصب حق من و فدک را خواهد گفت.

^۱. بحار الانوار ج ۴۳ ص ۸۲.

يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زَائِرَتِكَ وَ الْبَائِثَةِ فِي
 الثَّرَى بِنْفَعَتِكَ وَ الْمُخْتَارِ اللَّهُ لَهَا سُورَةَ اللَّحَاقِ بِكَ قَلَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ عَفَا عَنْ سَيِّدَةِ الْعَالَمِينَ تَجَلَّدِي إِلَّا أَنْ لِي
 فِي النَّاسِي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعٌ تَعَزُّ فَلَقَدْ وَ سَدْتُكَ فِي مَلْحُودَةٍ
 قَبْرِكَ وَ فَاصَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْرِي وَ صَدْرِي بَلَى وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لِي
 أَنْعَمَ الْقَبُولُ - إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ وَ أَخَذْتَ
 الرَّهِيْنَةَ وَ أَخْلَسْتَ الرَّهْرَاءَ فَمَا أَقْبَحَ الْخَضْرَاءَ وَ الْعُبْرَاءَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 أَمَا حَزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدٌ وَ هَمٌّ لَا يَبْرُحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارُ
 اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ كَمَا مُقِيحٌ وَ هَمٌّ مُهَيِّجٌ سَرْعَانَ مَا
 فَرَّقَ بَيْنَنَا وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو وَ سَتُنْبُئُكَ ابْنَتُكَ بِتَطَافُرِ أُمَّتِكَ عَلَى
 هَضْمِهَا فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ
 بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَثِّهِ سَبِيلًا وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ
 الْحَاكِمِينَ * سَلَامٌ مُودِعٌ لَا قَالٍ وَ لَا سَتِيمٌ فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَ
 إِنْ أَقِمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَ آهَ وَ آهًا وَ الصَّبْرُ أَيْمَنُ
 وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ لَا غَلْبَةُ الْمُسْتَوَلِينَ لَجَعَلْتُ الْمُقَامَ وَ اللَّبَثَ لِرِزَامًا مَعْكَوْفًا
 وَ لَأَعَوْلْتُ إِعْوَالَ الشُّكْلَى عَلَى جَلِيلِ الرِّزِيَّةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ
 سِرًّا وَ تُهَضَّمُ حَقًّا وَ تُمْنَعُ إِثْمًا وَ لَمْ يَتَّبَعِدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ
 الذِّكْرُ وَ إِلَى اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَ فِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنُ
 الْعَزَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ الرَّضْوَانُ.^۱

شعر علی گواه روشن بر عشق علی به زهرا

۱. اصول کافی ج ۱ ص ۴۵۹.



اشعار حضرت امیر بعد از شهادت همسر دلالت بر عشق و محبت زیاد علی به فاطمه دارد که حضرت سرود: جان من با ناله های خود حبس شده، ای کاش جان من با ناله هایم خارج می شد. بعد از تو خیری در زندگانی نخواهد بود، جز این نیست که از خوف طولانی شدن زندگیم می گریم.

نَفْسِي عَلَى زَفْرَاتِهَا مَحْبُوسَةٌ يَا لَيْتَهَا خَرَجَتْ مَعَ الزَّفْرَاتِ
لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ وَ إِنَّمَا أَبْكِي مَخَافَةَ أَنْ تَطُولَ
حَيَاتِي^۱

رضایت کامل علی از زهرا

در آموزه های دینی فراوان سفارش شده است که زن تلاش کند تا رضایت همسرش را به دست آورد. وقتی حضرت زهرا از دنیا رفت، حضرت امیر المومنین بر پیکر فاطمه ایستاد و فرمود: بار خدایا من از دختر پیامبرت راضی هستم. بار الهی! فاطمه نگران و مضطرب بود، تو او را آرامش بخش، خداوند! زهرا از دوستان و فرزندان مفارقت کرد تو او را وصل کن، پروردگارا! به فاطمه ظلم کردند تو خود حاکم باش که بهترین دآوری.

وَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ ع قَامَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي
رَاضٍ عَنِ ابْنَةِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ أُوحِشَتْ فَأَنْسِهَا اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ
هُجِرَتْ فَصَلِّهَا اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ ظَلِمَتْ فَاحْكُمْ لَهَا وَ أَنْتَ خَيْرُ
الْحَاكِمِينَ^۲.

اوج رضایت علی از فاطمه

^۱ . دیوان امیرالمومنین ص 123

^۲ . الخصال ج ۲ ص ۵۸۸.

علی به فاطمه فرمود: پناه به خدا، تو نسبت به امور و احکام الهی داناتری، نیکوکاری، تقوا، بزرگواری و خشیت از خدا بیشتر است. این را بدن که جدایی و مفارقت تو فوق العاده برای من سنگین است ولی این کار چاره ناپذیر است. قسم به خدا مصیبت پیامبر خدا بر من تازه شد. از دست دادن تو برایم خیلی سنگین است. ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم... آن وقت هر دو باهم گریستند. حضرت علی سر فاطمه را در بغل گرفت و به سینه خود چسپاند و فرمود: هرچه دوست داری وصیت کن، حتماً به وصیت هایت عمل می‌کنم و همه دستورات را انجام خواهم داد. آنگاه حضرت فاطمه فرمود: ابن عم خداوند به شما پاداش نیک عنایت کند...

... فَقَالَ عَمَّادُ اللَّهِ أَنْتَ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَأَبْرُّ وَأَتْقَى وَ أَكْرَمُ وَأَشَدُّ خَوْفًا
مَنْ اللَّهُ أَنْ أَوْبَخِكَ غَدًا بِمُخَالَفَتِي فَقَدْ عَزَّ عَلَيَّ بِمُفَارَقَتِكَ وَ بِفَقْدِكَ إِلَّا
أَنْتَ أَمْرٌ لَا بَدَّ مِنْهُ وَ اللَّهُ جَدَّدَ عَلَيَّ مُصِيبَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ عَظُمَتْ
وَ فَاتَكَ وَ فَقَدَكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ
أَلَمَهَا وَ أَمْضَاهَا وَ أَحْرَنَهَا هَذِهِ وَ اللَّهُ مُصِيبَةٌ لَا عَزَاءَ عَنْهَا وَ رَزِيَّةٌ لَا
خَلْفَ لَهَا ثُمَّ بَكَيَا جَمِيعًا سَاعَةً وَ أَخَذَ عَلِيٌّ رَأْسَهَا وَ ضَمَّهَا إِلَى صَدْرِهِ
ثُمَّ قَالَ أَوْصِنِي بِمَا شِئْتِ فَإِنَّكَ تَجِدِينِي وَفِيَّ أَمْضِي كُلَّ مَا أَمَرْتِنِي
بِهِ وَ أَحْتَارُ أَمْرِكَ عَلَيَّ أَمْرِي ثُمَّ قَالَتْ جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ يَا ابْنَ
عَمٍّ...^۱

علی و فاطمه بهترین زن و شوهر

۱. روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۵۱.



علی و فاطمه طبق عقیده شیعه هر دو معصوم اند و آن دو هم کفو و هم شان همدیگرند. در روایات آمده است که پیامبر از علی پرسید همسرت را چگونه یافتی؟ حضرت علی در پاسخ فرمود: خوب یار و یابوری است در اطاعت کردن از خدا. آنگاه حضرت از فاطمه پرسید و وی پاسخ داد: بهترین شوهر است.

فَسَأَلَ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ طَاعَةَ اللَّهِ وَ سَأَلَ
فَاطِمَةَ فَقَالَتْ خَيْرَ بَعْلِ^۱

عذر خواهی فاطمه از علی

در زندگی خانوادگی حضرت فاطمه آرامش کامل حاکم بود و هیچ گونه تنش‌ای میان آنها وجود نداشت. اما در عین حال گاه ممکن بود کمی بگو و مگو در سطح بسیار اندک پیش می‌آمد. از جمله یک روز که حضرت علی با فاطمه فضیلت‌های خود را بر می‌شمردند این امر باعث شد هر دو بحثش داغ و طولانی گردد. جبرئیل بر پیامبر نازل شد و گفت: بگو مگوی آنان در محبت تو به درازا کشید خود میان ایشان داوری کن. پیامبر داوری کرد و فرمود: فاطمه جان تو نزد من شیرریننی و محبت فرزند بودن را داری و علی عزت مردان را دارد و علی نزد من از تو محبوب تر است فاطمه عرض کرد: سوگند به خدا تا زنده هستم بر این امتیاز علی همیشه اعتراف دارم.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ افْتَخَرَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ بِقَضَائِلِهِمَا فَأَخْبَرَ
جَبْرَيْلُ لِلنَّبِيِّ أَنَّهُمَا قَدْ أَطَالَا الْخُصُومَةَ فِي مَحَبَّتِكَ فَأَحْكُمْ بَيْنَهُمَا
فَدَخَلَ وَ قَصَّ عَلَيْهِمَا مَقَالَتَهُمَا ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَاطِمَةَ وَ قَالَ لِكَ حَلَاوَةٌ
الْوَالِدِ وَ لَهُ عِزُّ الرَّجَالِ وَ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ وَ الَّذِي

^۱ . مناقب ج ۳ ص ۳۵۵.

اَصْطَفَاكَ وَاجْتَبَاكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ الْأُمَّةَ لَا زِلْتُ مُقِرَّةً لَهُ مَا
عَشْتُ^۱

بعد از مفاخره حضرت پیامبر فرمود: فاطمه جان! برخیز و سر پسر عمویت را بپوش ... فاطمه زهرا برخاست و جلو پیامبر سر امام علی بن ابی طالب را بوسید و گفت ای ابالحسن تو را به حق پیامبر سوگند می‌دهم این عذر مرا به درگاه خدا و پیامبر و خودت بپذیر. اما او را بخشید و او (فاطمه) دست پیامبر را بوسید.

قَالَ النَّبِيُّ ص لِفَاطِمَةَ يَا فَاطِمَةُ قُومِي وَ قَبِّلِي رَأْسَ ابْنِ عَمِّكَ ...
فَقَامَتْ فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ فَقَبَّلَتْ رَأْسَ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَيْنَيْنِ
يَدِي النَّبِيِّ ص وَ قَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ بِحَقِّ رَسُولِ اللَّهِ ص مَعْذِرَةٌ إِلَيَّ
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَيْكَ وَ إِلَيَّ ابْنِ عَمِّكَ قَالَ فَوَهَبَهَا الْإِمَامُ ع وَ قَبَّلَتْ يَدَ
أَبِيهَا ع^۲

رفتار حضرت زهرا با امیرالمومنین

یکی از تجربیات بشر این است که پشت هر مرد موفقی یک زن موفق وجود دارد. معصومین دو جنبه دارد یکی جنبه الهی و دیگری جنبه بشری. از بعد بشری معصومان برای مردم به عنوان الگو مطرح شده است. قرآن کریم پیامبر را به عنوان الگو مطرح ساخته است.

از آنجا که در میان معصومان فقط یک زن وجود دارد لذا شایسته است نگاه زن به شوهر از دید حضرت فاطمه نگریسته شود.

صداقت

^۱ . مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۳۳۱.

^۲ . الفضایل لابن شاذان ص ۸۲.



حضرت فاطمه در طول زندگی مشترک یک بار هم با حضرت علی دروغ نگفت. البته روشن است که دروغ از جمله گناهان بزرگ است و خلاف عصمت است.

حضرت زهرا در آخرین لحظات عمرش به حضرت علی فرمود: ای پسر عمو! من از روزی که با تو زندگی مشترکم را شروع کردم هرگز به تو دروغ نگفتم،

قَالَتْ يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهْدَتْنِي كَاذِبَةً ... مُنْذُ عَاشَرْتَنِي^۱

اجتناب از هر گونه خیانت

حضرت زهرا در آخرین لحظات عمرش به حضرت علی فرمود: ای پسر عمو! من از روزی که با تو زندگی مشترکم را شروع کردم هرگز به تو خیانت نکردم.

قَالَتْ يَا ابْنَ عَمِّ مَا عَهْدَتْنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً ... مُنْذُ عَاشَرْتَنِي^۲

زهرا روایتگر صفات شایسته همسرش

حضرت زهرا فضائل و صفات نیک همسرش را برای مردم بیان داشته فرمود: همسرم علی یاور و فرمانبردار پدرم بود.

علی یاور و فرمانبردار پدرم

حضرت زهرا صفات برجسته همسرش امیرالمومنین را به زبان آورده فرمود: همسرم علی یاور پدرم پیامبر خدا است. هر زمانی شیطان شاخ خود را بیرون می‌کرد، پیامبر، برادرش علی را برای مقابله و دفع آنها اعزام می‌کرد.

^۱. روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۵۱.

^۲. روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۵۱.

أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعَرْتُ فَاغِرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذَفَ أَخَاهُ فِي
لَهَوَاتِهَا^۱

علی شیر پیشه ها و فاتح نبردها

حضرت زهرا همسرش را در خطبه فدک برای مردم مهاجر و انصار اینگونه معرفی کرد: علی از هیچ یک از آن ماموریت های که پیامبر وی را می فرستاد، بی نتیجه باز نمی گشت، وی بال و پر دشمن را زیر پای خود می گذاشت و شعله های آتش مخالفان را با شمشیر خود خاموش می ساخت.

فَلَا يَنْكِفِي حَتَّى يَطَّأَ جَنَاحَهَا بِأُخْمَصِهِ وَيُخَمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ^۲

علی پر تلاش و مقاوم

حضرت فاطمه در خطبه فدکیه همسرش را برای مردمی که قدر وی را ندانست این گونه معرفی کرد: علی همسر من یکی دیگر از ویژگیهایش این بود که برای پیشرفت دین حق سختی ها را تحمل می کرد و سخت تلاش داشت و اهل سازش با دشمن نبود.

مَكَدُودًا فِي ذَاتِ اللَّهِ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللَّهِ^۳

علی نسخه دوم پدرم رسول الله

حضرت فاطمه در باره همسرش علی فرمود: علی همانگونه که از نظر نسب و قرابت به پیامبر نزدیک بود، از نظر فکری و معنوی و فضائل اخلاقی نیز با پیامبر نزدیک بود.

قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ^۱

۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۱.

۲. الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۱.

۳. الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۱.



علی سرور اولیاء الله

مقبولیت علی در نزد حضرت زهرا تا آنجا بود که وی را سرور اولیاء معرفی کرده فرمود: علی در میان اولیاء خدا سید و سالارشان بود.

سَيِّدًا فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ^۲

علی دارای همت والا و خیرخواهی

حضرت فاطمه فرمود: همسرم برادر پدرم دارای همت والا و خیرخواه مردم بود. مُشْمَرًا نَاصِحًا^۳

علی انسان پرتلاش

حضرت فاطمه در خطبه فدکیه فرمود: علی انسان پرتلاشی بود که در راه خدا سخن هیچ ملامت گری در او اثری نداشت. مُجِدًّا كَادِحًا لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٍ^۴

سلام پیامبر به زهرا و هدیه علی به همسر

هر گاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می‌خواست مسافرت کند با اهل بیت خویش وداع می‌کرد و آخرین نفری را که وداع می‌نمود حضرت فاطمه علیها السَّلَام بود، آنگاه از خانه فاطمه خارج شده و عازم مسافرت می‌شد، و هنگامی که از سفر برمی‌گشت اوّل وارد خانه دخترش، فاطمه می‌شد و او را دیدار می‌نمود.

→

^۱ . الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۱ .

^۲ . الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۱ .

^۳ . الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۱ .

^۴ . الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۱ .

در یکی از مسافرت‌های رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ علی علیه السلام مقداری از غنیمتهایی را که نصیب آن حضرت شده بود به فاطمه داد و آن حضرت از مال مذکور دو انگوی نقره و یک پرده برای در اتاق خود خریداری نمود. وقتی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ از مسافرت بازگشت وارد مسجد شد و سپس طبق معمول به خانه دخترش فاطمه علیها السلام آمد و حضرت فاطمه نیز طبق معمول از جای برخاست و با شوق فراوان از پدر خود استقبال نمود، پیامبر همین طور که متوجه دخترش بود ناگاه چشمش به انگوها و پرده‌ها افتاد، و بلافاصله بر زمین نشست و حالتی که حکایت از تعجب داشت به حضرت فاطمه علیها السلام نگریست، وقتی که پیامبر از خانه فاطمه خارج شد، آن بانو گریان و اندوهگین گردید و با خود گفت: پدرم قبلاً چنین برخوردی با من نداشته است.

و دانست که علت آن برخورد چیست، لذا پرده و انگو را درآورد و حسن و حسین را صدا کرده، پرده را به یکی و انگوها را به دیگری داد و به آنها فرمود: اینها را نزد پدرم رسول خدا ببرد و سلام مرا به ایشان برسانید و بگویید: ما بعد از مسافرت شما چیزی غیر از اینها اضافه ننموده‌ایم، اکنون آنها در اختیار شماست و هر کار که مفید می‌دانید با آنها انجام دهید.

هنگامی که حسن و حسین آمدند و پیام فاطمه را به پیامبر رسانیدند رسول خدا آنها را بوسید و به خود چسبانید و بر سر زانوهای خود جای داد و سپس دستور داد تا اجزای انگوها را از هم جدا نمودند و اهل صفه را که دسته‌ای از مهاجرین فقیر و بدون خانه بودند احضار کرده و آنها را بین ایشان تقسیم نمود و بعد از آن افرادی از اهل مدینه را که لباسی برای ستر عورت خود نداشتند خبر نمود و پرده را به تکه‌های مساوی - هر تکه به اندازه یک لنگ کوچک - تقسیم کرده به ایشان عطا کرد و به زنان دستور داد در حال نماز، پیش از



مردان سر از رکوع و سجده بردارند زیرا مردان به علت کوچکی آن لنگی که عورت آنها را می پوشانید هر گاه به رکوع و سجده می رفتند عورت ایشان از پشت دیده می شد.

و پس از این جریان رسول خدا فرمود: خدا فاطمه را رحمت کند، خدا در مقابل این پرده ای که او در راه خداوند انفاق نمود از لباسهای بهشتی و در عوض این دو انگویی که داد از زیورهای بهشت به او عطا می نماید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَرَادَ السَّفَرَ سَلَّمَ عَلَيَّ مَنْ أَرَادَ التَّسْلِيمَ عَلَيَّ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ يَكُونُ آخِرَ مَنْ يُسَلِّمُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ ع فَيَكُونُ وَجْهَهُ إِلَى سَفَرِهِ مِنْ بَيْتِهَا وَإِذَا رَجَعَ بَدَأَ بِهَا فَسَافِرٌ مَرَّةً وَ قَدْ أَصَابَ عَلِيٌّ ع شَيْئًا مِنَ الْغَنِيمَةِ فَدَفَعَهُ إِلَيَّ فَاطِمَةَ فَخَرَجَ فَأَخَذَتْ سَوَارِينَ مِنْ فِصَّةٍ وَ عَلَّقَتْ عَلَيَّ بِأَبِهَا سِتْرًا فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَتَوَجَّهَ نَحْوَ بَيْتِ فَاطِمَةَ كَمَا كَانَ يَصْنَعُ فَقَامَتْ فَرِحَةً إِلَى أَبِيهَا صَبَابَةً وَ شَوْقًا إِلَيْهِ فَتَنَظَّرَ فَإِذَا فِي يَدَيْهَا سَوَارِينَ مِنْ فِصَّةٍ وَ إِذَا عَلَيَّ بِأَبِهَا سِتْرٌ فَقَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَيْثُ يُنْظَرُ إِلَيْهَا فَبَكَتْ فَاطِمَةُ وَ حَزِنَتْ وَ قَالَتْ مَا صَنَعَ هَذَا بِي قَبْلَهَا فَدَعَتِ ابْنَيْهَا فَتَزَعَتِ السِّتْرَ مِنْ بَابِهَا وَ خَلَعَتِ السَّوَارِينَ مِنْ يَدَيْهَا ثُمَّ دَفَعَتِ السَّوَارِينَ إِلَيَّ أَحَدَهُمَا وَ السِّتْرَ إِلَى الْآخِرِ ثُمَّ قَالَتْ لَهُمَا انْطَلِقَا إِلَى أَبِي فَاقْرَأَاهُ السَّلَامَ وَ قُولَا لَهُ مَا أَحَدْتُنَا بَعْدَكَ غَيْرَ هَذَا فَشَأْنَكَ بِهِ فَجَاءَاهُ فَأَبْلَغَاهُ ذَلِكَ عَنْ أُمَّهُمَا فَقَبَّلَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ التَّرْمَهُمَا وَ أَقْعَدَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَيَّ فَخَذَهُ ثُمَّ أَمَرَ بِذَيْنِكَ السَّوَارِينَ فَكَسَّرَا فَجَعَلَهُمَا قِطْعًا ثُمَّ دَعَا أَهْلَ الصُّفَّةِ وَ هُمْ قَوْمٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَنَازِلُ وَ لَا أَمْوَالٌ فَقَسَّمَهُ بَيْنَهُمْ قِطْعًا ثُمَّ جَعَلَ يَدْعُو الرَّجُلَ مِنْهُمْ الْعَارِيَّ الَّذِي لَا يَسْتَتِرُ بِشَيْءٍ وَ كَانَ ذَلِكَ السِّتْرَ طَوِيلًا لَيْسَ لَهُ عَرَضٌ فَجَعَلَ يُورِزُ الرَّجُلَ فَإِذَا التَّقِيَا عَلَيْهِ قَطَعَهُ

حَتَّى قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ أَزْرًا ثُمَّ أَمَرَ النِّسَاءَ لَا يَرْفَعْنَ رُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ
السُّجُودِ حَتَّى يَرْفَعَ الرَّجَالُ رُءُوسَهُمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا مِنْ صِغَرِ إِزَارِهِمْ
إِذَا رَكَعُوا وَ سَجَدُوا بَدَتْ عَوْرَتُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ ثُمَّ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ أَنْ لَا
يَرْفَعُ النِّسَاءُ رُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ حَتَّى يَرْفَعَ الرَّجَالُ ثُمَّ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ فَاطِمَةَ لَيْكُسُونَهَا اللَّهُ بِهَذَا السُّتْرِ مِنْ كِسْوَةِ
الْجَنَّةِ وَ لِيَحْلِيَنَّهَا بِهَذَيْنِ السَّوَارِيْنِ مِنْ حَلِيَةِ الْجَنَّةِ^۱

وصیت در مورد فرزندان

حضرت فاطمه نگران فرزندانش بعد از خود است لذا به حضرت علی وصیت کرد که ای ابالحسن! من تو را به خدا می سپارم و در باره فرزندانم سفارش به نیکو کاری دارم.

وَ أَنَا أَسْتَدْعُكَ اللَّهُ تَعَالَى وَ أَوْصِيكَ فِي وُلْدِي خَيْرًا^۲

سفارش به ازدواج با امامه^۳ به خاطر مهربانی اش با فرزندان

حضرت فاطمه در یک تصمیم بسیار منطقی بدور از احساسات در مورد زندگی پس از خود نیز به حضرت علی همسرش وصیت می کند که با چه کسی ازدواج کند که هم به حضرت علی و هم به فرزندانش دلسوز و مهربان باشد. حضرت فاطمه در یکی از وصیت های خود درباره ازدواج علی با امامه

^۱ . بحار الانوار ج ۴۳ ص ۸۴.

^۲ . عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۱۱۰ و بحار الانوار ج ۷۹ ص ۲۷.

^۳ . حضرت امیر به این وصیت همسرش عمل کرد و بعد از نه روز از رحلت حضرت فاطمه طبق وصیت، حضرت علی از امامه خواستگاری کرد و امامه همان است که بعد از شهادت حضرت امیر معاویه خواستگار او شد و وی امتناع کرد، به خاطر وصیت حضرت امیر که فرموده بود با معاویه ازدواج نکن و غیر او هرکس را می خواهد اختیار کند. (علامه محمد باقر کجوری مازندرانی، خصایص فاطمیه ص ۵۴۰).



دختر خواهرش سخن گفته و فرمود: ای پسر عموی پیامبر! خداوند تو را پاداش نیکو دهد. اولین وصیت من به تو این است که چون مردان نیاز به زنان دارند، پس از من با دختر خواهرم امامه ازدواج کن زیرا او همانند من به فرزندانم مهربان است.

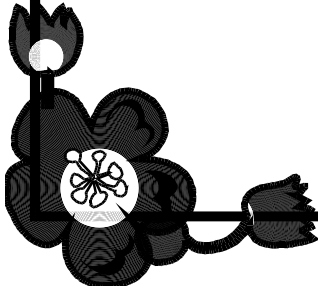
ثُمَّ قَالَتْ جَزَاكَ اللَّهُ عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ يَا ابْنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ أَوْصِيكَ أَوْلَا
 أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِابْنَةِ أُخْتِي أُمَامَةَ فَإِنَّهَا تَكُونُ لِي مِثْلِي فَإِنَّ
 الرِّجَالَ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ^۱

^۱ . بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۹۲ و نهج الحياه ص ۳۶۵.



فصل پنجم

سبک و تهیه خوراک حضرت زهرا



مقدمه

در تعریف سبک زندگی گفته شد، که یکی از امور مهم در سبک زندگی، مساله خوراک است. در خوراک مباحث چون شیوه تهیه، طریق پختن و صرف کردن، مواد مورد مصرف و... مطرح است که در این فصل به این بحث تا جایکه گزارش شده است پرداخته می‌شود.

غذایی خانواده حضرت علی و فاطمه

حضرت فاطمه غذایی بسیار ساده، طبیعی و سالم برای خانواده خود آماده می‌کرد. این غذای ساده شامل اقلام اساسی ذیل بود.

سبزیجات

یکی از مواد اصلی غذای خانواده حضرت فاطمه را سبزی تشکیل می‌داد. از میان سبزی‌ها حضرت پیامبر به کاسنی، حضرت علی به ریحان و حضرت فاطمه به خرفه علاقه‌ی زیاد داشت. بنی امیه به خاطر دشمنی که نسبت به فاطمه و فرزندان او داشتند آن را «بقله الحمقاء» نام کرده بودند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «بَقْلَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْهِنْدَبَاءُ، وَبَقْلَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَاذْرُجُ، وَبَقْلَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ الْفَرْفَخُ»^۱ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَيْسَ عَلَيَّ وَجْهِ

^۱ . الكافي ج ۱۲ ص ۵۷۸.



الْأَرْضِ بِقَلَّةٍ أَشْرَفَ وَلَا أَنْفَعَ مِنَ الْفَرْخِ وَهِيَ بِقَلَّةٍ فَاطِمَةَ عَ ثُمَّ قَالَ
لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمِّيَّةٍ هُمْ سَمَّوْهَا بِقَلَّةٍ الْحَمَقَاءِ بُعْضًا وَعَدَاوَةً لِفَاطِمَةَ ع^۱

خرما

یکی از غذاهای که در خانواده حضرت زهرا زیاد مصرف می‌شد خرما بود. در خانواده حضرت زهرا گاه دهان نوزاد با خرما شیرین می‌شد، از مهمان با خرما پذیرایی می‌شد، خود خرما می‌خورد و خرما را بهترین هدیه می‌دانست. قالت فاطمه نعم تحفه المومن التمر، یعنی برای مومن خرما هدیه خوبی است.^۲ در ولیمه عروسی نیز از خرما استفاده کردند.

علی ع فرمود: در ولیمه حضرت زهرا من خرما و روغن خریداری کردم.

قَالَ عَلِيٌّ... فَاشْتَرَيْتُ تَمْرًا وَسَمْنًا^۳

گاهی وقتی حضرت علی به صورت خانوادگی در صحرا می‌رفتند خرما می‌خوردند. در حدیث آمده است که روزی حضرت علی همراه همسرش فاطمه در صحرا خرما می‌خوردند آنگاه بین هر دو مفاخره شروع شد که در حدود پنج صفحه مطلب در قالب مفاخره هر دو بیان داشتند.

أَنَّ الْإِمَامَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ هُوَ وَرَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ ع
يَأْكُلَانِ تَمْرًا فِي الصَّحْرَاءِ إِذْ تَدَاعَيَا بَيْنَهُمَا بِالْكَلَامِ^۴

گوشت

^۱ . المحاسن ج ۲ ص ۵۱۷، الکافی ج ۶ ص ۳۶۷.

^۲ . نهج الحیاه ص ۵۳.

^۳ . الامالی للطوسی ص ۴۳.

^۴ . الفضایل لابن شاذان ص ۸۰.



یکی از غذاهای که در خانه علی و فاطمه گاهی مصرف می‌شد گوشت بود. در روایتی از امام باقر ع روایت شده است که حضرت فرمود: فاطمه نماز می‌خواند و در آنجا ظرفی روپوشیده وجود داشت که وقتی حضرت از نماز فارغ گشت آن ظرف که در آن نان و گوشت بود حاضر کرد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: ... وَ فَاطِمَةَ تُصَلِّي وَ بَيْنَهُمَا شَيْءٌ مُعْطَى فَلَمَّا فَرَعَتْ أَحْضَرَتْ ذَلِكَ الشَّيْءَ فَإِذَا جَفْنَةٌ مِنْ خُبْزٍ وَ لَحْمٍ^۱

گوشت گاهی مصرف خانوادگی داشت و گاهی برای مهمان و گاهی هم در ولیمه.

در روایتی از امام علی ع آمده است که در ولیمه حضرت فاطمه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من گفت: ای علی! گوشت و نان را من می‌دهم.

قَالَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ثُمَّ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): يَا عَلِيُّ! عِنْدَنَا اللَّحْمُ وَ الْخُبْزُ^۲

در داستانی در همین کتاب می‌خوانید که روزی حضرت پیامبر بصورت خانوادگی همراه علی و فاطمه و فرزندان خود در نخلستانی برای تفریح رفتند و گوسفندی را کباب کردند. (از روایات استفاده می‌شود که گوشت در منزل حضرت علی و فاطمه به سه صورت مصرف می‌شد یکی بصورت کباب و دیگری بصورت آبگوشت و سومی هم بصورت حلیم) حضرت پیامبر سردست گوسفند را بیشتر دوست داشت و در روایات توصیه شده است که در هفته دو تا سه بار گوشت بخورید و نباید بیش از چهل روز از خوردن گوشت اجتناب گردد.

^۱ . تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۷۱ و بحار الانوار ج ۱۴ ص ۱۹۸.

^۲ . الامالی للطوسی ص ۴۳.



آبگوشت (شوربا)

از جمله غذاهای که در خانه حضرت فاطمه تهیه و صرف می‌شد آبگوشت بود. روزی حضرت فاطمه آبگوشت پخته بود و حضرت پیامبر نیز دعوت بود و حضرت برای پربرکت شدن غذا دعا کرد و بعد به حضرت فاطمه دستور داد برای همه زنان پیامبر غذا بکشد و بعد از آن دستور داد برای شوهرت و پدرت غذا بکش و آن گاه دستور داد برای همسایه گان خود غذا بفرست حضرت فاطمه برای همسایه گانش غذا فرستاد که همسایه گان از آن غذا تا چندین روز استفاده می‌کردند.

... فَمَا زَالَتْ تُعْرِفُ حَتَّى وَجَّهَتْ إِلَى نِسَائِهِ التَّسْعِ قُرْصَةً قُرْصَةً وَ مَرَقًا. ثُمَّ قَالَ: اغْرِفِي لِأَبِيكَ وَ بَعْلِكَ، ثُمَّ قَالَ: اغْرِفِي وَ كَلِي وَ أَهْدِي لِجَارَاتِكَ، فَفَعَلَتْ وَ بَقِيَ عِنْدَهُمْ أَيَّامًا يَأْكُلُونَ^۱.

حبوبات

یکی از اقلام اساسی که در خانواده حضرت فاطمه مصرف داشت حبوبات بود. در روایاتی زیادی از کثرت استفاده از جو توسط حضرت علی گزارش شده است. در کنار جو، ذرت، گندم، عدس و... نیز در روایات آمده است که در خانواده حضرت علی و فاطمه مورد استفاده بوده است.

جو

یکی از غذاهای اصلی خانواده حضرت زهرا را جو و نان جوین تشکیل می‌داد. در روایت آمده است که هرگاه پیامبر فاطمه را می‌دید خوشحال می‌شد لذا یکی از اصحاب پیامبر به سوی خانه فاطمه روان گردید چون بر در خانه آن

^۱ . قرب الاسناد ص ۳۲۶.

حضرت رسید مشاهده نمود که وی مشغول آسیاب کردن جو می‌باشد و آیه ۶۰ سوره قصص را می‌خواند و به حضرت فاطمه سلام کرد.

وَ كَانَ النَّبِيُّ إِصْ إِذَا رَأَى فَاطِمَةَ عَ فَرِحَ بِهَا فَانْطَلَقَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ إِلَيَّ
بَابِ بَيْتِهَا فَوَجَدَ بَيْنَ يَدَيْهَا شَعِيرًا وَ هِيَ تَطْحَنُهُ وَ تَقُولُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ
خَيْرٌ وَ أَبْقَى فَسَلَّمَ عَلَيْهَا.^۱

ذرت (جواری)

یکی از غذاهای که در خانواده حضرت فاطمه مصرف می‌شد جواری بود. در روایت آمده است که علی ع روزی در بازار رفت و به مبلغ یک درهم مقداری گوشت خرید و همچنین به مبلغ یک درهم مقداری ذرت خریداری کرد و در خانه آورد و تقدیم حضرت فاطمه کرد.

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ السُّوقَ فَابْتَعْتُ لَحْمًا
بِذُرِّهِمْ وَ ذُرَّةً بِذُرِّهِمْ، فَأَتَيْتُ بِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ^۲

گندم

یکی دیگر از غذاهای مورد مصرف در خانواده حضرت فاطمه گندم بود. حضرت فاطمه خود گندم را آسیاب و آن را می‌پخت.

عدس

یکی از غذاهای که در خانواده حضرت فاطمه مصرف می‌شد عدس بود. در گذشته نیز این روایت را خواندیم که علی ع فرمود: پیامبر بر ما وارد شد در حالیکه فاطمه کنار دیک نشسته بود و من عدس پاک می‌کردم.

^۱ . تفسیر البرهان، ج ۳ ص ۳۷۱ و بحار الانوار ج ۸ ص ۳۰۳.

^۲ . قرب الاسناد ص ۳۲۶.



عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ فَاطِمَةُ جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقِدْرِ
وَ أَنَا أَنْقِي الْعَدَسُ^۱

حریره

یکی از غذاهای که در خانه حضرت فاطمه صرف می شد حریره بود. حریره غذایی است که با آرد و شیر یا روغن می پزند. در حدیثی از امّ ایمن آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روزی از روزها به منزل حضرت فاطمه علیها السلام نزول اجلال فرمود و حضرت فاطمه علیها السلام برای آن حضرت حریره درست کردند و حضرت علی علیه السلام طبقی نزد حضرت آوردند که در آن خرما بود، سپس امّ ایمن گفت: من نیز قدحی که در آن شیر و سر شیر بود را خدمتشان آوردم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین و فاطمه و حسنین علیهم السلام از آن حریره میل کرده و سپس همگی آن شیر را آشامیدند و پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و به دنبال آن حضرت ایشان از آن خرما و سر شیر تناول نمودند و بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست‌های مبارکشان را شستند در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام آب به روی دست‌های آن حضرت می ریختند.

قَالَتْ أُمُّ أَيُّمَنَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ ع فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ
فَعَمِلَتْ لَهُ حَرِيرَةً وَ أَتَاهُ عَلِيٌّ ع بِطَبَقٍ فِيهِ تَمْرٌ ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ أَيُّمَنَ فَأَتَيْتُهُمْ
بِعَسِّ فِيهِ لَبَنٌ وَ زُبْدٌ فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ
الْحُسَيْنُ ع مِنْ تِلْكَ الْحَرِيرَةِ - وَ شَرِبَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ شَرَبُوا مِنْ ذَلِكَ

۱. جامع الاخبار ص ۱۰۳.



اللَّبَنِ ثُمَّ أَكَلَ وَ أَكَلُوا مِنْ ذَلِكَ التَّمْرِ وَ الزُّبْدِ ثُمَّ غَسَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص
يَدَهُ - وَ عَلِيٌّ يَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءُ^۱

لبنیات

یکی از غذاهای که در خانواده حضرت فاطمه استفاده می‌شد لبنیات بود. در روایات سخن از شیر، سرشیر(قیماق)، کشک و ماست سخن گفته شده است که در خانواده حضرت فاطمه استفاده می‌شد. از روایات استفاده می‌شود که آب و شیر دو نوشیدنی محبوب خانواده حضرت فاطمه بود و همچنین در خانواده حضرت نمک دریا و عسل مورد استفاده بود.

میوه جات

از میوه‌های که حضرت فاطمه و اعضاء خانواده در درون خانواده مصرف می‌کردند عبارت بودند از به، سیب، انگور، انار، خربزه، هندوانه و...
به

یکی از میوه‌های که در خانواده حضرت فاطمه مصرف می‌شد به بود. در روایتی از سلمان فارسی آمده است که فرمود: خدمت حضرت فاطمه رفتم و سلام کردم حضرت فرمود: حسن و حسین گرسنه اند و بعد خدمت پیامبر بردم و حضرت بهی بسیار درشتی را دو نصف کرد و به هر دو نوه اش داد.

ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ ع [فَسَلَّمْتُ عَلَيْهَا] فَقَالَتْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ هَذَا
الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ جَائِعَانِ يَبْكِيَانِ خُذْ بِأَيْدِيهِمَا فَاخْرُجْ [بِهِمَا] إِلَى
جَدِّهِمَا فَاخْذُتْ بِأَيْدِيهِمَا وَ حَمَلْتُهُمَا حَتَّى أَتَيْتُ بِهِمَا [إِلَى] النَّبِيِّ ص

^۱ . کامل الزیارات ص ۲۶۲.



... فَتَنْظَرْتُ فَإِذَا سَفَرَجَلَةٌ فِي يَدِ رَسُولِ اللَّهِ ص ... فَصَيَّرَهَا نِصْفَيْنِ ثُمَّ
دَفَعَ نِصْفَهَا إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَى الْحُسَيْنِ نِصْفَهَا فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى
التَّصْفَيْنِ فِي أَيِّدِيهِمَا^۱

انار

یکی دیگر از میوه‌های که در خانواده حضرت فاطمه مصرف شده است انار است. روزی حضرت فاطمه بیمار بود حضرت علی بر بالین او نشست و به او دلداری داد و فرمود: محبوب دلم، میوه‌ی قلبم! آیا چیزی دلت می‌خواهد؟ حضرت فاطمه گفت، آری، علی جان! انار می‌خواهم. آنگاه علی بیرون آمد و به یک درهم اناری برای حضرت فاطمه تهیه کرد...^۲

سیب

میوه دیگری که در خانه حضرت فاطمه مصرف شد، سیب بود. روزی همه اعضاء خانواده نشسته بودند که جبرئیل امین نازل شد در حالیکه یک سیب بهشتی در دستش بود و آن را به اعضاء خانواده و پیامبر هدیه کرد.^۳

انگور و کشمش

در فصل اول نیز این روایت نقل شد که از حضرت امیرالمومنین روایت شده است: روزی فاطمه بیمار شد و پیامبر به عیادت دخترش آمد. حضرت فاطمه عرض کرد پدر جان! دلم غذای پاکیزه می‌خواهد. پیامبر یک سینی آورد که در آن مقداری کشمش، نان شیرینی، کشک و خوشه‌ی انگور بود و آن را در مقابل فاطمه گذارد. سپس رسول خدا دستش را به سوی سینی برده بسم الله

^۱ . ماه منقبه من مناقب امیرالمومنین والائمة ص ۱۶۲.

^۲ . موسوعه کلمات سیدتنا فاطمه الزهرا ص ۲۰۲.

^۳ . موسوعه کلمات سیدتنا فاطمه الزهرا ص ۲۰۶.

گفته فرمود: بخورید به نام خدا! فاطمه، رسول خدا، علی، حسن و حسین مشغول خوردن شدند.

وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَجَدَتْ عَلَّةً فَجَاءَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَائِدًا فَجَلَسَ عِنْدَهَا وَسَأَلَهَا عَنْ حَالِهَا فَقَالَتْ إِنِّي أَشْتَهِي طَعَامًا طَيِّبًا فَقَامَ النَّبِيُّ ص إِلَى طَاقٍ فِي الْبَيْتِ فَجَاءَ بِطَبَقٍ فِيهِ زَيْبُوبٌ وَكَعُكٌ وَأَقْطٌ وَقِطْفٌ عَنِيبٌ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيِ فَاطِمَةَ ع فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَهُ فِي الطَّبَقِ وَسَمَّى اللَّهَ وَقَالَ كُلُوا بِسْمِ اللَّهِ فَأَكَلَتْ فَاطِمَةُ وَرَسُولُ اللَّهِ ص وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.^۱

آداب غذا خوردن

غذا خوردن در هر جامعه‌ی دارای آداب خاص خود است. در فرهنگ اسلام غذا خوردن همراه با آداب دینی است که در آن هم به مسایل معنوی اشاره شده است و هم به مسایل اجتماعی، بهداشتی و اخلاقی. در این مورد روایتی از حضرت فاطمه نقل شده است و البته این روایت در برخی منابع از امام حسن مجتبی نیز نقل شده است اما در کتاب العوالم این حدیث را از حضرت فاطمه نقل کرده است که در مورد آداب صرف غذا حضرت فاطمه فرمود: در سفره غذا ۱۲ دستور العمل وجود دارد که سزاوار است هر مسلمانی آنها را بشناسد. ۴ تا واجب، ۴ تا مستحب، ۴ تا نشانه ادب و بزرگواری.

دستورالعملهای واجب صرف غذا

الف) شناخت و معرفت پروردگار

ب) راضی و خوشنود از نعمت الهی

ج) گفتن بسم الله در اول غذا

^۱. بحارالانوار ج ۴۳ ص ۷۸.



- (د) شکر و سپاس خدا در پایان
دستورالعملهای مستحب صرف غذا
(ف) وضو گرفتن قبل از غذا
(ب) نشستن به جانب چپ
(ج) غذا خوردن در حال نشسته
(د) با سه انگشت غذا خوردن
دستورالعملهای که نشانه ادب و بزرگواری است
(ف) خوردن از پیش روی خود
(ب) کوچک برداشتن لقمه ها
(ج) خوب جویدن غذا
(د) کم نگاه کردن به صورت دیگران در هنگام غذا خوردن.

فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعٌ
مِنْهَا فَرَضٌ وَأَرْبَعٌ سُنَّةٌ وَأَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَالرِّضَا وَ
التَّسْمِيَةُ وَالشُّكْرُ وَأَمَّا السُّنَّةُ فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَالْجُلُوسُ عَلَى
الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعَ وَلَعْقُ الْأَصَابِعِ وَأَمَّا التَّأْدِيبُ
فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيكَ وَتَضْعِيرُ اللَّقْمَةِ وَتَجْوِيدُ الْمُضْغِ وَقِلَّةُ النَّظَرِ فِي
وُجُوهِ النَّاسِ.^۱

در خانواده حضرت فاطمه غذا بصورت دسته جمعی صرف می شدند. قبل و
بعد از غذا دستها شسته می شد.

^۱ . عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۹۲۰ .

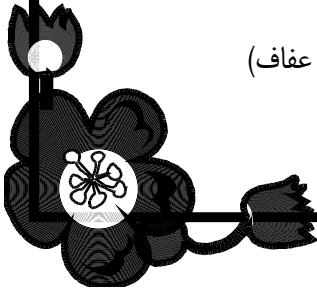


فصل هشتم:

سبک پوشش

حضرت زهرا

(حجاب و عفاف)





مقدمه

حجاب یکی از واجبات اسلام است. لازم است دختر وقتی به سن تکلیف می‌رسد بدن خود را به جز صورت، دست (از میچ دست تا سرانگشتان) و پشت پا سایر اعضاء بدن خود را بصورت کامل از مردان نامحرم بپوشاند. رعایت حجاب باعث مصونیت جامعه از آلودگی‌ها است. حضرت فاطمه همواره مواظب حجاب خود بود و به دیگران نیز سفارش می‌کرد که حجاب خود را بصورت کامل رعایت کند.

یادآوری این نکته نیز لازم است که حضرت فاطمه بهترین الگوی زنان مسلمان است، حضرت فاطمه با خارج از خانه قطع ارتباط نکرده بود بلکه حضرت یک بانوی اجتماعی بود، که تاریخ و روایات گواه این مطلب است و در این اثر نیز شما گوشه‌های از زندگی اجتماعی حضرت فاطمه را خواندید. حضرت فاطمه دعوت زنان را می‌پذیرفته و برای تهیه وسائل و نیازهای خود بخصوص زمانی که حضرت علی در خانه نبوده است بیرون می‌رفته، مرتب به خانه پدر رفت و آمد داشته، در جنگ احد همراه سایر زنان برای مداوای مجروحان در جبهه جنگ حضور یافته، در فتح مکه و حجه الوداع همراه پیامبر بوده، پس از شهادت حمزه پیوسته به احد می‌رفته و گاه برخی از یاران پیامبر را به حضور می‌پذیرفته اما در عین حال نسبت به مساله حجاب و عفاف خیلی حساس بوده است و سخت بر آن تکیه می‌کرده است.^۱

بحث عفاف و حیا با بحث حجاب خیلی نزدیک است. عفت، به معنی پارسایی و آن حالت نفسانی است که انسان را از غلبه‌ی شهوت باز دارد. قرآن به چند رفتار عقیفانه، از جمله رعایت عفت در گفتار، نگاه، شهوت، پوشش و

^۱ . محمد جواد طبسی، فاطمه الگوی حیات زیبا، ص ۷۶.



عفت در کردار - به ویژه در زنان - اشاره می کند و تاکید می فرماید: صحبت کردن زنان با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و نازک کردن صدا باشد و از هرگونه سخنان غیرضروری و بیهوده پرهیز شود.

در نگاه به نامحرم، زنان همانند مردان از چشم چرانی منع شده اند و باید از نگاه بد و هوس آلود چشم پوشی کنند؛ چرا که دیده به منزله ی دروازه ی دل است و اگر کنترل نشود، در کشاندن آن به سمت گناه نقش زیادی دارد.

قرآن زنان را مکلف می کند جاذبه ها و زینت های ظاهری و باطنی خود را آشکار نکنند، مگر آن چه نمایان است. آن ها باید پوششی مناسب که تمام گردن و سینه و اندام ها و زینت های پنهان آن ها را مستور کند داشته باشند که موجب تهییج شهوت مردان و در نتیجه آزار و اذیت خود توسط افراد بیماردل نشود.

کردار و راه رفتن آن ها نیز باید به دور از جلوه، خودنمایی و جلب توجه باشد. در نظام مقدس اسلام، این امور کاملاً حکیمانه و به مصلحت زن و اجتماع وضع گردیده است. با دقت در سیره ی حضرت زهرا(س)، آن اسوه ی به تمام معنا، در می یابیم که ایشان آئینه ی تمام نمای حجاب و عفاف اسلامی است. زنان با الگوگیری از آن حضرت در رعایت حجاب و عفاف و پوشش کامل و داشتن رفتاری به دور از خودآرایی و خودنمایی، می توانند آرامش و آسایش و امنیت خود، خانواده و جامعه را به ارمغان بیاورند و از گسیختگی بنیان خانواده جلوگیری کنند و مانع بسیاری از فتنه ها که ریشه در عدم رعایت و حفظ حریم عفاف دارد، گردند.

پاگدامنی یکی از ویژگی های مومن

قرآن یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را، عفاف و پاک دامنی می داند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛^۱ آنان [مومنان] کسانی هستند که دامن خویش را از بی عفتی حفظ می کنند».

عفت در گفتار

در آیه ی ۳۲ سوره ی احزاب، درباره ی وظایف زنان در لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم آمده است: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند».

خضوع در این جا به معنای این است که زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف نکنند و با ناز و کرشمه سخن نگویند تا مردان بیماردل را دچار ریبه و خیال های شیطانی کنند و شهوت آن ها را برانگیزانند. منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوت باز می دارد.

و «قولاً معروفاً» یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد.

این آیه اشاره به کیفیت و محتوای ۱۳ سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشوهِ دارد و صحبت کردن با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد. همچنین بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیرضروری و شهوت انگیز تأکید دارد و متذکر می گردد در صورت عدم رعایت این امر ممکن است در اثر نمایش جاذبه های زنانه و سخنان هوس آلود، افرادی که از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی - که در اثر ضعف

^۱. مومنون آیه ۵.



یا فقدان ایمان است - برخوردار نباشند به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه را به خطر بیندازند. نقل است که هرگاه کسی به در خانه ی حضرت زهرا(س) می آمدند حضرت برای پاسخ به فرد پشت در، دستان مبارک خود را در دهان قرار می دادند تا با تغییر لحن صدای خویش فرد را از لغزش گناه دور کنند. همچنین روایت شده حضرت در هنگام سخن رانی کوبنده ی خویش در مسجد، لحن صدای خویش را به حالت بم تغییر داده بودند و این گونه در گفتار عفت پیشه می کردند.

عفت در نگاه

در آیه ی ۳۱ سوره ی نور که به سوره ی عفت و پاک دامنی و حجاب معروف است، به چندین رفتار عقیفانه اشاره می شود که یکی از آن ها وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ به زنان مؤمن بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند.» همچنین در آیه ی دیگری می فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ به مردان مؤمن بگو از بعضی نگاه های خود (نگاه های غیرمجاز) چشم پوشی کنند.» در شأن نزول این آیات آمده: جوانی در بین راه، زنی را می بیند و به او چشم می دوزد و به دنبال او به راه می افتد. طوری غرق نگاه بوده که صورتش به دیوار برخورد می کند و مجروح می شود، نزد رسول خدا(ص) می رود و ماجرای خود را نقل می کند و این آیه نازل می گردد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: اسْتَقْبَلَ شَابٌّ مِنَ الْأَنْصَارِ امْرَأَةً
بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ النِّسَاءُ يَتَّقْنَ خَلْفَ آذَانِهِنَّ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَهِيَ
مُقْبِلَةٌ فَلَمَّا جَارَتْ نَظَرَ إِلَيْهَا وَدَخَلَ فِي رُقَاقٍ قَدْ سَمَّاهُ بِنَبِي

فُلَانٍ فَجَعَلَ يَنْظُرُ خَلْفَهَا وَ اعْتَرَضَ وَجْهَهُ عَظْمٌ فِي الْحَانِطِ أَوْ
 زُجَاجَةٌ فَشَقَّ وَجْهَهُ فَلَمَّا مَضَتِ الْمَرْأَةُ نَظَرَ فَإِذَا الدِّمَاءُ تَسِيلُ
 عَلَى صَدْرِهِ وَ تَوْبَهُ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَا تَيِّبَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ لِأَخْبِرَنَّهُ
 قَالَ فَاتَّاهُ فَلَمَّا رَأَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ لَهُ مَا هَذَا فَأَخْبَرَهُ فَهَبَطَ
 جَبْرِيْلُ ع بِهَذِهِ الْآيَةِ- فُلٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُّوْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ
 يَحْفَظُوْنَ فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ^۱

«یغضض» از ماده ی «غض» به معنای کاهش و کم کردن نگاه است و منظور، چشم پوشی از نگاه حرام و غیرضروری و شهوت آلود است. در لزوم عفت و پاک دامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد، فرقی نیست. بدین ترتیب همان گونه که چشم چرانی بر مردان حرام است، بر زنان نیز حرام است.

نیکویی برای زنان از نظر حضرت زهرا

حضرت علی می‌فرماید: خدمت پیامبر گرامی بودیم آن حضرت پرسید: چه چیز برای زنان نیکو و رواست؟ حضرت فاطمه پاسخ دادند: آن چه برای زنان نیکوست این است که {بدون ضرورت و نیاز} مردان نا محرم را نبینند و نامحرمان نیز او را ننگرند.

قالت: خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال.^۲

خشنودی حضرت فاطمه(س) از محول شدن انجام کارهای خانه و معاف شدن از کار در بیرون منزل در تقسیم کار توسط حضرت رسول ص به اوج عفت و حیای ایشان در خودداری از اختلاط با مردان و محفوظ ماندن از نامحرمان اشاره دارد.

^۱ . الکافی ج ۵ ص ۵۲۱.

^۲ . نهج الحیاه ص ۱۶۰.



عفت در پوشش

مسئله‌ی حجاب و پوشش زن و مستور نمودن زینت‌های ظاهری و باطنی وی، اهمیت بسیاری دارد. خداوند حکیم به دنبال آیه‌ی مذکور و در چند جای دیگر قرآن، به این موضوع با تعبیر مختلف اشاره کرده و زنان را از هتک حرمت خود با بدحجابی و بی‌حجابی و خودآرایی و خودنمایی در برابر نامحرم نهی فرموده است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»^۱ زنان را مکلف می‌کند که نباید جاذبه‌ها و زینت‌های - ظاهری و باطنی - خود را آشکار سازند، مگر آن مقدار که طبیعتاً نمایان است.

کلمه‌ی «ابداء» به معنای اظهار و آشکار کردن است. اما آن چه از زینت‌های ظاهری، پوشاندنش استثناء شده، صورت و دو دست است. بنابراین، مقتضای آیه، نهی از خودنمایی و آشکار نمودن زینت‌های شهوت‌انگیز و جلوه‌نمایی اندام‌های نهان زنان است. در جمله «وَلِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» توصیه می‌فرماید: زنان باید سرپوش‌ها و روسری‌های خود را بر گردن انداخته و حایل قرار دهند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه‌ی آن‌ها نیز پوشیده شود).

«خُمُر» جمع خمار، به معنای جامه و پوششی است که زنان سر و موی خود را با آن می‌پوشانند. و «جیوب» جمع جیب، به معنای گریبان و سینه است.

بنابر نقل تواریخ، رسم بر این بود که زنان عرب معمولاً لباس‌هایی می‌پوشیدند که یقه‌ی پیراهن و گریبان‌های شان باز بود و دور گردن و سینه را

^۱. نورآیه ۳۶.

نمی پوشانید. روسری را هم از پشت سر می انداختند، به طوری که گوش، جلوی سینه و گردن آن ها نمایان می گشت.

لذا این آیه نازل شد که باید پوشش ها و روسری ها، از دو طرف، روی سینه و گریبان افکنده شود تا قسمت های یاد شده، پوشیده گردد. این آیه، با اشاره به کیفیت پوشش و حجاب زنان، روشن می سازد که آنان باید تمام اندام و سر و سینه و گردن و موهای خود را در برابر نامحرم بپوشانند و در پوشاندن خویش نهایت عفاف را رعایت کنند.

از آن چه گفته شد، روشن می گردد که منظور از «جلباب»، پوششی وسیع تر از خمار است که همان چادر و حداقل، شبیه چادر - مقنعه ی بلند و چادر کوتاه - است.

اهمیت حضرت فاطمه به حجاب

جابر بن عبد الله انصاری گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی خانه فاطمه علیها السلام رفت و من هم با او همراه بودم، پس هنگامی که به در خانه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زد و گفت: السلام علیکم.

فاطمه گفت: علیک السلام، ای رسول خدا! سؤال فرمود: داخل شوم؟ پاسخ داد: داخل شوید ای رسول خدا.

پیامبر فرمود: آیا با این شخصی که همراه من است داخل شوم؟

فاطمه گفت: ای رسول خدا! من مقنعه ای بر سر ندارم.

پیامبر فرمود: گوشه ملافه - یا روپوش - خود را مقنعه قرار بده و سرت را بپوشان. هنگامی که فاطمه چنان کرد، پیامبر مجددا سلام کرده اجازه ورود خواست و فاطمه گفت: ای رسول خدا! داخل شوید.

پیامبر گفت: بله، آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟



فاطمه گفت: بله. آن وقت جابر می گوید من همراه رسول خدا وارد خانه حضرت فاطمه گردیدیم.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُرِيدُ فَاطِمَةَ عَ وَ أَنَا مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَدَفَعَهُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلْ قَالَتْ أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلْ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ عَلَيَّ قِتْنَاعٌ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ خُذِي فَضْلاً مِلْحَفَتِكَ فَتَقْبِعِي بِهِ رَأْسَكَ فَفَعَلْتُ ثُمَّ قَالَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ فَقَالَتْ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدْخُلْ قَالَتْ نَعَمْ أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ قَالَتْ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ جَابِرٌ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ دَخَلْتُ أَنَا^۱

حجاب حضرت زهرا حتی برای نابینایان

امام زین العابدین از پدران خود روایت کرده است که شخصی نابینایی از حضرت فاطمه اجازه ورود خواست، حضرت فاطمه حجابش را رعایت کرد آنگاه حضرت رسول فرمود: دخترم! آن شخص که نابینا است و نمی تواند شما را ببیند چرا حجاب کردی؟ حضرت فاطمه در پاسخ پدر فرمود: ای رسول خدا! او مرا نمی بیند اما من او را می بینم، و او بوی مرا حس می کند. رسول خدا فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن منی.

عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص اسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا أَعْمَى فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ ص لِمَ حَجَبْتِهِ وَ هُوَ لَا يَرَاكَ

^۱ . اصول کافی ج ۵ ص ۵۲۸.

فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لَمْ يَرَانِي [يَرِنِي] فَأَنَا أَرَاهُ وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ فَقَالَ
النَّبِيُّ: صَ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَصْعَةٌ مِنِّي.^۱

رعایت عفت و حجاب

اسماء بنت عمیس نقل می‌کند: روزهای آخر زندگانی حضرت زهرا با او بودم روزی مرا به یاد کیفیت حمل جنازه توسط مردم انداخت، و ابراز نگرانی فرمود: که چرا جنازه زن را روی تخته‌ای می‌گذارند و بالای دست مردان و زنان حمل می‌شود؟

حضرت زهرا فرمود: من بسیار زشت می‌دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می‌افکنند، که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می‌دهد، مرا بر روی تابوت آن چنانی نگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد. اسماء می‌گوید: من خدمت حضرت توضیح دادم که چگونه در سرزمین حبشه تابوت درست می‌کنند که بدن میت را می‌پوشاند و سپس به وسیله چوب‌های تر و شاخه‌های نازک درخت شکل آن را ترسیم کردم حضرت زهرا خوشحال شده فرمود: ای اسما! برای من تابوتی مثل آن درست کن تا مرا بپوشاند خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید.^۲

فَاطِمَةَ عِ إِنَّهَا اشْتَكَّتْ شَكْوَتَهَا الَّتِي قُبِضَتْ فِيهَا وَ قَالَتْ لِأَسْمَاءَ... أ
لَا تَجْعَلِي لِي شَيْئًا يَسْتُرْنِي قَالَتْ أَسْمَاءُ إِنِّي كُنْتُ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ
رَأَيْتُهُمْ يَصْنَعُونَ شَيْئًا أَفَلَا أَصْنَعُ لَكَ فَإِنْ أَعْجَبَكَ صَنَعْتُ لَكَ قَالَتْ
نَعَمْ فَدَعَتْ بِسَرِيرٍ فَأَكْبَتْهُ لَوَجْهِهِ ثُمَّ دَعَتْ بِجَرَائِدٍ فَشَدَّتْهُ عَلَى قَوَائِمِهِ

^۱ . الجعفریات ص ۹۵ و النوادر ص ۱۴.

^۲ . نهج الحیات ص ۸۸.



ثُمَّ جَلَلْتُهُ ثَوْبًا فَقَالَتْ هَكَذَا رَأَيْتُهُمْ يَصْنَعُونَ فَقَالَتْ اصْنَعِي لِي مِثْلَهُ
اسْتُرِينِي سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ.^۱

حجاب در بیرون از خانه

وقتی از جانب حاکمان وقت فدک که مال شخصی حضرت زهرا بود غصب شد، حضرت فاطمه خود را با چادری پیچیده با گروهی از زنان به جانب مسجد به راه افتادند. حضرت خود را سخت مستور داشته بود و همچون پیامبر خدا ص قدم بر می‌داشت، برای دور ماندن حضرت از نگاه نا محرمان پرده ای در مسجد آویخته شد و فاطمه در پس آن قرار گرفت. آنگاه حضرت سخنرانی معروفش را در آن مسجد در حضور حاکمان و شخصیت های سیاسی، اجتماعی، سران قبائل و... ایراد نمود...

لَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) إِجْمَاعُ أَبِي بَكْرٍ عَلَى مَنَعِهَا فِدَاكَ، وَ
انْصَرَفَ عَامِلُهَا مِنْهَا، لَأَنَّ خِمَارَهَا، ثُمَّ أَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ (اصحاب) مِنْ
حَفَدَتِهَا وَنِسَاءِ قَوْمِهَا، تَطَأُ دُبُولَهَا، مَا تَخْرِمُ مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، حَتَّى دَخَلَتْ...، فَنَيْطَتْ دُونَهَا مُلَاءَةً، ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ
أَجْهَشَ لَهَا الْقَوْمُ بِالْبُكَاءِ، ثُمَّ أُمِهَلْتُ حَتَّى هَدَأْتُ فَوْرَتُهُمْ، وَ سَكَنْتُ
رَوْعَتُهُمْ، وَ افْتَتَحَتِ الْكَلَامَ، فَقَالَتْ...^۲

نزدیکترین لحظه ی زن به خدا وقتی است که زن در خانه باشد

حضرت علی ناراحت در منزل وارد شد، حضرت فاطمه علت ناراحتی حضرت را پرسید و حضرت علی هم جواب داد که امروز

^۱ . تهذیب الاحکام ج ۱ ص ۴۶۹.

^۲ . دلائل الامامه ص ۱۱۱، بلاغات النساء ص ۲۳.

پیامبر از ما مساله ی را پرسید که ما جواب آن را نمی دانستیم. حضرت فاطمه پرسید آن مساله چه بود؟ حضرت فرمود پیامبر از ما پرسید که نزدیکترین زمان یک زن به خدا چه موقع است. حضرت فاطمه فرمود: آن لحظه ی که زن در خانه خود می ماند (و به کارهای خانه و تربیت فرزندانش می پردازد) نزدیکترین حالت زن به خدا است. علی آن را به پیامبر گفت و حضرت پیامبر فرمود: فاطمه درست گفته است و وی پاره تن من است و بر او سلام باد.

أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص دَخَلَ عَلَيْهَا عَلِيٌّ ع وَبِهِ كَأَبَةٌ شَدِيدَةٌ فَقَالَتْ مَا هَذِهِ الْكَأَبَةُ فَقَالَ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص عَنْ مَسْأَلَةٍ وَ لَمْ يَكُنْ عِنْدَنَا جَوَابٌ لَهَا فَقَالَتْ وَ مَا الْمَسْأَلَةُ قَالَ سَأَلْنَا عَنِ الْمَرْأَةِ ... فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا فَلَمْ نَدْرِ فَقَالَتْ اِرْجِعْ عَلَيْهِ فَأَعْلِمَهُ أَنَّ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ فَعَرَبَتِهَا فَانْطَلَقَ فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ ص ذَلِكَ ... فَقَالَ صَدَقَتْ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي عَلَيْهَا السَّلَامُ.^۱

حجاب حضرت فاطمه در نماز

چادر حجاب برتر است اما در نماز آنچه که واجب است پوشیدن بدن و موها است. حضرت فاطمه س مطابق روایات با روسری که بر سر می گذاشت نماز می خواند بدون اینکه از چادر در نماز استفاده کند. فضیل از امام باقر نقل می کند که فرمود: فاطمه در پیراهن خود نماز خواند، و روسری او مو و گوش هایش را پوشش می داد.

^۱ . الجعفریات ص ۹۵، النوادر للراوندی ص ۱۴.



وَرَوَى الْفُضَيْلُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ - صَلَّى فَاطِمَةُ ع فِي دُرْعٍ وَ خِمَارِهَا عَلَى رَأْسِهَا لَيْسَ عَلَيْهَا أَكْثَرُ مِمَّا وَارَتْ بِهِ شَعْرَهَا وَ أَدْنَيْهَا^۱

حجاب و حیای حضرت فاطمه

یکی از گوهر گرانبها برای انسان اعم از زن و مرد حیا است. حضرت فاطمه سوالات را از پدر پرسید از جمله اینکه انسان ها در قیامت چگونه برانگیخته می شود.

در روایتی از حضرت فاطمه نقل شده است که فرمود: روزی از پیامبر خدا پرسیدم: آیا اهل دنیا روز قیامت برهنه اند؟ پیامبر فرمود: آری ای دخترم. گفتم: آیا من هم برهنه ام؟ فرمود: آری شما هم، ولی آن جا کسی به کسی توجه ندارد. گفتم: واسواتاه، یومیذ من الله عزوجل. چقدر جای شرمندگی است، آن روز در مقابل خدای متعال. هنوز از محضر پدر بیرون نرفته بودم، که فرمود: اکنون جبریل آمده به من می گوید: ای محمد به فاطمه سلام برسان و بگو به جهت حیا و شرمت از خدا پرودگار وعده فرمود: که او را در روز قیامت به دو لباس از نور ببوشاند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ، ... قَالَتْ فَاطِمَةُ فَقُلْتُ يَا أَبَهُ أَهْلُ الدُّنْيَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عُرَاءٌ فَقَالَ نَعَمْ يَا بِنْتِي فَقُلْتُ لَهُ وَ أَنَا عُرْيَانَةٌ قَالَ نَعَمْ وَ أَنْتِ عُرْيَانَةٌ وَ إِنَّهُ لَا يَلْتَفِتُ فِيهِ أَحَدٌ إِلَى أَحَدٍ قَالَتْ فَاطِمَةُ ع فَقُلْتُ لَهُ وَ سَوَاتَاهُ يَوْمِيذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا خَرَجْتُ حَتَّى قَالَ لِي هَبْطِ عَلَيَّ جَبْرَيْلُ الرُّوحِ الْأَمِينِ ع فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَفَرَأَى فَاطِمَةَ السَّلَامِ وَ أَعْلَمَهَا أَنَّهَا اسْتَحْيَتْ مِنْ

^۱ . من لايحضره الفقيه، ج ۱ ص ۲۵۷.

اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَاَسْتَحَى اللَّهُ مِنْهَا فَقَدُ وَعَدَهَا أَنْ يَكْسُوَهَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُلَّتَيْنِ مِنْ نُورٍ^۱

حجاب ساده اما کامل

حضرت زهرا لباس ساده بر تن می‌کرد. همانگونه که گذشت حضرت زهرا در موقع عبادت و در مراسم‌ها لباس نو و مرتب می‌پوشید اما در هنگام کار لباس ساده بر تن می‌کرد. سلمان فارسی نقل می‌کند که روزی حضرت فاطمه را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سردارد. تعجب کردم و با خودم گفتم: عجب! دختران پادشاه قیصر و روم بر کرسیهای طلایی می‌نشینند و پارچه های زربافت به تن می‌کنند و این دختر رسول خدا است که نه چادر گرانبیامت بر سردارد و نه لباس زیبا. فاطمه در پاسخ فرمود: ای سلمان خداوند بزرگ لباسهای زینتی و تختهایی طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

يَا سَلْمَانَ إِنَّ اللَّهَ ذَخَرَ لَنَا الثِّيَابَ وَالْكَرَاسِيَّ لِيَوْمٍ آخِرٍ.^۲

اجتناب از جلب توجه

وظیفه ی دیگر زنان، پرهیز از اعمال و رفتارهای جلب توجه کننده و غیرعقیفانه است در قرآن کریم آمده است: «و لا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»^۳ هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت های پنهان شان دانسته شود و صدای زیورآلات شان از قبیل خلخال و دست بند و گوشواره به صدا در نیاید».

^۱ . کشف الغمه ج ۱ ص ۴۹۷.

^۲ . نهج الحیات ص ۱۶۲.

^۳ . نور ۳۱.



زنان باید در رعایت عفاف و پرهیز از امور جلب توجه کننده دقت لازم را بنمایند. نباید اعمال و رفتار بانوان در استفاده از وسایل زینتی و استعمال عطر و بوی خوش به گونه ای باشد که باعث جلب توجه نامحرم و عامل انحراف فکرها و تباهی دل ها گردد.

خداوند در آیه ی دیگری که مربوط به حرمت خودآرایی و خودنمایی است و این عمل زشت را جاهلانیه و همچون جاهلیت قدیم قبل از اسلام می شمارد، می فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ»^۱ و... [ای همسران پیامبر] در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید و...»

«تَبَرُّج» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است؛ همان طور که برج قلعه در برابر دیدگان مردم ظاهر است. مقصود از «جاهلیت اولی» جاهلیت قبل از پیامبر اکرم(ص) است که در آن عصر، وضعیت پوشش زنان، عقیفانه نبوده است.

آیه خطاب به زنان پیامبر اکرم(ص) است، اما طبق نظر مفسرین عمومیت دارد و شامل همه ی زنان می شود.

براساس این آیه، خودآرایی و خودنمایی زنان - که ویژگی فطری و مشترک میان زنان است - در برابر نامحرم، عمل جاهلانیه ای است که زنان عصر جاهلیت به آن گرفتار بودند و زنان مسلمان نباید زیر بار چنین ننگی بروند، بلکه باید این غریزه ی طبیعی را در پرتو ایمان و عفت، کنترل و تعدیل و در جهت مثبت آن (در برابر شوهر) به کار گیرند.

۱. احزاب ۳۳.

به طور یقین، با رعایت عفاف و حجاب، آثار و برکاتی از جمله بالا رفتن ارزش و احترام زن، آرامش روانی، پای بندی به خانواده و استحکام اجتماع به بار می نشیند.

آرایش برای نامحرمان

یکی از مسایل مهم که در مورد حجاب زنان مطرح است مساله آرایش است. از لحاظ دینی آرایش کردن زن برای شوهر مستحب و پسندیده است. اگر زنان در محافل زنانه آرایش کنند و در میان آنها باشند نیز اشکال ندارند. صورت دیگر این است که زنان برای مردان نامحرم آرایش کنند، خود را عطر بزنند و... این مورد حرام است. در روایتی که پیامبر در شب معراج رفت و زانی را دید که گوشت بدن خود را می خورد، آمده است که کسی که گوشت بدن خود را می خورد بدن خود را برای مردم می اراست.

وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُزَيِّنُ بَدَنَهَا لِلنَّاسِ.^۱

بد حجابها

امیر المومنین روایت می کند که روزی من همراه همسر حضرت فاطمه خدمت پیامبر رسیدیم، دیدیم حضرت پیامبر به شدت گریه می کند، عرض کردم پدر و مادرم به قربانت یا رسول الله! چه باعث شده است که اینقدر گریه می کنی؟ حضرت پیامبر فرمود: علی جان در شبی که به معراج رفتم گروهی از زنان امتم را دیدم که خیلی مورد عذاب بودند به این جهت گریه می کنم آنگاه حضرت پیامبر توصیف کرد زانی را که با موهایش آویزان بود و... حضرت فاطمه از پدر بزرگوارش پرسید پدر جان گناه این زنان چه بوده است که این

^۱ . عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۱.



گونه مورد عذاب بوده است. پیامبر در جواب دخترش فرمود: دخترم! آن که با مویش آویزان بود سر خود را از مردان نامحرم نمی‌پوشاند.

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ فَاطِمَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَوَجَدْتُهُ يَبْكِي بُكَاءً شَدِيداً فَقُلْتُ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِي أَبْكَاكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ فَأُكْرِثُ شَأْنَهُنَّ فَبَكَيْتُ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِنَّ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِشَعْرِهَا يُغْلَى دِمَاعُ رَأْسِهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِلِسَانِهَا وَ الْحَمِيمُ يُصَبُّ فِي حَلْقِهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِثَدْيَيْهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا وَ النَّارُ تُوقَدُ مِنْ تَحْتِهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً قَدْ شَدَّ رِجْلَاهَا إِلَى يَدَيْهَا وَ قَدْ سُلِّطَ عَلَيْهَا الْحَيَّاتُ وَ الْعَقَّارِبُ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً صَمَاءَ عَمِيَاءَ حَوْسَاءَ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ يَخْرُجُ دِمَاعُ رَأْسِهَا مِنْ مَنْخَرِهَا وَ بَدَنُهَا مُتَقَطَّعٌ مِنَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِرِجْلَيْهَا فِي تَنْوْرِ مِنْ نَارٍ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً تُقَطَّعُ لَحْمَ جَسَدِهَا مِنْ مُقَدَّمِهَا وَ مُؤَخَّرِهَا بِمَقَارِيضٍ مِنْ نَارٍ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً يُحْرَقُ وَجْهَهَا وَ يَدَاهَا وَ هِيَ تَأْكُلُ أَمْعَاءَهَا وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً رَأْسُهَا رَأْسُ الْخَنْزِيرِ وَ بَدَنُهَا بَدَنُ الْحِمَارِ وَ عَلَيْهَا أَلْفُ لَوْنٍ مِنَ الْعَذَابِ وَ رَأَيْتُ امْرَأَةً عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَ النَّارُ تَدْخُلُ فِي ذُبُرِهَا وَ تَخْرُجُ مِنْ فِيهَا وَ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ رَأْسَهَا وَ بَدَنَهَا بِمِقَامِعٍ مِنْ نَارٍ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع حَبِيبِي وَ قَرَّةُ عَيْنِي أَخْبَرَنِي مَا كَانَ عَمَلُهُنَّ وَ سِيرَتُهُنَّ حَتَّى وَضَعَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ هَذَا

الْعَذَابَ فَقَالَ يَا بُنَيَّتِي أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تُغَطِّي شَعْرَهَا
مِنَ الرَّجَالِ.^۱

^۱ . عيون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۱ .

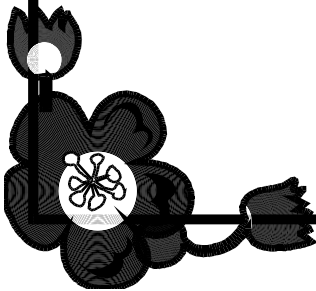




فصل هفتم:

برنامه زندگی و تفریح

در سیره حضرت زهرا





مقدمه

نظم و داشتن برنامه نقش بسیار برجسته در موفقیت انسان دارد. شایسته است کودکان در درون خانواده در فرایند جامعه پذیری با نظم و برنامه زندگی نیز آشنا گردد. مطابق سفارش که در روایات آمده است یک انسان مومن باید زندگی اش در همه جا و از جمله در درون خانواده دارای نظم و برنامه باشد، شخص مومن در کنار عبادت، کار و خواب باید یک بخش از زندگی خود را به تفریح اختصاص دهد. شایسته است انسان از افراط و تفریط همیشه اجتناب کرده و در همه حال از جمله در شادی و غم جانب اعتدال را گرفته و از حد شرع تجاوز نکند.

برنامه زندگی حضرت فاطمه

حضرت زهرا علاوه بر اینکه بخش از وقت خود را برای عبادت، خواندن قرآن و استراحت اختصاص داده بود در درون خانواده کارهای زیادی دیگری داشت که بخش عمده از وقتش صرف آن می شد از قبیل آرد کردن، غذا پختن، تربیت و رسیدگی به فرزندان، لباس شستن، لباس دوختن، وصله کردن لباس و کفش، رسیدگی به نیازهای شوهر، آب آوردن، علف دادن به حیوانات،^۱

^۱ . قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ لِبَاسِي فَوَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا لِي وَ لِعَلِيٍّ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ إِلَّا مَسَكُ كَبْشٍ تَعْلِفُ عَلَيْهَا بِالنَّهَارِ بَعِيرَنَا (بحارالانوار ج ۴۳ ص ۸۸)



تمیز کردن منزل، پاسخ به سوالهای شرعی زنان، آموزش احکام و قرآن برای خادمان و همسایه گان، تمرین سخنوری برای فرزندان و...

آموزش و پاسخ به سوالات زنان

یکی از برنامه‌های حضرت زهرا آموزش و پاسخ به سوالات مردم بود. در گذشته خواندیم که زنی خدمت حضرت فاطمه آمد و سؤالاتی مادرش را از حضرت پرسید و حضرت نیز پاسخ آن سوالات را با حوصله مندی داد. فضا خادم و شاگرد حضرت فاطمه بود که در خدمت حضرت فاطمه آموزش دیده بود و آن قدر به قرآن کریم مسلط شده بود که پاسخ سوالات مردم را با آیات قرآنی می‌داد.^۱ حضرت فاطمه همچنین به فرزندان خود آموزش خط، احکام، قرآن، سخنرانی، ورزش و... میداد که در روایات نمونه‌های آن آمده است.

سادگی و تفریح

^۱ نمونه از آن صحبت قرآنی در حدیث ذیل از ابوالقاسم قشیری نقل شده است و در کل بیست سال فضا پاسخ مردم را با آیات قرآن بیان می‌کرد: أَبُو الْقَاسِمِ الْقَشِيرِيُّ فِي كِتَابِهِ - قَالَ بَعْضُهُمْ انْقَطَعَتْ فِي الْبَادِيَةِ عَنِ الْقَافِلَةِ فَوَجَدَتْ امْرَأَةً فَقُلْتُ لَهَا مَنْ أَنْتِ؟ فَقَالَتْ: فُلٌّ سَلَامٌ فَسَوِّفَ يَعْلَمُونَ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهَا فَقُلْتُ مَا تَصْنَعِينَ هَاهُنَا؟ قَالَتْ مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ؛ فَقُلْتُ أَمِنْ الْجِرِّ أَنْتِ أَمْ مِنَ الْإِنْسِ؟ قَالَتْ: يَا بَنِي آدَمَ حُدُوا زِينَتَكُمْ؛ فَقُلْتُ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتِ؟ قَالَتْ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ فَقُلْتُ أَيْنَ تَقْضِينَ؟ قَالَتْ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ فَقُلْتُ مَتَى انْقَطَعْتَ؟ قَالَتْ وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ فَقُلْتُ أَتَشْتَهِينَ طَعَامًا؟ فَقَالَتْ وَ مَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ فَاطْعَمْتُهُمْ ثُمَّ قُلْتُ هَزُولِي وَ تَعَجَلِي قَالَتْ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا فَقُلْتُ أُرِدْفُكِ؟ فَقَالَتْ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَتَرَلْتُ فَأَرْكَبُهَا فَقَالَتْ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا فَلَمَّا أَدْرَكْنَا الْقَافِلَةَ قُلْتُ لَهَا أَلَيْكَ أَحَدٌ فِيهَا؟ قَالَتْ يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ بَايَعِي خِذِ الْكِتَابَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ فَصَحَّتْ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ فَإِذَا بِأَرْبَعَةِ سَبَابٍ مَتَوَجَّهِينَ نَحْوَهَا فَقُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ مِنْكَ قَالَتْ الْمَالُ وَ النُّونُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَلَمَّا أَوْتَاهَا فَقَالَتْ يَا أَسْبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ حَبْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتِ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ فَكَافُوِي بِأَسْبَاءٍ فَقَالَتْ وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ فَرَادُوا عَلَيْهِ فَسَأَلْتُهُمْ عَنْهَا فَقَالُوا هَذِهِ أُمَّتُا فَضَّةٌ جَارِيَةُ الرَّهْزَاءِ ع مَا تَكَلَّمْتُ مُنْذُ عَشْرِينَ سَنَةً إِلَّا بِالْقُرْآنِ (مناقش آل ابی طالب ج ۳ ص

دستور معصومان و پیشوایان مذهب این گونه است که از ما خواسته شده است تا در خوشحالی آنها خوشحال و در حزن و اندوه آنها اندوهگین باشیم. مذهب و دین اسلام هم شادی و خوشحالی دارد و هم حزن و اندوه. پیامبر گرامی اسلام برنامه زندگی یک انسان خردمند را اینگونه تقسیم می کند که بخشی را برای عبادت، زمانی را برای حسابرسی، زمانی را برای تفکر و زمانی را هم برای بهره بردن از خوشی‌های حلال اختصاص دهد، و اخیری مهم است زیرا زمان بهره بردن از خوشی‌ها یاری کننده دیگر زمان‌ها است و دل‌ها را آرام و فارغ میکند.^۱

بصورت مشخص در ابواب روایی ما از فرح، سرور، ضحک^۲، تبسم، مزاح^۳، دعابه^۴، حسن الخلق، انبساط وجه، نشاط، لعب و... سخن به میان آمده است و همچنین از ورزش‌ها و بازی‌های نام برده شده است که شادی آفرین است مانند کُشتی، شنا، تیراندازی، وزنه برداری، سواری و... در برخی دیگر از روایات به پدیده‌ها و عوامل شادی آفرین اشاره شده و از امور چون، استعمال بوی

^۱ . نگاه کنید به حکمت نامه پیامبر ج ۶ ص ۱۶۴.

^۲ . در قرآن کریم هم از ضحک مثبت و هم از ضحک منفی و مذموم سخن گفته شده است: ضحک مثبت: وَ امْرَأَتُهُ (زن حضرت ابراهیم) قَانِمَةً فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ. قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا (هود ۷۱) یا مثل آیه ۹ نمل فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا که اشاره به خنده حضرت سلیمان از گفته مورچگان دارد. خنده منفی: وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ (مومنون ۱۱۰ که اشاره به خنده منافقان و کافران به مومنان)

^۳ . در روایات فراوان از مزاح تمجید شده است اما از مزاح زیاد، مسخره کردن، مزاح همراه با دروغ و تحقیر دیگران نهی شده است.

^۴ . داستان معروف یونس شبیبانی که هم در آن دعابه و هم فرح و حسن خلق و سرور آمده است. عَنْ يُونُسَ الشَّيبَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ مُدَاعَبَةٌ بَعْضُكُمْ بَعْضًا قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُدَاعَبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتُدْخِلُ بِهَا الشُّرُوءَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُدَاعِبُ الرَّجُلَ بَرِيْدًا أَنْ يَسْرَهُ. (الكافي ج ۲ ص ۶۶۳)



خوش، نگاه به همسر زیبا، آمیزش، گفت و گو با دوستان،^۱ نگاه به سبزه، نگاه به آب جاری، نگاه به صورت زیبا^۲ و... نام برده شده است.

در خانواده حضرت فاطمه شادی، خندیدن، تفریح، جایگاه خاص و معتدلانیه داشت. در این امر شاد بودنش در محدوده شرع و معتدل بود نه افراط در آن راه داشت و نه تفریط. از آنجا که شادی و شاد بودن در زندگی به معنای رضایت مندی از زندگی است می‌توان گفت که حضرت فاطمه در کنار حضرت علی و فرزندان همیشه راضی و شاد بودند. در خانواده حضرت فاطمه شادی همیشه گی و آرامش حکم فرما بود.

خندیدن حضرت فاطمه و علی

در روایتی از ابن عباس آمده است که روزی حضرت پیامبر وارد خانه حضرت علی و فاطمه گردید و دید آن دو دارند می‌خندند، و وقتی پیامبر را دیدند ساکت شدند. پیامبر به آن دو فرمود: شما داشتید می‌خندیدید چه شد که وقتی مرا دیدید ساکت شدید؟ فاطمه فرمود: جانم به قربانت ای رسول خدا! این (اشاره به علی کرد) می‌گوید: من از تو در نزد رسول خدا محبوبترم و من گفتم: مرا پیامبر از شما بیشتر دوست دارد. رسول خدا تبسم کرد و فرمود: دخترم! دلسوزی پدر از آن تو است و علی از تو عزیزتر است.

دخل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم على علي وفاطمة وهما يضحكان، فلما رأيا النبي صلى الله عليه وآله وسلم سكتا. فقال لهما النبي صلى الله عليه وآله وسلم: ما لكما كنتما تضحكان فلما

^۱ . همه این عوامل در این دو کتاب ذکر شده است: المحاسن ص ۱۵، مکارم الاخلاق ص ۴۲.

^۲ . عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَجْلُونَ الْبَصَرَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ (الخصال ص ۹۲)

رایتمانی سکتما؟ فبادرت فاطمة فقالت: بأبي أنت يا رسول الله! قال هذا: أنا أحبّ إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منك، فقلت: بل أنا أحبّ إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منك. فتبسّم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وقال: يا بنيّة لك رقّة الولد، و عليّ أعزّ عليّ منك.^۱

همچنین آمده است که وقتی حضرت پیامبر به حضرت فاطمه مژده داد که وی بانوی زنان اهل بهشت است حضرت فاطمه با شنیدن آن خندید.^۲

کنار چشمه رفتن

تفریح کردن نیز در زندگی مشترک حضرت فاطمه و علی دیده شده است. هرچند از منظر امام علی بزرگترین تفریح کار است و این نوع تفریح همیشه در زندگی حضرت فاطمه وجود داشته است چون لحظه‌ی آن بزرگ وقت خود را هدر نداده و همیشه مشغول کار بود اما در عین حال گاهی خانواده حضرت فاطمه برای تفریح به دامن طبیعت و در کنار چشمه می‌رفتند. در روایت آمده است که شبی حضرت زهرا خواب دید که خارج از شهر رفته است و صبح همان شب که فاطمه خواب دیده بود حضرت پیامبر در حالیکه الاغی به همراه داشت نزد فاطمه آمد و دخترش را بر آن سوار نمود و فرمود که با علی، حسن و حسین و خود پیامبر از مدینه خارج شوند (و امروز را خارج از شهر در دامن طبیعت بگذرانند). آنان از شهر خارج شدند و در یک نخلستان و آب رسیدند و در آنجا پیامبر گوسفندی را خرید و دستور داد آن را ذبح و کباب کنند.

^۱ . عوالم العلوم، ج ۱۱ ص ۶۶۷.

^۲ . فرهنگ فاطمیه ص ۲۹۲.



فَلَمَّا أَصْبَحَتْ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِجِمَارٍ - فَأَزْكَبَ عَلَيْهِ فَاطِمَةَ وَ أَمَرَ أَنْ
يَخْرُجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع مِنَ الْمَدِينَةِ ... حَتَّى
انْتَهَوْا إِلَى مَوْضِعٍ فِيهِ نَخْلٌ وَ مَاءٌ - فَاشْتَرَى رَسُولُ اللَّهِ ص شَاةً
... فَأَمَرَ بِذَبْحِهَا فَذَبِحَتْ وَ شُوِيَتْ^۱

تفريح در صحرا

گاهی حضرت علی به صورت خانوادگی همراه با حضرت فاطمه در صحرا می‌رفتند. در حدیث آمده است که روزی حضرت علی همراه همسرش فاطمه در صحرا رفتند و در آنجا خرما خوردند آنگاه بین هر دو مفاخره شروع شد که مفاخره هر دو خیلی به درازا کشید.

أَنَّ الْإِمَامَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ هُوَ وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ ع
يَأْكُلَانِ تَمْرًا فِي الصَّحْرَاءِ إِذْ تَدَاعَيَا بَيْنَهُمَا بِالْكَلامِ^۲

شریک شادیهای دیگران

حضرت زهرا در شادیهای همسایه گان و خویشاوندان نیز شریک بود. در گذشته در بخش همسایه خواندیم که حضرت در عروسی یهودی‌ها شرکت کرد.

همچنین در شب عروسی حضرت فاطمه شاد بود و شعرهای در توصیف همسرش علی خواند. حضرت در روزهای شنبه پای مزار می‌رفت، با فرزندان خود بازی و شادی می‌کردند، شعر می‌خواندند. حضرت فاطمه بارها با حضرت علی هم مشاعره و هم مفاخره داشته است.

^۱ . تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۵۵.

^۲ . الفضایل لابن شاذان ص ۸۰.



هر هفته به زیارت قبور شهدا رفتن

از امام صادق ع روایت شده است که فرمود: حضرت فاطمه هر روز صبح شنبه به زیارت قبور شهدای احد می‌رفت و در میان آنها در کنار قبر حضرت حمزه توقف بیشتر می‌نمود و برای او طلب رحمت و مغفرت می‌کرد. (با توجه به اینکه فاصله خانه حضرت فاطمه تا قبرستان شهدای احد پنج و نیم کیلومتر است و هر هفته حضرت این فاصله را می‌پیموده است پس این فاصله زیاد است).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ ع كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ غَدَاةٍ سَبَّتِ قَبْرَ حَمَزَةَ وَ تَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ.^۱

رفتن برای مشاهده قربانی

حضرت فاطمه در مناسبت‌ها حیوانی را قربانی می‌کرد و روزی که حیوانی را می‌خواست قربانی کند حضرت پیامبر با خبر شد و به فاطمه فرمود: فاطمه جان! برو نزد قربانی خود و آن را ببین، زیرا با ریختن اولین قطره خون آن، همه گناهان گذشته تو آمرزیده می‌شود. فاطمه عرض کرد: ای رسول خدا! آیا این فقط برای ما است؟ پیامبر فرمود: برای ما و برای همه مسلمان‌ها است.

مسند فاطمة للسيوطي: يا فاطمة، قومي إلى اضحيّتك، فاشهديها، فإنّ لك بأوّل قطرة تقطر من دمها [أن] يغفر لك ما سلف من ذنوبك. قالت: يا رسول الله، هذا لنا خاصّة؟ قال: بل لنا، وللمسلمين عامّة^۲

^۱ . تهذيب الاحكام ج ۱ ص ۴۶۵.

^۲ . العوالم العلوم ج ۱۱ ص ۳۵۷.



و در روایتی دیگر این جمله افزوده شده است که دخترم وقتی قربانی ات را مشاهده کردی این دعا را بخوان:

إِنَّ صَلَاتِي وَنَسْكَي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (لا شريك له) وَبِذَلِكَ أَمَرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ.^۱

مشاهده کشتی گیری فرزندان

یکی از تفریح‌های سالم حضرت فاطمه مسابقه کشتی حسنین بود. در کتاب ارشاد شیخ مفید و امالی شیخ طوسی نقل شده است که حسن و حسین کشتی گرفتند. پیامبر خدا فرمود: حسن! برو جلو. فاطمه ع گفت: ای پیامبر خدا! حسن را تشویق می‌کنی، با اینکه بزرگ تر است؟ پیامبر فرمود: من حسن را تشویق می‌کنم و جبرئیل، حسین را.

و رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ ع قَالَ
اصْطَرَعَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ع بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ
ص إِيهَآ حَسَنُ خُذْ حُسَيْنًا فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ع يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَسْتَنْهِيصُ
الْكَبِيرَ عَلَى الصَّغِيرِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص هَذَا جَبْرَيْلُ ع يَقُولُ لِلْحُسَيْنِ
إِيهَآ يَا حُسَيْنًا [حُسَيْنُ] خُذِ الْحَسَنَ^۲

بازی با کودکان

یکی دیگر از سرگمی‌ها و تفریح حضرت فاطمه بازی با کودکان شان بود. حضرت فاطمه با حسنین بازی می‌کرد، با آنها شعر می‌خواند و آنها را بالا و

^۱ . العوالم العلوم ج ۱۱ ص ۳۵۷.

^۲ . الارشاد ج ۲ ص ۱۲۸. الامالی ص ۵۱۳.

پایین می‌انداخت و بدین ترتیب لحظات بسیار شاد و مفرحی را سپری می‌کرد که در صفحات بعد این داستان بصورت مفصل آمده است.^۱

نکاتی در مورد شادی و تفریح

شادی و تفریح در سیره امامان و معصومان وجود داشته است و آن بزرگواران به آن اهمیت می‌دادند. همانگونه که در سخنان پیامبر گرامی اسلام و سایر معصومین مشاهده می‌شود، مزاح، شادی و تفریح در حد اعتدال و میانه پسندیده است و بیش از آن موجب از بین رفتن هیبت و آبروی انسان می‌گردد. شادی، مزاح و تفریح در ایام عادی و در ایام جشن و اعیاد پسندیده است، اما در ایام حزن و اندوه مذمت شده است. مزاح نباید انسان را از حق‌گویی خارج ساخته و باعث تمسخر و تحقیر کسی یا قوم و گروهی گردد.

^۱ . مناقب ال‌ابی طالب ج ۳ ص ۳۸۹.

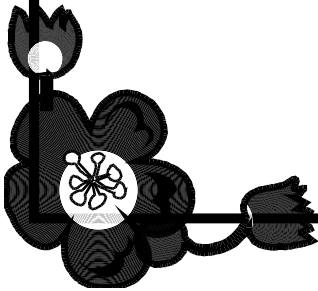




فصل هشتم

سبک زندگی و رفتار با والدین در خانواده

حضرت زهرا







مقدمه

فرزند در درون خانواده جایگاه خاص دارد. فرزندان در قبال والدین وظایفی دارد که لازم است این وظایف از سوی خود والدین در فرایند جامعه پذیری به فرزندان منتقل گردد و فرزندان به گونه تربیت شود که جایگاه والدین خود را به خوبی درک کرده به نیکی با والدین خود رفتار کند. در این فصل با توجه به سیره حضرت فاطمه به عنوان یک فرزند به چگونگی رفتار حضرت فاطمه با والدین بحث می‌شود.

اصول حاکم بر روابط بین فرزندان و والدین

زن و شوهر دو پایگاه متقابل در خانواده دارد و به عنوان عناصر اساسی قوام خانواده وابسته به آن دو است که متناسب به پایگاه خود نقش‌های به عهده آنها گذاشته شده که باید آن را به خوبی ایفاء کند. در گذشته شما با نقش‌های زن و شوهر آشنا شدید. به همین ترتیب فرزندان و والدین منزلت خاص در درون خانواده دارد که متناسب با آن از والدین و فرزندان انتظارات خاص مد نظر است و هر کدام در درون خانواده نقش‌های متناسب با پایگاه و انتظارات را ایفاء می‌کنند.

یکی از روابطی که در اسلام به آن زیاد سفارش شده و احسان به آنها در ردیف اطاعت خدا قرار گرفته نیکی به والدین است. بی‌احترامی و قطع رابطه با والدین از جمله گناهان بزرگ محسوب می‌شود.

شاخص‌های نیکی به والدین



برای نیکی کردن به والدین سفارش های زیادی شده است. در ذیل به شاخص های مهم نیکی به والدین اشاره می شود.

احسان

﴿... ۱...﴾؛ (به پدر و مادر خود احسان کنید).

احسان به والدین، وظیفه فرزند است. معنای احسان این است که آنچه والدین در حق انسان انجام داده اند، فرزند چیزی بیشتر از آن را انجام بدهد؛ زیرا اگر فقط به همان اندازه که والدین به او خوبی کرده اند، فرزند به آنها خوبی کند، اینجا در واقع همان حق او را برگردانده و بس و احسانی صورت نگرفته است.

حضرت فاطمه هم در قبال پدر و هم در قبال مادرش احسان داشته است و ایثارگرایانه در حق آنها نیکی نموده است که در گذشته به نمونه های از آن آشنا شدید.

سخن نیکو و نرم گفتن

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿... ۲...﴾

(زنهار کلمه ای که به خاطر آن والدین شما رنجیده شود، مگویید و کمترین آزاری

به آنان مرسانید و با ایشان با اکرام و احترام سخن گویند).

۱. سوره اسراء، آیه ۲۳.

۲. سوره اسراء، آیه ۲۳.



(پروردگارا! چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی با مهربانی پیرو بردند، تو در حق آنان رحمت و مهربانی فرما).

دوران کودکی ات را به یاد آور و در حق والدین خود دعا کن. حضرت فاطمه هم در زمان حیات و هم در زمان رحلت والدین آنها را لحظه‌ی از یاد نبرده و سر قبر آنها رفته در حقش دعا می‌کرد.

سپاس‌گزاری از والدین

در قرآن کریم از سفارش‌های لقمان حکیم نقل شده است که خداوند می‌فرماید:

﴿ چ ی د ت ﴾^۲؛ (از من و پدر و مادر خود سپاس‌گزاری کن).

انسان باید از ولی نعمت خود سپاس‌گزاری نموده و قدردان وی باشد؛ ولی نعمت اصلی، خداوند سبحان است؛ اما در مرحله بعد، والدین محسوب می‌شوند که برای بزرگ کردن و تربیت فرزندانشان تلاش بسیار می‌کنند و مشکلات فراوانی به جان می‌خرند.

حضرت فاطمه همیشه قدردان زحمات والدین خود بود و از آنها سپاس‌گزاری می‌کرد. حضرت فاطمه همچنین به فرزندان خود سفارش می‌کرد که قدردان والدین خود باشند. در گذشته نمونه‌های آن را خواندیم که چگونه حضرت فاطمه عظمت پدر را به فرزندان خود آموزش می‌داد.

فلسفه نیکی به والدین

→

۱. همان.

۲. سوره لقمان، آیه ۱۴.

حضرت زهرا در خطبه فدکیه در باره فلسفه نیکی به والدین فرمود: خداوند، نیکی به پدر و مادر را برای این قرار داده است تا شما را از غضب خود نگه دارد.

وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةَ مِنَ السُّخْطِ^۱

شهادت به رسالت پدر

حضرت زهرا جایگاه پدر را خوب شناخته بود و آن را برای دیگران نیز معرفی می‌کرد. حضرت زهرا فرمود: شهادت می‌دهم که پدرم محمد ص بنده و فرستاده خداوند بود که پیش از بعثت به مقام رسالت و نبوت در عالم غیب برگزیده شد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ^۲

درود و سلام فرستادن بر پدر

حضرت زهرا در جاهای مختلف و از جمله در خطبه فدکیه از پدرش به نیکی یاد کرد، مواضع او را ستود، خدماتش را برای مردم بازگو کرد و مقام ارجمند او را برای مردم بیان کرده فرمود: صلوات خدا بر پدرم که نبی و امین خداوند بر وحی بود و برگزیده و منتخب او از میان تمام خلق؛ سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ^۳

تمجید از پدر

۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۹۹.

۲. الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۹۹.

۳. الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۹۹.



حضرت زهرا پدر را همیشه تمجید و تکریم می‌کرد. حضرت زهرا با ترسیم جامعه جاهلی که پر بود از تاریکی، جهالت، بود پرستی، ستم و... نقش پدر را در تغییر اوضاع جامعه برجسته دانسته فرمود: خداوند به وسیله پدرم حضرت محمد ص تاریکی های امت را به نور تبدیل کرد.

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ص ظُلْمَهَا^۱

افتخار به تبار رسالت (هویت شخصی)

حضرت زهرا وقتی می‌خواهد خود را برای مردم معرفی کند نام پدر را می‌برد و در خطبه فدکیه خطاب به مردم می‌فرماید: ای مردم! بدانید من فاطمه‌ام و پدرم محمد صلوات و سلام خدا بر او باد می‌باشد.

أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةٌ وَأَبِي مُحَمَّدٌ ص^۲

بیان فضائل پدر (مردمی، دلسوز، مهربان)

حضرت زهرا فضائل پدرش را برای مردم از قرآن بیان می‌کند و به چنین پدری افتخار کرده، خود را منسوب به او می‌داند. حضرت در خطبه فدکیه می‌فرماید: پیامبری از خود شما برای شما فرستاده شده است که هرآنچه شما را رنج می‌دهد بر او گران تمام می‌شود و او سخت به شما دل بسته و با مومنان مهربان است. این رسولی که از جانب خدا آمده اگر تحقیق کنید پدر من بود نه پدر زنان شما؛ در عقد اخوت او برادر پسر عموی من بود نه مردان شما؛ چه نسبت نیکویی میان آن دو است.

^۱ . الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۹۹.

^۲ . الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۹۹.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ - وَ
أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ^۱

احترام حضرت زهرا به پدر

از امام صادق ع روایت شده است که حضرت فاطمه فرمود: وقتی آیه ۶۳ سوره نور نازل شد و از مسلمانان خواست که رسول خدا را آنگونه که همدیگر را می خوانند صدا نکنید؛ ترسیدم که رسول خدا را با لفظ ای پدر جان بخوانم، من هم مانند دیگران پدر را با نام یا رسول الله صدا زدم. دو بار سه بار که حضرت را با این نام خواندم رو به من کرده فرمودند: ای فاطمه ع این آیه در باره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است. فاطمه جان تو از من و من از تو هستیم همانا این آیه برای ادب کردن ستمکاران و جاهلان و زشت خواهی قریش، انسانهای خود خواه و متکبر نازل شده است. دخترم تو مرا با جمله ای پدر خطاب کن که مایه حیات قلب من است و خداوند را خشنود می کند.

عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَتْ فَاطِمَةُ لَمَّا نَزَلَتْ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا هَبْتُ رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ يَا أَبَتِ فَكُنْتُ أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَعْرَضَ عَنِّي مَرَّةً وَ اثْنَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ وَ لَا فِي سَلِكِ أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ الْعِلْطَةِ مِنْ قُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَدْحِ وَ الْكِبْرِ قُولِي يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْيَا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ^۲

خوش آمد گویی فاطمه به پدر

۱. الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۹۹.

۲. مناقب آل ابی طالب ع ج ۳ ص ۳۲۰.



عایشه روایت می کند که من کسی را از نظر سخن گفتن به پیامبر شبیه تر از فاطمه ندیدم. ... وقتی پیامبر در منزل فاطمه وارد می شد، حضرت فاطمه به پدرش رسول خدا خوش آمدید می گفت...

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَشْبَهَ كَلَامًا وَ حَدِيثًا مِنْ فَاطِمَةَ بِرَسُولِ اللَّهِ ص ... وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا رَحَّبَتْ بِهِ...^۱

به استقبال پدر ایستاده شدن

وقتی پیامبر در منزل فاطمه وارد می شد، حضرت فاطمه به احترام پدر از جا بلند می شد و می ایستاد...

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا رَحَّبَتْ بِهِ وَ قَامَتْ إِلَيْهِ...^۲

دست پدر را بوسیدن

وقتی پیامبر در منزل وارد می شد، حضرت فاطمه به پدرش خوش آمدید می گفت به احترامش از جا بلند می شد و می ایستاد و دست پدر را می بوسید.

عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ: ... وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا دَخَلَ عَلَيْهَا رَحَّبَتْ بِهِ وَ قَامَتْ إِلَيْهِ وَ أَخَذَتْ بِيَدِهِ فَقَبَّلَتْهَا^۳

احترام به قبر پدر

^۱ . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى ج ۲ ص ۲۵۳.

^۲ . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى ج ۲ ص ۲۵۳.

^۳ . بشاره المصطفی لشيعه المرتضى ج ۲ ص ۲۵۳.

حضرت فاطمه بعد از رحلت پدر قبر حضرت را گرمی می‌داشت، به زیارت آن می‌رفت، اطراف قبر طواف می‌کرد، شعر می‌خواند، عزاداری و گریه می‌کرد. در روایات آمده است که: فاطمه دختر پیامبر بعد از اینکه حق شوهرش و فدک غصب شد وارد مسجد شد و قبر پدرش را طواف کرد در حالیکه گریه می‌کرد، اشعاری را خواند و از فراق پدر شکوه می‌کرد.

وَ دَخَلَتْ فَاطِمَةُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ طَافَتْ بِقَبْرِ أَبِيهَا وَ هِيَ تَبْكِي وَ تَقُولُ:

إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقَدَ الْأَرْضِ وَإِلَيْهَا
وَ اخْتَلَّ قَوْمَكَ فَاشْهَدَهُمْ وَ لَا
تَغِبْ^۱

حمایت از پدر

از امام صادق ع روایت شده است که روزی در حالیکه پیامبر خدا در سجده بود و اطرافش گروهی از قریشیان بودند، در آنجا بچه دان شتری بود، یکی از ایشان گفت: کیست که این بچه دان را بر پشت پیامبر اندازد؟ عقبه بن ابی معیط پیش آمد و آن را بر پشت پیامبر انداخت. در این هنگام فاطمه ع آمد و آن شکمبه شتر را از پشت پیامبر برداشت. فاطمه کسانی که این کار را کرده بودند نفرین کرد. عبدالله می‌گوید: من تا آن روز ندیده بودم که پیامبر قریش را نفرین کند، اما آن روز حضرت پیامبر آنها را نفرین کرد و فرمود: خدایا! این سران قریش را خدایا! ابوجهل بن هشام، عتبه بن ربیع، عقبه بن ابی معیط و امیه بن خلف را برگیر.

^۱ . تفسیر القمی ج ۲ ص ۱۵۷.



من همه را دیدم که در جنگ بدر کشته شدند در چاهی انداخته شدند مگر امیه که تنومند بود پیش از آنکه به چاه برسد تکه تکه شد.^۱

تشویق دیگران به حمایت پدر

حضرت فاطمه دیگران را تشویق کرد تا از پدرش حمایت کند. وقتی بچه دان شتر را بر پیامبر انداختند، دخترش فاطمه آمد و آن را از پیامبر دور کرد، سپس نزد ابوطالب آمد و گفت: عموجان! پدرم در میان شما چه ارزش و جایگاهی دارد؟ ابوطالب گفت: دخترم! پدرت در میان ما، آقایی راهنما و مطاع، ارجمند و بزرگوار است. چرا این سخن را گفتی؟ فاطمه رفتار قریش را بازگو کرد، ابوطالب با سران قریش آن کرد که باید می کرد {ابوطالب به حمزه گفت: شمشیر خود را بردار، سران قریش در مسجد الحرام بودند، آنان با شمشیرهای برهنه و آخته بر ایشان وارد شدند و ابوطالب به حمزه گفت: من این بچه دان را بر سبیل های اینان می مالم، هر کدام امتناع کردند گردش را بزنی، هیچکس از جای خود بلند نشد تا ابوطالب آن را بر سبیل های همه مالیدند} سپس نزد پیامبر آمد و عرض کرد: فرزند برادر! آیا راضی شدی؟ سپس نزد فاطمه آمد و عرض کرد: دختر جانم! این است ارزش پدر تو در میان ما.

۱. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ص سَاجِدٌ وَ حَوْلَهُ نَاسٌ مِنْ قُرَيْشٍ وَ تَمَّ سَلَى بَعِيرٍ فَقَالُوا مَنْ يَأْخُذُ سَلَى هَذَا الْجَزُورِ أَوْ الْبَعِيرِ فَيُثَدِّفُهُ عَلَى ظَهْرِهِ فَبَجَاءَ عُثْبَةُ بْنُ أَبِي مُعَيْطٍ فَقَدَفَهُ عَلَى ظَهْرِ النَّبِيِّ ص وَ جَاءَتْ فَاطِمَةُ ع فَأَخَذَتْهُ مِنْ ظَهْرِهِ وَ دَعَتْ عَلَى مَنْ صَنَعَ ذَلِكَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ فَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ دَعَا عَلَيْهِمْ إِلَّا يَوْمَئِذٍ فَقَالَ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ الْمَلَأُ مِنْ قُرَيْشٍ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ أَبَا جَهْلٍ بْنِ هِشَامٍ وَ عُثْبَةَ بْنَ رَبِيعَةَ وَ سَيِّبَةَ بْنَ رَبِيعَةَ وَ عُثْبَةَ بْنَ أَبِي مُعَيْطٍ وَ أُمَّيَّةَ بْنَ خَلْفٍ أَوْ أَبِي بَنٍ خَلْفٍ سَكَ شُعْبَةَ عَدَّ سَبْعَةَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ فَرَأَيْتَهُمْ لَقَدْ قَتَلُوا يَوْمَ بَدْرٍ وَ أَلْقَوْا فِي الْقَلْبِ أَوْ قَالَ فِي بَطْنِ غَيْرِ أَنْ أُمَّيَّةَ بْنَ خَلْفٍ أَوْ أَبِي بَنٍ خَلْفٍ كَانَ رَجُلًا بَادِنًا فَتَقَطَّعَ قَبْلَ أَنْ يُبَلِّغَ بِهِ الْبَيْتَ. (اعلام الوری باعلام الهدی ص ۴۷)

أَتَتْهُ لَمَّا رُمِيَ بِالسَّلَىٰ جَاءَتْ ابْنَتُهُ فَاطِمَةُ صَ فَامَاطَتْ عَنْهُ بِيَدَيْهَا ثُمَّ
جَاءَتْ إِلَىٰ أَبِي طَالِبٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقَالَتْ يَا عَمُّ مَا حَسَبُ أَبِي فِيكُمْ
فَقَالَ يَا بَنِيَّةُ أَبُوكَ فِيْنَا السَّيِّدُ الْمُطَاعُ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ فَمَا شَأْنُكَ فَأَخْبَرْتُهُ
بِصُنْعِ الْقَوْمِ فَفَعَلَ مَا فَعَلَ بِالسَّادَاتِ مِنْ قُرَيْشٍ ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ص
قَالَ هَلْ رَضِيتَ يَا ابْنَ أَخِي ثُمَّ أَتَى فَاطِمَةَ عَ فَقَالَ يَا بَنِيَّةُ هَذَا حَسَبُ
أَبِيكَ فِيْنَا^۱

حس بی پدری حس تنهایی

پدرجان! یکه و تنها باقی مانده‌ام و در کار خویش سرگردان و حیرانم،
صدایم گرفته، پشتم شکسته، زندگی‌م درهم ریخته و روزگارم تیره شده است.

يَا أَبَتَاهُ بَقِيْتُ وَالْهَةَ وَحِيدَةً وَ حَيْرَانَةً فَرِيدَةً فَقَدْ انْخَمَدَ صَوْتِي وَ انْقَطَعَ
ظَهْرِي وَ تَنَغَّصَ عَيْشِي وَ تَكَدَّرَ دَهْرِي^۲

از دست دادن پدر یعنی از دست دادن پشتیبان زندگی

پدر جان! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی‌یابم، مانعی برای گریه‌ام و
پشتیبان و یآوری برای ضعفم پیدا نمی‌کنم.

فَمَا أَجِدُ يَا أَبَتَاهُ بَعْدَكَ أُنَيْسًا لَوْحَشْتِي وَ لَا رَاذًا لِدَمْعَتِي وَ لَا مُعِينًا
لِضَعْفِي^۳

دنمایی بی تو دنیایی بی وفايي

۱. ایمان ابی طالب ص ۳۵۲. و موسوعه کلمات سیدتتا فاطمه الزهرا ص ۲۴.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۷۶

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۷۶

پدر جان! بعد از تو روابط انسانها دگرگون شد و درها به روی من بسته گردید. پدر عزیزم! من بعد از تو از دنیا نفرت دارم و تا زمانی که نفسم برآید بر تو گریه خواهم نمود. پدر جان! شوق من نسبت به تو پایانی ندارد و حزن من بعد از تو انجामी! فریاد ای پدر! فریاد ای پروردگار جهانیان.

انْقَلَبْتُ بَعْدَكَ يَا أَبَتَاهُ الْأَسْبَابُ وَ تَغَلَّقَتْ دُونِي الْأَبْوَابُ فَأَنَا لِلدُّنْيَا بَعْدَكَ
قَالِيَّةٌ وَعَلَيْكَ مَا تَرَدَّدْتُ أَنْفَاسِي بَاكِيَّةٌ لَا يَنْفَعُ شَوْقِي إِلَيْكَ وَلَا حُزْنِي
عَلَيْكَ ثُمَّ نَادَتْ يَا أَبَتَاهُ وَإِلَّاهُ^۱

عظمت در کنار پدر

ای پدر جان! بعد تو ما بیچاره و مستضعف شدیم و مردم از ما روی برتافتند، ما در محضر تو عظیم بودیم و بعد از تو ذلیل و خوار گشتیم.

يَا أَبَتَاهُ أَمْسَيْنَا بَعْدَكَ مِنَ الْمُسْتَضْعَفِينَ يَا أَبَتَاهُ أَصْبَحَتِ النَّاسُ عَنَّا
مُعْرِضِينَ وَ لَقَدْ كُنَّا بِكَ مُعْظَمِينَ فِي النَّاسِ غَيْرِ مُسْتَضْعَفِينَ^۲

گریه زهرا در فراق پدر

از امام صادق ع روایت شده است: پنج تن از جمله بسیار گریه کنندگان تاریخ به شمار آمده است. آدم که به خاطر بهشت گریه کرد تا آن جا که در گونه هایش مانند وادی گردید و یعقوب که به خاطر یوسف گریه کرد تا جاییکه بینایش را از دست داد و یوسف که به خاطر یعقوب پدرش گریه کرد تا جاییکه زندانیان در اذیت افتادند و به یوسف گفتند یا شب گریه کن و روز ساکت بمان و یا روز گریه کن و شب ساکت باش. فاطمه که به خاطر رسول خدا گریه کرد که اهل مدینه در اذیت بودند و گفتند به خاطر گریه زیادتت ما را

^۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۷۶ و نهج الحیات ص ۶۹.

^۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص: ۱۷۶.

اذیت می‌کنی و آنگاه حضرت زهرا به سمت قبرستان شهدا خارج شدند و علی بن الحسین که به خاطر پدرش امام حسین بیست یا چهل سال گریه کرد و هیچ وقت غذا جلوش نگذاشت مگر اینکه گریه کرد.

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْبِكَاءُ وَنَ خَمْسَةُ آدَمَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ فَاطِمَةَ
بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فَأَمَّا آدَمُ فَبَكَى عَلَى الْجَنَّةِ حَتَّى
صَارَ فِي حَدِيثِهِ أَمْثَالُ الْأَوْدِيَةِ وَ أَمَّا يَعْقُوبُ فَبَكَى عَلَى يُوسُفَ حَتَّى
ذَهَبَ بَصَرُهُ وَ حَتَّى قِيلَ لَهُ تَاللَّهِ تَفْتَتُوا تَذَكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا
أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ وَ أَمَّا يُوسُفُ فَبَكَى عَلَى يَعْقُوبَ حَتَّى تَأْدَى بِهِ
أَهْلُ السُّجْنِ فَقَالُوا لَهُ إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ اللَّيْلَ وَ تَسْكُتَ بِالنَّهَارِ وَ إِمَّا أَنْ
تَبْكِيَ النَّهَارَ وَ تَسْكُتَ بِاللَّيْلِ فَصَالَحَهُمْ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَمَّا فَاطِمَةُ
فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى تَأْدَى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ فَقَالُوا لَهَا قَدْ
أَذَيْتَنَا بِكَثْرَةِ بُكَائِكَ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي
حَتَّى تَقْضِي حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَبَكَى عَلَى
الْحُسَيْنِ ع عَشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً مَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامًا إِلَّا
بَكَى حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ
عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَ حُزْبِي إِلَى اللَّهِ وَ
أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِنِّي مَا أَذْكَرُ مَصْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي
لِذَلِكَ عَبْرَةٌ.^۱

در فراق پدر

^۱ . الخصال ج ۱ ص ۲۷۳.



فاطمه فرمود: ای رسول خدا همانا قلب مرا از جا کندی و جگرم را آتش زدی وقتی گریه تو را مشاهده کردم. ای بزرگ پیامبران از آدم تا کنون.

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ قَطَعْتَ قَلْبِي وَ أَحْرَقْتَ كَبِدِي لِئِكَايِكَ
يَا سَيِّدَ النَّبِيِّينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَيَا أَمِينَ رَبِّهِ وَرَسُولَهُ وَيَا
حَبِيبَهُ وَنَبِيَّهُ مَنْ لَوْلِي بَعْدَكَ وَ لِدُلِّ يُنْزِلُ بِي بَعْدَكَ مَنْ لِعَلِيٍّ أَخِيكَ وَ
نَاصِرِ الدِّينِ مَنْ لَوْحِي اللَّهُ وَ أَمْرِهِ ثُمَّ بَكَتُ^۱

سرودن و خواندن شعر در سوگ پدر

شعرهای زیادی منسوب به حضرت فاطمه زهرا است که آن حضرت در فراق پدر هم سروده و هم خوانده است. تعداد از این اشعار در کتاب نهج الحیات جمع آوری شده است که تحت عنوان دردهای سوزناک پانزده بیت، تحت عنوان در سوگ پدر در غروب خورشید نبوت، هفت بیت، تحت عنوان شکوه ها از غروب آفتاب و غربت اسلام نه بیت، تحت عنوان پیامبر جاودانه است دو بیت، تحت عنوان شکوه از مصیبت و تنهایی هفت بیت که در آن شعر معروف صبت علی مصائب لو انها صبت علی الایام صرن لیالیا نیز آمده است، تحت عنوان اندوه پایدار سه بیت، تحت عنوان اشک های بی قرار سه بیت، تحت عنوان غم بی پایان چهار بیت آمده است.

مخته و عزاداری برای پدر

بعد از خاک سپاری حضرت پیامبر فاطمه به سمت منزل برگشت و زنان جمع شدند و حضرت فرمود: انا لله و انا الیه راجعون، خبر آسمان از ما قطع شد. آنگاه حضرت فاطمه این الفاظ مشهور و مشخص را گفت: پدر جان! ای آن که

^۱. بحار الانوار ج ۲۲ ص ۴۸۴.

بهشت برین جایگاه اوست، پدرجان! ای آن که نزد صاحب عرض مقام اوست، پدرجان! ای آن که جبرئیل جان پاک او را فرا می‌گرفت، پدرجان! این آن که دیگر او را نمی‌بینم. این سخنان را همراه با نوعی دادخواهی و دردمندی از حوادث تلخی که برایش پیش آمده بود می‌آمیخت.

و قد روی كثير من الناس ندبة فاطمة ع أباه يوم موته و بعد ذلك اليوم و هي ألفاظ معدودة مشهورة منها يا أبتاه جنة الخلد مثواه يا أبتاه عند ذي العرش مأواه يا أبتاه كان جبرئيل يغشاه يا أبتاه لست بعد اليوم أراه^۱

دلداری به مادر

حضرت فاطمه توفیق حضور مادر را در کنار خود فقط پنج سال داشت. در همین مدت که سن کودکی است و انتظار دلداری، احترام به مادر و... از یک کودک پنج ساله نمی‌رود اما حضرت فاطمه به خاطر علم لدنی و ادب بالایش به مادر دلداری می‌داد و به وی احترام می‌گذاشت.

حضرت زهرا وقتی ناراحتی مادر را دید که تاسف می‌خورد از اینکه مردم پیامبر امین را تکذیب می‌کرد، در این هنگام حضرت زهرا مادرش را دلداری داد و به مادرش خدیجه چنین گفت: مادر جان! اندوهگین و نگران نباش زیرا خداوند همراه پدرم است.

قالت خديجة: وا خيبة من كذب محمدا صلى الله عليه وآله وسلم و هو خير رسول و نبي، فنادت فاطمة عليها السلام من بطنها: يا أمّاه، لا تحزني و لا ترهبي، فإنّ الله مع أبي.^۲

^۱ . شرح نهج البلاغه لابن حدید ج ۱۳ ص ۴۳ .

^۲ . عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۸۵۵ .

بیان مقام مادر

حضرت زهرا مقام مادر را ارجمند می‌شمرد. حضرت در مورد مادر فرمود: همگام مادر شو، زیرا بهشت زیر گام های مادر است.

عن فاطمة عليها السلام: ألزم رجلها فإنَّ الجنة تحت أقدامها- يعني
الوالدة-^۱.

روایتی دیگری قریب به همین مضمون از حضرت فاطمه در مورد مقام مادر نقل شده است که حضرت فرمود: همگام مادر شو؛ زیرا بهشت آنجا نزد گامهای مادر است.

عن فاطمة عليها السلام: ألزم رجلها فثمَّ الجنة^۲

بی تابى در سوگ مادر

امام صادق ع روایت می‌کند: وقتی حضرت خدیجه درگذشت، حضرت فاطمه که هنوز خردسال بود و پنج سال بیشتر نداشت به پدر پناه برد و اطراف پدر می‌چرخید و می‌پرسید: پدرجان! مادرم کجا است؟ در این هنگام جبرئیل نازل شد و به پیامبر عرض کرد: پروردگارت دستور می‌دهد که به فاطمه سلام برسانی و به او بگو مادرت در یک خانه مجلل که اتاق های آن از طلا و ستون هایش از یاقوت سرخ است در بهشت برین کنار آسیه و مریم دختر عمران قرار گرفته است. حضرت فاطمه آرام گرفت و گفت: خداوند سلام است از او سلام و بر او سلام باد.

عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

^۱ . عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء الی الإمام الجواد، ج ۱۱-

قسم ۲-فاطمه س، ص: ۹۱۰

^۲ . موسوعه کلمات سیدتنا فاطمه الزهرا ع ص ۵۴۶.

(عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) يَقُولُ: لَمَّا تُؤَفِّيَتْ خَدِيجَةُ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا) جَعَلَتْ
 فَاطِمَةُ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا) تَلُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَ
 تَدُورُ حَوْلَهُ، وَ تَقُولُ: يَا أَبَتِ، أَيُّنَ أُمِّي قَالَ: فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ
 السَّلَامُ) فَقَالَ لَهُ: رَبُّكَ يَا مُرَّكَ أَنْ تُفَرِّقِي فَاطِمَةَ السَّلَامَ، وَ تَقُولِ لَهَا: إِنَّ
 أُمَّكَ فِي بَيْتِ مَنْ قَصَبٍ، كِعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَ عُمْدُهُ يَأْفُوتُ أَحْمَرَ، بَيْنَ
 أَسِيَّةَ وَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ): إِنَّ اللَّهَ هُوَ
 السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ^۱

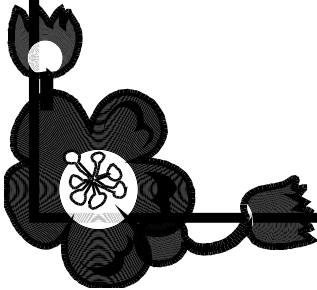
^۱. الامالی للطوسی ص ۱۷۵.





فصل نهم

سبک تعامل با فرزند





مقدمه

فرزندان نعمت بزرگ الهی است که خداوند با دادن این نعمت چراغ خانه را روشن و نسل بشر را تداوم می‌بخشد. شایسته است والدین قدر این نعمت را دانسته و آنها را با بهترین شیوه تربیت کنند. والدین وظیفه دارند از فرزندانش مراقبت کنند و در فرایند جامعه پذیری آنها را به شیوه مناسب جامعه پذیر گرداند. حضرت فاطمه به عنوان یک مادر نمونه و موفق توانست فرزندان چون حسن، حسین، زینب و گلثوم را تربیت و به جامعه تحویل دهد. لازم است انسان به شیوه تربیتی حضرت فاطمه توجه کرده و از سیره آن حضرت در امر تربیت فرزند پیروی کند.

رفتار و رابطه والدین با فرزندان

والدین در قبال فرزندان خود وظایفی دارد که قبل از انعقاد نطفه شروع می‌شود. انتخاب شایسته همسر، مال حلال خوردن، رفتار درست کردن با همدیگر همه اش در تربیت درست فرزندان نقش دارد. در آموزه های دینی نکات بسیار ارزنده تربیتی بیان شده است که لازم است والدین آن را مد نظر بگیرد.

همانگونه که در ابتدای این فصل مشاهده کردید، روابط حضرت امیرالمومنین با حضرت فاطمه، دو زوج معصوم بسیار صمیمی، منطقی و در چارچوب شرع و آموزه های دین بود، لذا این رابطه نیکو باعث شد که در



خانواده آن حضرات تهداب نسل پاک و معصوم گذاشته شود و شخصیت‌های چون حسنین و زینب در آن خانواده تربیت و رشد یابند.

خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد

در سیره تربیتی پیامبر اسلام ﷺ و ائمه علیهم السلام آمده است که آن بزرگواران نخستین کاری که پس از تولد فرزند انجام می‌دادند، گفتن اذان در گوش راست و گفتن اقامه در گوش چپ نوزاد بوده است. در سیره پیامبر اسلام ﷺ آمده است: وقتی امام حسن علیهم السلام متولد شد، پیامبر ﷺ در گوشش اذان گفت.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ ص أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ ع بِالصَّلَاةِ يَوْمَ وُلِدَ.^۱

روغن مالی کردن سر نوزاد با روغن بنفشه

در روایت آمده است که حضرت پیامبر بعد از اینکه در گوش امام حسن اذان گفت؛ آنگاه سرش را با روغن بنفشه چرب کرد.

عن جعفر بن محمد قال: دَعَا أَبِي بَدْهَنٍ لِيَدَّهِنَ بِهِ رَأْسَهُ فَلَمَّا أَذَّهَنَ بِهِ قُلْتُ مَا الَّذِي أَذَّهَنْتَ قَالَ إِنَّهُ الْبَنْفَسَجُ^۲

شیرین کردن دهان نوزاد (تحنیک یا کام برداشتن)

دومین کاری که معصومین علیهم السلام در آغاز تولد نوزاد انجام می‌دادند شیرین کردن دهان کودک بود. در روایات آمده است که معصومین علیهم السلام با اشیای زیر، دهان نوزادان خود را شیرین می‌کردند و به دیگران هم می‌گفتند با این چیزها دهان کودکانشان را شیرین کنند.

^۱ . عیون اخبارالرضا ج ۲ ص ۴۳.

^۲ . عیون اخبارالرضا همان.

شیرین کردن دهن نوزاد با خرما

در حدیثی از امام علی علیه السلام نقل شده است: فرزندان خود را با خرما کامش بردارید و پیامبر کام حسن و حسین را با خرما برداشت.

«حَنِّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالتَّمْرِ هَكَذَا فَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»^۱

نام نیکو

یکی از حقوق فرزند بر والدین تعیین نام نیکو است. نام زیبا باعث سربلندی شخص و اسم زشت سبب سرافکندگی وی می‌شود؛ پس باید والدین دقت کنند نام زیبایی را برای فرزندان خود برگزینند.

معصومان علیهم السلام بر همه فرزندان خود نام‌هایی با معانی عالی می‌نهادند. ایشان همواره سعی می‌کردند جامعه و محیط از نام‌های نیکو و با معنا بهره‌مند و از نام‌های بی‌معنا و زشت خالی باشد. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه علیهم السلام نام‌های بد افراد و حتی مکان‌ها را عوض می‌کردند و نام‌های نیکو بر آنها می‌نهادند. در تاریخ موارد زیادی ذکر شده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسامی زشت را تغییر داده‌اند؛ مثلاً ام عاصم، عاصیه نام داشت که به معنای گنهکار است. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسم او را جمیله نهاد که به معنای زیبا است.^۲ یا در تاریخ آمده است شخصی نامش «اسود» به معنای سیاه بود، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را به «ابيض» به معنای سفید تغییر داد همچنین نام شخصی عبدالشمس بود که حضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نام عبدالله را برایش برگزید و ...

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۳۱.

۲. تربیت فرزند، ص ۷۰.



علمای تربیت معتقدند که اسامی بد و نامناسب آثار بدی بر انسان می‌گذارد. نام‌های بد دستاویزی برای دیگران در تمسخر و ضربه‌زدن به شخصیت انسان است.^۱

نام‌گذاری امام حسن علیه‌السلام

در روایات درباره نام‌گذاری امام مجتبی علیه‌السلام آمده است که:

«وقتی امام حسن علیه‌السلام متولد شد، حضرت فاطمه به علی رو کرد و عرض کرد برای مولود ما نامی بگذار. حضرت امیر به همسرش فرمود: من در نام‌گذاری فرزندم بر پیامبر پیشی نمی‌گیرم. وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به خانه فاطمه علیها‌السلام آمد، نوزاد را در پارچه زرد پیچیده به پیامبر داد و پیامبر فرمود: مگر نگفته بودم نوزاد را در پارچه زرد نپیچانید آنگاه نوزاد را با پارچه سفید پیچاند و خدمت پیامبر آورد. پیامبر به علی علیه‌السلام فرمود: نام این فرزندم را چه گذاشتی؟ علی علیه‌السلام پاسخ داد: من در نام‌گذاری او از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیشی نمی‌گیرم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: من نیز در نام‌گذاری او از خدایم پیشی نمی‌گیرم. طولی نکشید جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! خداوند سلام می‌رساند و این نوزاد را برای شما تبریک می‌گوید و می‌فرماید نام پسر ت را همانم پسر هارون، شبیر قرار بده. زیرا جایگاه علی نسبت به شما مانند جایگاه هارون است نسبت به حضرت موسی. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: زبان من، عربی است. جبرئیل گفت: نامش را حسن که به معنای شبیر است بگذار. آنگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نام او را حسن گذاشت.»

عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةُ الْحَسَنَ ع قَالَتْ لِعَلِيٍّ ع
سَمِّهِ فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَسْبِقَ بِاسْمِهِ رَسُولَ اللَّهِ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص

فَأَخْرَجَ إِلَيْهِ فِي خِرْقَةٍ صَفْرَاءَ فَقَالَ أَلَمْ أَنهَكُمُ أَنْ تَلْفُوهُ فِي خِرْقَةٍ صَفْرَاءَ ثُمَّ رَمَى بِهَا وَأَخَذَ خِرْقَةً بَيْضَاءَ فَلَفَّهُ فِيهَا ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ ع هَلْ سَمَّيْتَهُ فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَسْبِقَكَ بِاسْمِهِ فَقَالَ ص وَمَا كُنْتُ لِأَسْبِقَ بِاسْمِهِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى جَبْرِئِيلَ أَنَّهُ قَدْ وُلِدَ لِمُحَمَّدِ ابْنِ قَاهِبِطٍ فَأَقْرَبْتَهُ السَّلَامَ وَهَنَّهُ وَقُلْ لَهُ إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَسَمَّهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ ع فَهَتَّاهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَأْمُرُكَ أَنْ تُسَمِّيَهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ قَالَ وَمَا كَانَ اسْمُهُ قَالَ شَبَّرَ قَالَ لِسَانِي عَرَبِيٍّ قَالَ سَمِّهِ الْحَسَنَ فَسَمَّاهُ الْحَسَنُ^۱

نکته قابل یادآوری: حضرت پیامبر به زبان و فرهنگ قوم و جامعه خود که با ارزشهای دینی در تقابل نبود احترام داشت. حضرت از نام‌های بیگانه که با فرهنگ جامعه عرب ناسازگار بود اجتناب کرد و نامی را برای فرزندان خود انتخاب کرد که عربی باشد.

نام گذاری حضرت زینب

وقتی زینب متولد شد مادرش زهرا وی را خدمت حضرت امیر آورد و فرمود: دخترت را نام گذاری کن. حضرت امیر فرمود: من از پیامبر در این امر سبقت نمی‌گیرم و پیامبر هم در سفر رفته وقتی حضرت برگشت نام نوه اش را به دستور خداوند زینب گذاشت.

لَمَّا وُلِدَتْ زَيْنَبُ عَلَيْهَا السَّلَامُ جَاءَتْ بِهَا امُّهَا الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى أَبِيهَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَتْ: سَمِّ هَذِهِ الْمَوْلُودَةَ،



فقال: ما كنت لأسبق رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم - و كان في سفر له - ولما جاء صلى الله عليه وآله وسلم... سم هذه المولودة: زينب، فقد اختار الله لها هذا الاسم.^۱

تراشیدن سر نوزاد و صدقه دادن

از امام صادق ع روایت شده است که وقتی امام حسن و امام حسین ع متولد شدند، حضرت فاطمه در روز هفتم ولادت عقیقه کرد، سر آن دو را تراشید و به مقدار وزن آن صدقه داد. البته مردم سر نوزاد را با خون عقیقه رنگین می‌کند که پدرم فرمود: این کار شرک است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَقَّتْ فَاطِمَةُ عَنِ ابْنَيْهَا وَ حَلَقَتْ رُءُوسَهُمَا فِي
الْيَوْمِ السَّابِعِ وَ تَصَدَّقَتْ بِوِزْنِ الشَّعْرِ وَرِقًا وَ قَالَ كَانَ نَاسٌ يُلَطِّخُونَ
رَأْسَ الصَّبِيِّ فِي دَمِ الْعُقَيْقَةِ وَ كَانَ أَبِي يَقُولُ ذَلِكَ شِرْكًا.^۲

در روایتی دیگری آمده است که حضرت پیامبر به فاطمه فرمود: سر نوزاد را بتراش و به اندازه وزن مویش نقره صدقه بده، حضرت فاطمه مطابق دستور پدر عمل کرد و آن روز وزن موی امام حسن به اندازه یک درهم و خورده ی شد که حضرت فاطمه آن را صدقه داد.

وَ قَالَ لَهَا اِخْلِقِي رَأْسَهُ وَ تَصَدَّقِي بِوِزْنِ الشَّعْرِ فَضَّةً فَفَعَلَتْ ذَلِكَ وَ كَانَ
وِزْنُ شَعْرِهِ يَوْمَ حَلْقِهِ دِرْهَمًا وَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَتْ بِهِ.^۳

ختنه کردن پسران

۱. عوالم العلوم ج ۱۱ ص ۹۴۷.

۲. اصول کافی ج ۶ ص ۳۳.

۳. کشف الغمه ج ۱ ص ۵۱۸.

برخی مردم در جایی که باید عجله کنند، عجله نمی‌کنند؛ اما در جایی که باید عجله نکنند عجله می‌کنند؛ از جمله آن مسأله ختنه است. سیره بزرگان این بوده که فرزندان خود را تا روز هفتم ختنه می‌کردند؛ اما برخی در این کار عجله نمی‌کنند و می‌گذارند فرزندشان بزرگ شوند و این یک سنت بد است که در جامعه ما جا افتاده است.

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

«پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را در روز هفتم ولادت ختنه کرد.»^۱

عقیقه حضرت فاطمه برای حسنین

در صحیفه امام رضا ع نقل شده است که حضرت زهرا برای حسن و حسین عقیقه کرد و به قابله، یک ران با یک دینار عطا فرمود.

حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع أَنَّ فَاطِمَةَ ع عَقَّتْ عَنِ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ ع - وَ أَعْطَتِ الْقَابِلَةَ فَخِذًا وَ دِينَارًا^۲

در کتاب ارشاد و بحار الانوار نقل شده است که مراسم نامگذاری و عقیقه که پیامبر گوسفندی را سر برید در روز هفتم ولادت امام حسن مجتبی بوده است.

وَ جَاءَتْ بِهِ فَاطِمَةُ إِلَى النَّبِيِّ ع يَوْمَ السَّابِعِ مِنْ مَوْلِدِهِ فِي خِرْقَةٍ مِنْ
حَرِيرِ الْجَنَّةِ كَانَ جَبْرَيْلُ ع نَزَلَ بِهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَسَمَّاهُ حَسَنًا وَ
عَقَّ عَنْهُ كَبْشًا^۱

۱. «ختن رسول الله صلی الله علیه و آله الحسن و الحسين علیهما السلام لسبعة ایام.» بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۵۹. فواید ختنه؛ ختنه برای پسران در اسلام، واجب است، و فواید زیادی که در کتاب های پزشکی آمده است از قبیل جلوگیری از شهادتاری، پیشگیری از بیماری های عفونی، کاهش سرطان و ...

۲. صحیفه الامام الرضا ع ص ۸۹.



مراقبت از کودکان

یکی دیگر از وظایف مهم والدین، مراقبت از کودکان است. کودک همواره به مراقبت نیاز دارد که والدین باید به این امر توجه کنند؛ از جمله کارکردهای مهم خانواده، مراقبت از کودکان و سالمندان است که در اسلام بدان سفارش‌های مخصوص شده است.

مراقبت فاطمه از حسنین علیهما السلام

شخصی نقل می‌کند که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که ناگاه حضرت فاطمه علیها السلام گریان، خدمت بابا رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله از دخترش سؤال کرد: «مَا يَبْكِيكِ يَا فَاطِمَةُ؟» دخترم چرا گریه می‌کنی؟» حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: بابا حسن و حسین از خانه بیرون رفته‌اند و نمی‌دانم کجا خوابشان برده است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله دخترش را دلداری داد و در حق حسن و حسین دعا کرد و خداوند هم به وسیله جبرئیل، جای حسن و حسین را خبر داد و همه رفتند و حسن و حسین را پیدا کرده، با خوشحالی به خانه برگرداندند.^۲

تعلیم و تربیت نیکو

مهم‌ترین وظیفه والدین در قبال فرزندان‌شان، تربیت درست است. تربیت از خانه شروع می‌شود؛ بلکه به یک معنا تربیت با انتخاب همسر شروع می‌شود که فرد تلاش کند در گام نخست از خانواده‌ای خوب، همسری شایسته برگزیند. به صورت مستقیم تربیت از حین انعقاد نطفه شروع می‌شود که باید انسان مواظب باشد تا نطفه فرزندش از حرام منعقد نشود که اگر خدای نخواستہ نطفه از حرام منعقد شود در شخصیت آینده فرد تأثیر می‌گذارد.

→

^۱. الارشاد فی معرفه ائمه العباد ج ۲ ص ۵ و بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۵۰.

^۲. صدوق، الأمالی، النص، ص ۴۳۷.

وقتی فرزند در رحم مادر است، مادر باید از مال حرام، دروغ، غیبت و در کل از گناه اجتناب ورزد. وقتی هم فرزند به دنیا می‌آید قلب کودک مانند یک صفحه سفید کاغذ است که هر چه بر آن بنویسی ثبت می‌شود؛ از این رو والدین باید خیلی مواظب باشند که چه چیزی در این قلب پاکیزه ثبت می‌کنند. رفتار، سخنان و روابط اجتماعی والدین برای فرزندان الگو است. اگر روابط و سخنان ما اسلامی، انسانی و خوب یا غیراسلامی باشد، همین سخنان و رفتار، الگویی برای فرزند ما می‌شود.

یکی از اموری که در تربیت فرزندان بسیار بر آن تأکید شده، این است که والدین باید مواظب دوستان فرزندان خود باشند؛ زیرا اگر فرزندان ما، دوستان ناباب داشته باشند، به زودی تأثیر می‌پذیرند و فاسد می‌شوند؛ زیرا نفس کودک، مانند صفحه سفید کاغذ است که از همسالان خود اثر می‌پذیرد.^۱

فراهم کردن زمینه بازی برای کودکان

دوران کودکی، دوران خاصی است که در این سنین کودک به بازی و همبازی نیاز دارد. بازی با سرشت کودک عجین است و یکی از نیازهای طبیعی وی به شمار می‌رود. بازی بزرگ‌ترین سرگرمی کودک، مخصوصاً پیش از دوران تحصیل است. میل به بازی در سنین بالاتر کاهش می‌یابد و کارهای مهمی، جای آن را می‌گیرد؛ اما به اعتقاد روان‌شناسان تا سال‌های پایان عمر نیز میل به بازی در انسان وجود دارد.^۲

۱. اقتباس از اخلاق ناصری، ص ۶۵.

۲. وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام، ص ۱۸۹.



بازی، ذهن و جسم کودک را رشد می‌دهد و وی را برای ایفای نقش‌های اجتماعی آماده می‌کند. کودکان، بسیاری از هنجارهای اجتماعی را از همدیگر فرا می‌گیرند و به همین علت است که گروه همسالان از جمله عوامل مهم جامعه‌پذیری دانسته شده است.

حسین در دوران کودکی هم بازی داشته است و حضرت فاطمه مانع آن نمی‌شده است. ابورافع از همبازی‌های امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بوده است و ضمن اینکه امام حسین علیه السلام با برادر خود امام حسن علیه السلام بازی می‌کرد هر دو با ابورافع نیز بازی می‌کردند. ابورافع^۱ نقل می‌کند: من با امام حسن علیه السلام در زمان کودکی سنگ‌بازی می‌کردیم. یکی از قوانین این نوع بازی این بود که هر کس برنده می‌شد، بازنده باید وی را بر پشت خود سوار می‌کرد. هر وقت من برنده می‌شدم و می‌گفتم: مرا ببر، وی می‌گفت: آیا می‌خواهی بر پشتی سوار شوی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را بر دوش خود سوار می‌کند. من نیز او را رها می‌کردم و از وی می‌گذشتم؛ اما هر وقت او برنده می‌شد، من به وی می‌گفتم: همان‌گونه که تو مرا نبردی من نیز تو را نمی‌برم؛ اما امام حسن علیه السلام می‌فرمود: آیا خشنود نیستی از اینکه بدنی را بر پشت خود سوار کنی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را بر پشت خود سوار می‌کند؟ در این هنگام ناگزیر او را سوار می‌کردم.

عَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ: كُنْتُ الْأَعْبُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع وَهُوَ صَبِيٌّ
بِالْمَدَائِحِي فَإِذَا أَصَابَتْ مِدْحَاتِي مِدْحَاتَهُ قُلْتُ اخْمِلْنِي فَيَقُولُ وَيَحْكُ أ
تَرْكَبُ ظَهْرًا حَمَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ فَإِذَا أَصَابَ مِدْحَاتِي مِدْحَاتَهُ قُلْتُ

^۱ . عین این داستان در مورد بازی ابورافع با امام حسین نیز نقل شده است.

لَهُ لَا أَحْمِلُكَ كَمَا لَا تَحْمِلُنِي فَيَقُولُ أَوْ مَا تَرْضَى أَنْ تَحْمِلَ بَدْنَا حَمَلَهُ
رَسُولُ اللَّهِ ص فَأَحْمِلُهُ^۱

بازی مادر با حسن و حسین علیهما السلام

در روایات آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام با فرزندان خود بازی می‌کرد و با اشعار ساده‌ای که ساخته بود بازی را با تعلیم و آموزش در هم آمیخته بود. حضرت زهرا علیها السلام در حالی که فرزندش امام حسن علیه السلام را بازی می‌داد با او این اشعار را زمزمه می‌کرد:

أَشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ اخْلَعْ عَنِ الرَّسَنِ
وَ اعْبُدْ إِلَهًا ذَا مَنَنِ وَ لَا تُوَالِ ذَا الْإِحْنِ

«حسن جان همانند پدرت باش حق را از بند رها کن. خدای صاحب
احسان و منت را بندگی کن و از کینه‌ورزان پیروی مکن.»

همچنین حضرت فاطمه فرزندش امام حسین را می‌گرفت و با
وی بازی کرده این اشعار را برایش می‌خواند.

وَ قَالَتْ لِلْحُسَيْنِ ع
أَنْتَ شَبِيهُ أَبِي
لَسْتُ شَبِيهَا بِعَلَى^۲

احترام به کودکان و فرزندان

۱. بشارة المصطفى لشعبة المرتضى (ط - القديمة)، ج ۲، ص: ۱۴۰

۲. مناقب ال ابی طالب ج ۳ ص ۳۸۹.



اسلام برای کودکان و فرزندان ارزش قائل شده است و باید آنها را محترم شمرد. فرزند، نعمت الهی است که در متون مقدس از آن به نور چشم و میوه قلب تعبیر شده است.

شاخص‌های احترام به فرزند و کودکان

برای اینکه احترام به فرزند بصورت روشن و مشخص فهمیده شود برای آن شاخص‌های زیر بیان می‌شود.

تبعیض نگذاشتن بین کودکان

یکی از چالش‌های تربیتی در جامعه ما تبعیض بین فرزندان است. همه ما تبعیض بین پسر و دختر را مشاهده کرده‌ایم. دختر از ارث پدر محروم می‌شود و همیشه چنین گفته می‌شود که فرزند به شمار نمی‌رود چون بیچاره، مال مردم است. در فرهنگ ما دختر در خانه پدر، مهمان است. در این باره شعرهایی هم سروده شده است.

این تبعیض، در فرهنگ مردم ریشه دارد و اصلاح آن به دگرگونی در فرهنگ مردم و به جدیت مصلحان دینی و روحانیون دلسوز نیاز دارد.

نکوهش تبعیض بین فرزندان

فرزندان ما از استعداد برابر برخوردار نیست. برخی از کودکان شوخ و برخی آرام است. برخی خوش اخلاق و برخی بداخلاق است. برخی با حافظه و برخی کم حافظه اند. تفاوت‌ها باعث نشود که ما بین فرزندان خود فرق بگذاریم. زیرا تبعیض نهادن بین فرزندان تبعات بسیار منفی دارد که فرزندان را عقده‌ی به بار می‌آورد.

در سیره رسول اسلام ﷺ آمده است که روزی حضرت بین حسن و حسین علیهما السلام مسابقه دو گذاشت. حسن علیه السلام بر حسین علیه السلام سبقت گرفت و خاتم

انبیاء علیهم السلام او را بر زانوی راست خویش و حسین علیه السلام را بر زانوی چپ نهاد؛ یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله حتی در جایی که یکی از کودکان برنده شده بود باز هم تلاش کرد تا تبعیض قائل نشود و هر دو را تشویق کند و کاری نکند که یکی از آنها از تشویق دیگری رنجیده خاطر شود.

آفات و کارکردهای منفی تبعیض

تجربه بشری نشان داده است و آموزه های دینی نیز موید این تجربه است که تبعیض پی آمدهای بسیار بدی را در پی دارد که برخی آن در ذیل بیان می شود:

ایجاد کینه

تبعیض بین فرزندان باعث می شود فرزندان، کینه را یاد بگیرند، زیرا وقتی فرزندان مشاهده می کنند که والدینشان به راحتی بین آنها تبعیض قائل می شوند به همدیگر بدبین می شوند.

حسادت

وقتی حسادت در میان فرزندان افزایش یابد، آهسته آهسته تبدیل به کینه می شود، که چه بسا پیامدهای بسیار منفی را به دنبال خواهد داشت. (در این زمینه خوب است به داستان حضرت یوسف علیه السلام توجه شود که برادرانش وقتی فهمیدند، حضرت یعقوب علیه السلام، یوسف علیه السلام را بیشتر از آنها دوست دارد، تصمیم گرفتند، هرگونه شده حضرت یوسف علیه السلام را از سر راه بردارند.)

ایجاد بدبینی به والدین



وقتی فرزندان به وضوح مشاهده می‌کنند که والدین آنها بین ایشان تبعیض قائل می‌شوند، به والدین خود بدبین می‌شوند. این بدبینی به مرور زمان پیامدهای منفی دیگری در پی خواهد داشت.

برتری ندادن یکی از فرزندان بر دیگری

حسن و حسین علیهما السلام در کودکی مشغول نوشتن بودند. حسن به حسین گفت: خط من از خط تو زیباتر است. امام حسین علیه السلام گفت: نه، خط من زیباتر از خط تو است. هر دو خدمت مادر رفتند و عرض کردند: شما میان ما داوری کنید. فاطمه علیها السلام دوست نداشت هیچ‌یک از فرزندان را آزرده سازد و فرمود: از پدر خود بپرسید. آنها خدمت پدر رفتند و از او درباره خطشان پرسیدند؛ اما پدر هم مانند مادر دوست نداشت هیچ‌یک را ناراحت کند، فرمود: از جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله بپرسید: آن دو خدمت پدر بزرگ رفته و از او سؤال کردند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما داوری و قضاوت نمی‌کنم تا از جبرئیل بپرسم. وقتی جبرئیل آمد، گفت: من میان آنان داوری نمی‌کنم، اسرافیل داوری کند، اسرافیل گفت: من هم میان آنان داوری نمی‌کنم؛ ولی از خدا درخواست می‌کنم میان آنان داوری کند؛ پس از خدا درخواست داوری کرد، خداوند فرمود: من داوری نمی‌کنم، مادرشان داوری کند. فاطمه عرض کرد: پروردگارا! اکنون میان آنان داوری می‌کنم. او گردن بندی از جواهر داشت، به فرزندان خود فرمود: من جواهر این گردن‌بند را میان شما پخش می‌کنم هر که تعداد بیشتری از دانه‌های آن را برداشت، خطش زیباتر است؛ پس آن را پخش کرد. در این هنگام جبرئیل بر بلندای عرش الهی بود. خدای متعال به او فرمان داد تا فرود

آید و جواهر را میان آنان یکسان تقسیم کند تا هیچ یک ناراحت نشوند. جبرئیل چنین کرد و این به علت تکریم و بزرگداشت آنان بود.^۱

این داستان در بحارالانوار به گونه دیگری نیز آمده است که حسن و حسین علیهما السلام کشتی گرفتند؛ اما وقتی هیچ کدام غالب نشدند خدمت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله به مسجد رفتند و حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: بروید خط بنویسید هر که خطش زیباتر باشد او در کشتی، قوی تر و زورمندتر است. بعد از مسابقه خطاطی، برای داوری کردن خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و حضرت آنها را خدمت پدر و وی خدمت مادر فرستاد تا بالاخره مادر با پاره کردن گردن بند و پخش دانه‌های آن، این داوری را پذیرفت تا هر که بیشتر از این دانه‌ها جمع کند وی در مسابقه پیروز شده است. در آن گردن بند هفت دانه جواهر بود و هر کدام از حسن و حسین سه دانه را برداشته بودند که خداوند به جبرئیل فرمان داد تا به زمین آید و بال خود را به دانه هفتم زند و آن را دو نیمه برابر کند تا هر یک نیمه‌ای را بردارد و هیچ کدام نرنجند. سرانجام هر کدام نیمه‌ای را برداشتند و هر دو برنده اعلام شدند.^۲

درس‌هایی از این داستان

۱. «و روى فى المراسيل أن الحسنَ و الحسينَ كانا يكتبان فقال الحسنُ للحسينِ خطى أحسنُ من خطك و قال الحسينُ لا بل خطى أحسنُ من خطك فقالا لفاطمةَ أحكى بيننا فكرهت فاطمةُ أن تؤذى أحدهما فقالت لهما سلا أبانكما فسأله فكره أن يؤذى أحدهما فقال سلا جدكما رسول الله صلی الله علیه و آله فقال صلی الله علیه و آله لا أحکم بینكما حتى أسأل جبرئیل فلما جاء جبرئیل قال لا أحکم بینهما و لكن إسرائیل یحکم بینهما فقال إسرائیل لا أحکم بینهما و لكن أسأل الله أن یحکم بینهما فسأل الله تعالى ذلك فقال تعالى لا أحکم بینهما و لكن أمهما فاطمة تحکم بینهما فقالت فاطمة أحمکم بینهما یا رب و كانت لها فلاة فقالت لهما أنا أنثر بینكما جواهر هذه الفلاة فمن أخذ منهما [منها] أكثر فخطه أحسن فنثرتها و كان جبرئیل و فتید عند قائمة العرش فأمره الله تعالى أن یهبط إلى الأرض و یصّف الجواهر بینهما کیلاً یتأدی أحدهما ففعل ذلك جبرئیل إكراماً لهما و تعظیماً». بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۴۳، ص ۳۱۰.

۲. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ح ۲۸.



ورزش بدنی برای رشد جسمی: حسین علیه السلام با همدیگر کشتی گرفتند. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله هم از آن ممانعت نکرد. روشن است که کشتی، یکی از ورزش‌های سالمی است که جسم را ورزیده و بدن را تقویت می‌کند.

مسابقه فرهنگی بین فرزندان: بهترین تفریح این است که والدین بین فرزندان، مسابقاتی را ترتیب دهند که زمینه رشد آنها را فراهم سازند؛ آن‌گونه که در این داستان آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را به خطاطی تشویق کرد.

آزرده خاطر نکردن فرزندان: هر یکی از فرزندان ما توانایی مخصوص خود را دارد؛ از این رو هر چند یکی از فرزندان ما توانایی بیشتری دارد؛ اما نباید فرزند دیگری که توانایی کمتری دارد با دیگری مقایسه کرد؛ زیرا دل دیگری می‌شکند.

احتیاط در داوری: داوری، بسیار سخت است؛ از این رو در داوری مخصوصاً داوری بین فرزندان باید بسیار دقت کرد و نباید با مقایسه، دل یکی را شکست.

نکته مهم

روانشناسان تربیتی و اجتماعی معتقدند که رفتار پدر و مادرها با یکدیگر در جریان پدر و مادری کردن، تاثیر چشمگیری بر بچه‌ها می‌گذارد. بچه‌ها با دیدن پدر و مادر خود، راه و رسم کنار آمدن با یکدیگر را می‌فهمند. طرز تعامل بچه‌ها با والدین، با خواهر و برادرها و با همسالان شان عمدتاً محصول رفتار و روابط پدر و مادر شان است نه حرف‌های آنها. در دنیای دموکراتیک امروز

بچه‌ها خودشان را با بزرگترها یکی می‌دانند و عمل بزرگترها را انجام می‌دهند نه حرف آنها را.^۱

زن و شوهر که هسته‌ی اصلی نهاد خانواده را تشکیل می‌دهند، در دنیای مدرن خود را در یک سطح می‌بینند و نگاه انسانی و برابر باهم دارند. در حالیکه در گذشته اینگونه نبوده است. در گذشته در نظام سنتی، شوهر از اقتدار مردسالارانه در نهاد خانواده برخوردار بود و زن منزلت فرودست نسبت به مرد داشت و منزلت نابرابر را هم زن و هم مرد پذیرفته بود و مطابق آن نقش‌های اجتماعی خود را در درون خانواده و در جامعه ایفاء می‌کردند. بنابراین چون هر دو این امر را پذیرفته بودند، لذا مطابق آن زندگی آرامی داشتند و تنش خانوادگی به ندرت مشاهده می‌شد، اما دنیای جدید، روابط آدم‌ها را دگرگون ساخت.

در برخی از کشورهای پیشرفته این امر پذیرفته شده و زن و شوهر منزلت مساوی یافته و تنش‌ها در آن اندک اند. در کشورهای اسلامی که در حال گذار قرار دارند مشکلات خانوادگی رو به افزایش است، آمار طلاق در حال افزایش است و این امر معلول تعارض دو نظام سنتی و مدرن است. نظام سنتی مردسالارانه است و زن‌های تحصیل کرده امروز، آن را بر نمی‌تابند و از سوی دیگر مردها نظام سنتی را به نفع خود می‌دانند و در نظام سنتی مطابق با فرهنگ آن جامعه پذیر گردیده اند در نتیجه خواستار فرادستی و اقتدار مردسالارانه خود در درون خانواده است. چون این موقعیت فرادست مرد در درون خانواده حفظ نمی‌گردد و هر روز در روابط خانوادگی با چالش جدی مواجه می‌شود، برای شوهر قابل تحمل نیست و وی را عصبانی می‌کند.

^۱. گرن مکی، مدیریت عصبانیت برای خانواده‌ها، ص ۷۷.



عصبانیت مشکل را بیشتر می‌سازد و تنش‌ها و دلسردی‌ها روز به روز بیش تر می‌گردد. سرانجام زندگی گرم خانوادگی رو به سردی می‌رود و جدایی نتیجه حتمی چنین زندگی است.

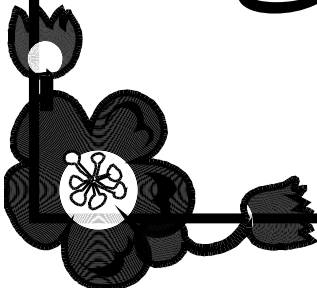
سیل انقلاب دموکراتیک همه جا را فراگرفته است. انقلاب دموکراتیک چنان قدرت یافته که هم در خانواده پاپ خود را رسانده و هم در خانواده مفتی و هم در خانواده مرجع تقلید. بنابراین ما چاره‌ی بجز پذیرفتن دگرگونی رابطه‌ها و منزلت‌ها نداریم. در چنین حالت لازم است ارزش‌های دینی و اسلامی از منظر دو انسان برابر در خانواده و جامعه مورد بررسی قرار گیرد.



فصل دهم

سبک رفتار حضرت زهرا

با خویشاوندان و ارحام



مقدمه

در خانواده های گسترده، معمولاً ارحام و خویشاوندان باهم در زیر یک سقف زندگی می کنند. در اینجا لازم است به شیوه و چگونگی تعامل با خویشاوندان و ارحام نیز توجه شود. در این فصل برآنیم که سبک تعامل حضرت فاطمه را با خویشاوندان و ارحام آن حضرت مورد بررسی قرار دهیم.

شبکه خویشاوندی؛ صله رحم یا پیوند با خویشاوندان

یکی از گروه های مهم اجتماعی که همواره انسان با آن ارتباط دارد خویشاوندان است. ما با خویشاوندان خود پیوند خونی و عاطفی داریم. شبکه خویشاوندان در طول حیات بشر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است و به همین خاطر در سختی ها و خوشی ها اولین گروهی که در کنار انسان همیشه بوده است خویشاوندان است. خویشاوندان دارای حقوق الهی و انسانی است.

تعریف و مصادیق خویشاوندان

ارحام یا خویشاوندان چه کسانی اند که این قدر بر پیوند (صله) آنها تأکید شده است؟ ارحام به همه اقاربی گفته می شود که از ناحیه پدر و مادر (و بالاتر از آنها اجداد و جدات و نیز پایین تر از ایشان اولاد و نوه ها) به فرد منتسب باشند؛ از این رو برادران، خواهران و فرزندان ایشان، عموها و عمه و فرزندان



ایشان و به طور کلی همه کسانی که در این سلسله به نوعی به فرد انتساب یافته‌اند، اعم از اینکه دور و یا نزدیک باشند از ارحام محسوب می‌شوند.^۱

سلسله مراتبی بودن خویشاوندان (ارحام)

یکی از سؤال‌های دیگر که درباره صله رحم به ذهن انسان می‌رسد، این است که آیا ارحام، همه در یک رتبه‌اند؟ در پاسخ باید گفت که همه ارحام در یک رتبه نیستند. در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است که حضرت فرمود:

و حقوق رحمک کثیره متصله بقدر اتصال الرحم فی اقربه و واجبه
علیک حق امک، ثم حق ابیک، ثم حق ولدک، ثم حق اخیک ثم الاقرب
فالاقرب و الاولی فالاولی.^۲

حقوق ارحام زیاد است و اندازه آن به اندازه نزدیکی و قرابت رحم به انسان است. صله رحم که واجب است، به ترتیب عبارت است از: اول حق مادر، بعد حق پدر، بعد حق فرزند، بعد حق برادر و آن‌گاه «الاقرب فالاقرب و الاولی فالاولی؛ هرکسی از لحاظ خویشاوندی به انسان نزدیک‌تر باشد حقوق بیشتری به گردن انسان دارد.»

صله رحم حضرت زهرا

حضرت فاطمه روزهای شنبه به زیارت قبر عمویش حمزه سیدالشهداء می‌رفت. محمود بن لبید گزارش می‌دهد که برخی از روزها که به نزد قبر حمزه می‌آمدم حضرت فاطمه را آنجا می‌دیدم که در آنجا نشسته و گریه

۱. صله رحم، ص ۵۵.

۲. رساله الحقوق، ص ۴.

می‌کند.^۱ فاطمه زهرا(س) همیشه به یاد مادر خود بود. حضرت فاطمه همچنین نسبت به خاله و سایر خویشاوندان خود مهربان بود و از آنها یاد می‌کرد و در حق آنها دعا می‌کرد. وی در همه حال به یاد پدر گرامی خویش بود و از هیچ نعمت و کمکی برای یاری به پدر دریغ نمی‌کرد. در روایت است که: سه روز بود که پیامبر(ص) غذایی نخورده بودند به طوری که بر حضرت سخت می‌گذشت. در نزد همسرانش خوراکی یافت نمی‌شد. نزد فاطمه آمد و گفت: دخترم نزد تو چیزی برای خوردن هست که بسیار گرسنه‌ام؟ عرض کرد: نه به خدا سوگند! وقتی پیامبر(ص) بیرون رفت، دخترش از اینکه نتوانسته پدر را سیر کند محزون شد. ناگهان دختر همسایه در زد و دو قرص نان و یک تکه گوشت خدمت فاطمه(س) آورد. او خوشحال شد و گفت خود را بر رسول خدا مقدم نمی‌داریم. درحالی که همه گرسنه بودند آن را زیر سبد نهاده و سرپوش بر آن گذاشت. حسن و حسین علیها السلام را خدمت پیامبر(ص) فرستاد، تا جدشان را برای غذا دعوت کنند. پیامبر(ص) تشریف آوردند و غذای بسیار معطری زیر سبد یافت. ... پیامبر(ص) و همه اعضای خانواده علی(ع) و همسران پیامبر(ص) از آن غذا خوردند و برای همسایه‌ها هم فرستادند.

أَنَّ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَقَامَ أَيَّامًا وَلَمْ يَطْعَمْ طَعَامًا حَتَّى شَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَطَافَ فِي دِيَارِ أَرْوَاجِهِ فَلَمْ يُصِبْ عِنْدَ إِحْدَاهُنَّ شَيْئًا فَآتَى فَاطِمَةَ فَقَالَ يَا بُنَيَّةُ هَلْ عِنْدِكَ شَيْءٌ أَكَلُهُ فَإِنِّي جَائِعٌ قَالَتْ لَا وَاللَّهِ بِنَفْسِي وَأُمِّي فَلَمَّا خَرَجَ عَنْهَا بَعَثَتْ جَارَةً لَهَا رَغِيفَيْنِ وَ بَضْعَةَ لَحْمٍ فَأَخَذَتْهُ وَ وَضَعَتْهُ فِي جَفْنَةٍ وَ غَطَّتْ عَلَيْهَا وَ قَالَتْ وَاللَّهِ لَأَوْثَرَنَّ بِهَذَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى نَفْسِي وَ مَنْ غَيْرِي وَ كَانُوا مُحْتَاجِينَ

^۱ . فاطمه زهرا سرور دل پیامبر ص ۳۶۲.



إِلَى شُبْعَةَ طَعَامٍ فَبَعَثَتْ حَسَنًا أَوْ حُسَيْنًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَرَجَعَ
إِلَيْهَا ... وَ أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ
جَمِيعُ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ حَتَّى شَبِعُوا قَالَتْ فَاطِمَةُ وَ بَقِيَتِ الْجَفْنَةُ كَمَا هِيَ
فَأَوْسَعَتْ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ جِيرَانِي وَ جَعَلَ اللَّهُ فِيهَا بَرَكَتًا وَ خَيْرًا كَثِيرًا

حضرت فاطمه بعد از رحلت پدر نیز پدرش را فراموش نکرد، بلکه همانگونه که محمود لبید نقل کرده حضرت فاطمه در کنار قبور شهدا خیلی گریه می کرد به گونه ای که قلبم به درد می آمد و وی را آرام کردم و بعد از سلام عرض کردم: ای سرور زنان! به خدا قسم که رشته های قلبم از گریستن شما پاره شده است. حضرت فرمود: ای ابو عمر! مرا گریستن حق است چون مصیبت زده ام. آن گاه این شعرش را خواند: چون کسی بمیرد یادش در خاطره ها کم رنگ می شود اما به خدا سوگند پدرم چون وفات یافت یادش فراوان شد.

عَنْ مَحْمُودِ بْنِ لَبِيدٍ قَالَ: لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَانَتْ فَاطِمَةُ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَ تَأْتِي قَبْرَ حَمْرَةَ وَ تَبْكِي هُنَاكَ فَلَمَّا كَانَ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ أَتَيْتُ قَبْرَ حَمْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَوَجَدْتُهَا ص تَبْكِي هُنَاكَ فَأَمَهَلْتُهَا حَتَّى سَكَتَتْ فَاتَيْتُهَا وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهَا وَ قُلْتُ يَا سَيِّدَةَ النِّسْوَانِ قَدْ وَ اللَّهُ قُطِعَتْ أَنْبِاطُ قَلْبِي مِنْ بُكَائِكَ فَقَالَتْ يَا بَا عُمَرَ يَحِقُّ لِي الْبُكَاءُ وَ لَقَدْ أَصَبْتُ بِخَيْرِ الْأَبَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ شَوْقَاهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ أَنَشَأْتُ عَ تَقُولُ



إِذَا مَاتَ يَوْمًا مَيِّتٌ قَلَّ ذِكْرُهُ
وَذِكْرُ أَبِي [مُدًّا] مَاتَ وَ اللَّهُ
أَكْثَرُ^۱

کارکردهای صله رحم

پیوند با خویشاوندان کارکردهای مثبتی زیادی دارد. فرزندان ما از طریق صله رحم هنجارهای پذیرفته جامعه را فرا می‌گیرند، با تبار و خویشاوندان خود آشنا می‌شوند، اوقات فراغت اعضاء بصورت مثبت پر می‌شود، شهرها آباد می‌گردد، نظارت اجتماعی و تشویق به خوبی‌ها صورت می‌گیرد، روحیه تعاون و همکاری بین شبکه خویشاوندان افزایش می‌یابد و...

حضرت فاطمه زهرا در یکی از سخنرانی‌های خود به فلسفه جعل و تشریح احکام اشاره کرده فرمود: خداوند صله رحم و ارتباط با خویشاوندان را به خاطر طولانی شدن عمر قرار داده است.

فَجَعَلَ اللَّهُ ... صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ^۲ مَنْسَأَةً به معنای موخره و به تاخیر افتاده آمده است.

^۱ . کفایه الاثر ص ۱۹۹.

^۲ . الاحتجاج علی اهل اللجاج ج ۱ ص ۱۰۰.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه.

ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، قم،
مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

ابن أبی طاهر، احمد بن أبی طاهر، بلاغات النساء، قم، الشریف الرضی، بی تا.
ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه،
بی تا.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش، ج ۶.
ابن بابویه، محمد بن علی - آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، عیون أخبار الرضا علیه
السلام / ترجمه آقا نجفی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا
ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید (للصدوق)، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق
ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.

ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، کتابفروشی داورى، ۱۳۸۵.
ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق

ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، محقق و
مصحح: محمد حسین، حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.

ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام،
قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.

- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، قم، موسسه آل البيت ع، ۱۳۸۵.
- ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل، الفضائل (لابن شاذان القمی)، قم، رضی، ۱۳۶۲.
- ابن شاذان، محمد بن احمد، مائتة منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة، قم، مدرسه الامام المهدي عج، ۱۴۰۷.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب علیه السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسوع بكمال العمل المشروع، قم، دارالرضی، ۱۳۳۰ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۶.
- ابن طاووس، علی بن موسی، المجتنبی من الدعاء المجتبی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱.
- ابن طاووس، علی بن موسی، كشف المحجّة لثمره المهجّة، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق: عبدالحسين امينی، نجف، دار المرتضويه، ۱۳۵۶ ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، نجف، دارالمرتضويه، ۱۳۵۶ ش.
- اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة)، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
- اریک برن، بازی ها روانشناسی روابط انسانی، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران، نشر آسیم، ۱۳۸۴.
- الامالی شیخ طوسی.....
- امینی، ابراهیم، بانوی نمونه اسلام، قم، شفق، ۱۳۸۱.



بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)، قم، موسسه الامام المهدي عج، ۱۴۱۳.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه بعثت، ۱۳۷۴.
بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
جزائری، نعمت الله بن عبد الله - مشایخ، فاطمه، قصص الأنبياء (قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائری)، تهران، انتشارات فرحان، ۱۳۸۱ ش .

حرالعالمی، محمد بن الحسن، «وسائل الشیعة»، قم، آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۲ ق.
حرانی، حسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه و تصحیح: آیت الله کمره ای و علی اکبر غفاری، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۳ ش، ج ۵.

حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران، التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافه الإسلامیه، ۱۴۱۱.

حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام، قم، مدرسه الامام المهدي عج، ۱۴۰۹.

الحسینی الفیروز آبادی، سید مرتضی، فضائل الخمسه من صحاح السنه، قم، المجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۲۲.

الحسینی المرعشی التستری، نور الله، ملحقات احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، بی تا.

حسینی موسوی، محمد بن أبی طالب، تسلیة المَجالس و زینة المَجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ ق.

حلوانی، حسین بن محمد، زهة الناظر و تنبیه الخاطر، قم، مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۸ ق.

حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلی)، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ ق
حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحديثة)، محقق و مصحح: مؤسسہ آل البيت علیہ السلام، قم، مؤسسہ آل البيت علیہ السلام، ۱۴۱۳ ق.
حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحديثة)، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۱۳.
خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹.
دشتی، محمد، نهج الحیاه یا فرهنگ سخنان فاطمه ع، قم، موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، ۱۳۷۲.
۱. دلایل الامامہ.....

دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.

دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، محقق و مصحح: مؤسسہ آل البيت علیہ السلام، قم، مؤسسہ آل البيت علیہ السلام، ۱۴۰۸ ق.

دیلمی، حسن بن محمد - طباطبائی، سید عباس، إرشاد القلوب / ترجمه طباطبائی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۶.

دیلمی، حسن بن محمد، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسہ آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸.

راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النواد (للاوندی)، محقق و مصحح: صادقی اردستانی، احمد، قم، دار الكتاب، بی تا.

رحمانی همدانی، احمد، فاطمه زهرا سرور دل پیامبر، ترجمه مهدی جعفری، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۶.

رسالة الحقوق امام سجاد علیه السلام، ترجمه: دکتر جمال الدین موسوی، بی جا، گلبن، ۱۳۷۶ ش، ج ۲.

سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، بیروت، شرکه ابناء شریف الانصاری، ۲۰۰۵.

الشاکری، حسین، موسوعه المصطفی و العتره، قم، الهادی، ۱۴۱۵.



شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۲۰ق.

شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، قم، جامعہ مدرسین، ۱۴۲۰.

شرف الدین، محمد حسین، تحلیلی اجتماعی از صلہ رحمہ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ش.

شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، مطبعہ حیدریہ، بی تا.
 شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد للشیخ المفید، قم، مکتبہ بصیرتی، بی تا.

شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، قم، مؤسسہ آل البيت علیہم السلام، ۱۴۰۹ق.

الصالحی، عبداللہ، الشریفی، محمود و دیگران، موسوعہ کلمات سیدتنا فاطمہ الزہراء، قم، منظمہ الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۹.

طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الہدی، قم، موسسہ آل البيت، ۱۴۱۷.
 الطبرسی، علی الفضل بن الحسن، أعلام الوری بأعلام الہدی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۲۴.

طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (لطبرسی)، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳.

طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰.
 طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المکتبہ الحیدریہ، ۱۳۸۵ق.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة (ط- الحدیثہ)، قم، بعثت، ۱۴۱۳.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الہداه علیہم السلام، قم، دلیل ما، ۱۴۲۷ق.

- طبری آملی، عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی (ط - القديمة)، نجف، المكتبه الحیدریه، ۱۳۸۳ ق
- طبری آملی، عماد الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی (ط - القديمة)، نجف، المكتبه الحیدریه، ۱۳۸۳ ق
- طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه (للطوسی) / کتاب الغیبه للحجّه، قم، دار المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعه العلمیه، ۱۳۸۰
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القديمة)، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۵.
- القرشی، باقر شریف، موسوعه سیره اهل البيت ع فاطمه الزهرا، ج ۹، قم، دارالمعروف، ۱۴۳۰.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹.
- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی بحار الانوار، ایران، دارالاسوه، ۱۴۲۲.
- قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بیروت، دارالمجتبی، ۱۹۹۹.
- قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۶.
- القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- کارنگی، دیل، آئین دوست یابی، ترجمه: محمدرضا اکبری بیرقی، تهران، اردیبهشت، ۱۳۸۴، چ ۶.
- کجوری مازندرانی، محمد باقر، فاطمه زهرا این گونه بود؛ خصائص فاطمیّه، قم، انتشارات مومنین، ۱۳۹۱.



کفایه الاثر.....

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
کوئن، بروس، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، ج ۲، تهران، نشر
توتیا، ۱۳۷۵ش.

کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة
الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰.

گری مکی و استیون میل، مدیریت عصبانیت برای خانواده‌ها، ترجمه مهرداد
فیروزبخت، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۹۰.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۲.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد
۴۳ بحار الأنوار) ترجمه محمد روحانی، تهران، انتشارات مهام، ۱۳۷۹.
مصباح المتهدد.....

المصری، محمود، صحابیات حول الرسول، بیروت، دارالتقوی، ۱۴۲۴.

مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ مفید، ۱۴۱۳
مفید، محمد بن محمد، کتاب المزار - مناسک المزار (للمفید)، قم، کنگره جهانی هزاره
شیخ مفید ره، ۱۴۱۳.

الموسوی، فخار بن معد، ایمان أبی طالب (الحجّة علی الذاهب إلی کفر أبی طالب)،
قم، دار سیدالشهدا للنشر، ۱۴۱۰.

میبدی، حسین بن معین الدین / زمانی، مصطفی، دیوان أمير المؤمنين علیه السلام،
قم، دار نداء الاسلام للنشر، ۴۱۱.

نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل
البیت ع، ۱۴۰۸.

نیلی پور، مهدی، فرهنگ فاطمیه، اصفهان، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس،
۱۳۸۹.

الهلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، قم، الهادی، ۱۴۰۵.

